

دستگاه

۴۲

رشد آموزش

افصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای مربیان پیش دبستانی، والدین، مدرسان و دانشجویان
دوره یازدهم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۹ | ۶۴ صفحه | ۴۰۵۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵
www.roshtdmag.ir



• بهار مسئولیت‌پذیری • شادی پایدار در کودکان • با کودکان بی‌انگیزه چه کنیم؟
• بازی، جریان مستمر کشف کودکان

مربی، ایمان رادر جان و ضمیرهای پاک کودک شکوفا
می کند و ندای فطرت الهی او را به گوش همه می رساند.

دوازدهم اردیبهشت سالروز شهادت
استاد مطهری و روز معلم و بزرگداشت
مقام استادگرایم باد





فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای مربیان مراکز پیش دبستانی، والدین، دانشجویان و کارشناسان آموزشی | دوره یازدهم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۹ | ۶۴ صفحه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: مسعود فیاضی
سر دبیر: مسعود تهرانی فرجاد
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
دکتر رخساره فضلی
دکتر بتول سبزه
مشاور علمی: دکتر فرخنده مفیدی
مدیر داخلی: رقیه قنبری
ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
تصویرگر جلد: آرش عادل
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۹۱-۹
(داخلی ۲۴۲)
نمبر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶
صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: pishdabestani@roshdmag.ir
پیامک: ۳۰۰۸۹۹۵
چاپ و توزیع: شرکت افست

یادداشت سردبیر / بهار مسئولیت پذیری / ۲

تربیت و یادگیری / شادی پایدار در کودکان / دکتر بتول سبزه / ۴

باغ تجربه ها / چست و چالاک است اندر جست و جو نکته ها می بیند اما مو به مو / فریده عصاره / ۷

فرصت تربیتی / پرورش ذوق هنری در کودکان / کیومرث سلطانی ابهری / زینت نوروزی / ۱۰

پژوهش / تأثیر آموزش و مداخله به هنگام در دوره پیش دبستان / دکتر رخساره فضلی / ۱۵

شاهد کلام وحی / ضرورت آموزش مهارت «خودمدیریتی» از پیش دبستان / مهدی مروجی / ۱۸

مدیریت واحد آموزشی / مؤلفه های مدیریت اثربخش در مهد کودک / دکتر لیلا ولی زاده / ۲۱

گزارش / عبور از هنجارهای حافظه محور در مؤسسه آموزشی میزان / سمیه رمضان پور / ۲۴

فرصت تربیتی / نمایش، برش هایی از زندگی کودکان / غلامرضا فارس جانی / ۲۹

مشاوره / با کودکان بی انگیزه چه کنیم؟ / زهرا شعبان / ۳۰

تربیت و یادگیری / آیا شما برای فرزندتان پدر خوبی هستید؟ / زینب غلامی، دکتر سیامک طهماسبی / ۳۲

فرصت تربیتی / بازی، جریان مستمر کشف کودک / فرهاد اسماعیلی / ۳۵

تربیت و یادگیری / شکل گیری عادات و یادگیری در کودکان پیش دبستانی / اعظم فتحی / ۳۸

برنامه درسی تربیتی / ویژگی های برنامه و فعالیت های پیش دبستان / مریم اسفندیاری / ۴۲

نقد و نظر / ناهمسازی کودک محوری و واحد کارها / رضوان اسامی / ۴۴

کودکان با نیازهای ویژه / فرشته های زمینی / مرتضی طاهری / ۴۷

پژوهش / زین دو هزاران «من» و «ما» «من کیستم؟!» / فرهاد نبی / ۴۸

مهارت های پایه / فرآیند مهارت نوشتن در دوره پیش دبستان / زهرا سادات یاسینی / ۵۰

مطالعات بین الملل / محیط و کاوشگری کودک / ساسان امامی، شهرام امامقلی / ۵۴

کودک و تغذیه / لقمه خانگی / عاطفه نادری، دکتر سیامک طهماسبی / ۵۸

سواد رسانه / کودک آزاری با ماهیت کودک ایزاری / فاطمه نور شرق، دکتر سیامک طهماسبی / ۶۰

با استان ها / استان ایلام / حسن عزیز پوریان / ۶۳

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

• مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروف چینی شود (مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. • مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.

بهار مسئولیت‌پذیری

بهار پیام‌آور شکوفا شدن و حیات مجدد و یادآور رشد، تحرک و بالندگی است. بهار ایرانیان نماد نشاط، دوستی و همدلی است. هر ایرانی با دید و بازدیدهای نوروزی روابط اجتماعی خود را نو می‌کند و بنای زندگی محبت‌آمیز را ترمیم و استوارتر می‌سازد.

بهار، سراسر یادآوری و امید است؛ امید به حیات و استمرار زندگی. بهار امسال - ۱۳۹۹ - مقارن با مناسبت‌ها و رویدادهای گوناگون است که مهم‌ترین آن‌ها اعیاد ماه شعبان و به‌ویژه ولادت مسعود امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف می‌باشد. امید است ضمن درک حضور آن عزیز در آینده‌ای نه‌چندان دور نیز شاهد ظهور آن طلعت زیبا و مهربانی باشیم که با آمدنش بهار حقیقی و ماندگار را به ارمغان می‌آورد، و هاتف اصفهانی چه زیبا سروده است:

اکنون که زمین شد ز بهاران، همه گل
صحرا همه سبزه، کوهساران همه گل
از فرقت توست در دل ما همه خار
وز طلعت تو، به چشم یاران همه گل

اما بهار و نوروز امسال به ما مفهوم دیگری را نیز یادآوری کرد. با فراگیر شدن ویروس کرونا در ایران و در فصل بهار، «مسئولیت‌پذیری» مفهوم انسان‌دوستانه‌ای بود که هر فرد می‌بایست در مبارزه برای کنترل این ویروس منحوس و خطرناک، نقش انسانی و اجتماعی خود را ایفا کند؛ از افرادی که

وظیفه و مسئولیتشان در خانه ماندن بود، تا آن‌هایی که برای انجام دادن مسئولیت خطیر خود می‌بایست بیرون از خانه باشند و تا پای جان تلاش کنند. **بهار** امسال علاوه بر شکوفا کردن گل‌ها و درختان، منظره‌ای زیبا از **شکوفایی مسئولیت‌پذیری** و ایفای نقش اجتماعی ایرانیان را نشان داد. در این میان، برخی از انجام این مسئولیت خطیر شانه خالی کردند و بار مسئولیت خود را به دوش دیگران انداختند اما عزم ملی و همگانی جامعه حکایت از انجام هر چه بهتر وظایف داشت. خدا را شاکریم و به مردم و دست‌اندرکاران دلسوز و مسئولیت‌پذیر که با روحیه جهادی در این مبارزه خطیر شرکت کردند، دست‌مریزاد می‌گوییم و از پروردگار مهربان برایشان سلامت و بهروزی مسئلت می‌نماییم.

مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های فردی و اجتماعی از شاخص‌های زندگی مطلوب و سودمند است.

جامعه‌ای می‌تواند پیشرفت و توسعه یابد که افراد آن وظیفه‌شناس باشند. جامعه‌ای مسئولیت محکوم به ناپودی است. به‌خوبی می‌دانیم که سرمایه اصلی هر جامعه را انسان‌ها تولید می‌کنند. از کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد، یعنی خانواده، تا بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها یعنی نهاد جامعه، به‌ویژه نهاد تعلیم و تربیت یا همان آموزش و پرورش که در تربیت انسان مسئولیت دارند.

در حقیقت، جامعه مسئولیت‌پذیر دست‌آورد انسان‌های تربیت شده است. از سوی دیگر، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مقطع تربیتی هر فرد، دوران کودکی او، به‌ویژه هفت سال اول زندگی وی - دوره پیش از دبستان - می‌باشد.

مجله رشد آموزش پیش‌دبستان با ارزش نهادن به زحمات و تلاش‌های همه کسانی که با سلحشوری و روحیه جهادی در جبهه سلامت تا پای جان به مسئولیت خود عمل نموده‌اند، تلاش خواهد کرد که به یاری خداوند و با همراهی شما مخاطبان فرهیخته، برای آگاهی‌بخشی و ارائه راهکارهای سودمند و اثربخش در تربیت کودکان پیش‌دبستان گام‌های استوار بردارد، تا این بهار مسئولیت‌پذیری برای همیشه در چهار فصل زندگی مردم عزیز ایران اسلامی پایدار و ماندگار بماند. ان شاءالله



شادی پایدار در کودکان

چگونه اوقاتی شاد با فرزندانمان داشته باشیم؟!

اشاره

آنچه در این نوشتار مدنظر است، پرداختن به فعالیت‌هایی است که علاوه بر ایجاد شادی موقت، نشاط و شادی پایدار نیز ایجاد می‌کنند که به تقویت حس ارزشمندی، اعتمادبه‌نفس، خوداتکایی و در نهایت عزت نفس در کودکان منجر می‌شود. عزت نفس بهترین و باارزش‌ترین هدیه‌ای است که والدین می‌توانند از طریق خلق و خوی شاد و با نشاط به فرزندان خود بدهند.

کلیدواژه‌ها: شادی پایدار، عزت‌نفس، نشاط، رسانه‌ها، پرورش مهارت

امروزه افراد به سبب برخورداری از فناوری‌های نوین و گسترش رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر اینترنت، به سرعت از اخبار و اتفاقات مختلف در جامعه خود و سایر جوامع، آگاه و مطلع می‌شوند. این موضوع جنبه‌های مثبت فراوانی دارد اما از طرفی، مواجه شدن با اخبار و اطلاعات مختلف، افکار والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مواردی، منجر به تغییراتی در روابط والدین و فرزندان می‌شود. زمانی که والدین تحت تأثیر تغییرات محیطی، شرایط کاری و سایر عوامل استرس‌زا مانند شیوع بیماری‌های واگیردار (مانند کرونا) قرار می‌گیرند، کنترل و اداره کردن شرایط زندگی برای آنان سخت‌تر می‌شود. طبیعتاً در چنین شرایطی، از رفتارهای سنجیده و حساب شده آن‌ها کاسته می‌شود و شیوه‌های رفتاری خشک و انعطاف‌ناپذیر در برخورد با دیگران و فرزندان بروز می‌کند؛ و مسلماً توجه و محبت به کودکان، دوستی و صمیمیت با فرزندان، و برقراری ارتباط مؤثر با آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و کمرنگ‌تر می‌شود. چنین شرایطی باعث ایجاد استرس و نگرانی و به دنبال آن بروز رفتارهای ناخوشایند و تغییرات خلقی در کودکان می‌گردد.



حال این سؤال مطرح می‌شود که چاره چیست و در چنین شرایطی برای کاهش نگرانی، افزایش آرامش و پایداری شادی خود و فرزندانمان چه کاری باید انجام دهیم.

به‌خوبی می‌دانیم که تجربه‌های احساسی و عاطفی دوران نوزادی و کودکی، در شخصیت و سلامت روانی افراد تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارند. لذا هر آنچه ما به‌عنوان والدین در سال‌های اولیه زندگی کودکانمان انجام می‌دهیم، در شخصیت و زندگی کنونی و آینده آن‌ها بسیار مؤثر است. ایجاد محیطی امن و قابل پیش‌بینی به لحاظ احساسی و فیزیکی برای فرزندان، برقراری ارتباط درست و مثبت و متعادل با فرزندان، کاستن از نمایش قدرت و بگومگوهای زبان‌آور، و اظهار عشق و علاقه بی‌قید و شرط به فرزندان، از جمله موارد اصلی و مهم ایجاد لحظات خوش و تأثیرگذار بر آن‌هاست.

به عقیده هارتلی بروئر (۲۰۰۵)، مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش حس شادی عمیق، عزت نفس است. وی اذعان می‌دارد که سه ویژگی عزت نفس، اتکا به نفس و اعتمادبه‌نفس نقطه آغازین برخورداری از سلامت احساسی - عاطفی و توان برقراری روابط شاد و رضایت‌بخش است. اطمینان و قابلیت پیش‌بینی، توانایی و خودکارآمدی، خون‌گرمی و جامعه‌پذیری از عوامل مهم و ضروری برای حس اعتمادبه‌نفس‌اند. توانایی مقابله با مشکلات، حل مسائل، قابلیت تفکر و عملکرد مستقل از جمله عوامل مهم ایجاد حس اتکا به نفس محسوب می‌شوند. مجموع این ویژگی‌ها که به شکل‌گیری حس ارزشمندی و خودانگاره مثبت در فرد منجر می‌شوند، همان عزت نفس را تشکیل می‌دهند. عزت نفس باعث احساس رضایت و خشنودی عمیق و پایدار در فرد می‌شود که به نوعی همان شادی واقعی یا شادی درونی است. همان‌طور که ارسطو نیز اشاره می‌کند، شادی درونی همان احساس رضایت و خشنودی از خود است. لذا، هرچند فعالیت‌هایی از قبیل خرید اسباب‌بازی، خوردن خوراکی‌های خوشمزه و مورد علاقه، دیدن فیلم یا انجام دادن بازی‌های مختلف همگی باعث شادی کودکان می‌شوند و نمی‌توان تأثیر این نوع شادی‌های اکتسابی را انکار کرد، اما قطعاً اثر این نوع شادی‌ها، موقتی و بی‌ثبات است.

پرداختن به امور روزمره و تکراری، فرصتی برای استقلال کودکان

شاید پرداختن به کارهای روزمره برای بزرگسالان عادی، تکراری و غیرمهم جلوه کند اما انجام دادن آن‌ها برای کودکان خردسال به‌طور مستقل یا همراه با بزرگسالان، علاوه بر ایجاد اطمینان نسبت به خود، توانایی پیش‌بینی فعالیت‌های روزمره و کسب استقلال و اتکا به نفس به وجود می‌آورد. کودکان از اینکه بتوانند فعالیت‌های شخصی مانند غذاخوردن، لباس پوشیدن، مسواک زدن و حمام کردن را به‌طور مستقل انجام دهند، لذت می‌برند و احساس رضایت و خشنودی در آن‌ها شکل می‌گیرد.

این امر باید به‌صورت گام به گام و مرحله به مرحله انجام پذیرد. بعد از شکل‌گیری توانایی انجام دادن کارهای شخصی ساده و روزمره در کودکان، می‌توانید مسئولیت برخی از امور داخل خانه مانند مرتب کردن اتاق، تا زدن لباس‌ها، چیدن ظروف در کابینت، چیدن میز غذا، تمیز کردن و گردگیری وسایل، و قرار دادن لباس‌های کثیف در سبد لباس‌شویی را به آن‌ها واگذار کنید. سپس به مرور زمان، فعالیت‌های ساده روزمره در بیرون از منزل، مانند همراهی در خرید، را با آن‌ها تمرین کنید و در نهایت، برای انجام دادن هر یک از کارهای روزمره به آنان تفویض اختیار نمایید. تفویض اختیار به‌موقع برای انجام امور، سبب احساس استقلال و اعتمادبه‌نفس و در نهایت، لذت و شادی درونی در فرزندان می‌شود. کمالینکه والدین نیز احساس رضایت، خرسندی و شادی درونی از عملکرد تربیتی خود را تجربه می‌کنند.

پرورش مهارت‌های مختلف

با توجه به شناختی که از کودکان خود دارید، فهرستی از فعالیت‌هایی را که کودکان در انجام دادن آن‌ها توانایی دارند یا به آن‌ها علاقه‌مندند، تهیه کنید. این فعالیت‌ها را می‌توان از ساده به پیچیده تنظیم کرد تا کودکان با انجام دادن آن‌ها احساس خوب و مثبتی پیدا کنند. فعالیت‌هایی کاملاً مختلف و متفاوت از قبیل کشیدن نقاشی، برش زدن با قیچی، کار با خمیر، و ساخت کاردستی، تا فعالیت‌هایی پیچیده که نیازمند توانایی بیشتر هستند. مهارت‌های عملی نظیر توانایی ساختن چیزهای مختلف یا تعمیر و درست کردن اسباب‌بازی‌های خراب‌شده، مهارت‌های ذهنی و پردازشی نظیر چیدن صحیح قطعات پازل، توانایی حل مسائل ذهنی، مهارت‌های اجتماعی نظیر توانایی بازی با همسالان، برقراری ارتباط صحیح با دیگران، توانایی دوست‌یابی، مهارت‌های جسمانی حرکتی نظیر توانایی در پریدن، دویدن با تعادل، و بازی مهارتی با توپ همگی می‌توانند به شکل‌گیری احساس توانمندی و کفایت و کارایی در کودکان منجر شوند و هم در آن‌ها و هم در والدین خشنودی و شادی درونی ایجاد کنند.

تجربه‌های احساسی و عاطفی دوران نوزادی و کودکی، در شخصیت و سلامت روانی افراد تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارند



از طرف دیگر، بازی با وسایل سازمان نیافته که شکل و قاعده بازی با آنها از قبل تعیین نشده است، به کودکان این امکان را می‌دهد که با قوه خلاقیت و ابتکار خود چیزهایی نو خلق کنند. این وسایل متعدّدند و به شیوه‌های گوناگونی به کار گرفته می‌شوند.

چند نمونه اسباب بازی ساختنی

انواع لگوها، قطعات و آجرهای چوبی و همچنین وسایلی از قبیل تکه پارچه‌های رنگی، فوم‌های مکعبی، وسایل و لوازم پلاستیکی موجود در آشپزخانه، حبوبات و دانه‌ها، گل، خمیر، شن، انواع سنگ‌ها و صدف‌ها و به‌طور خلاصه، هر چیزی که به راحتی بتوان آن را در دسترس کودکان قرار داد، همگی به لحاظ اینکه کاملاً در اختیار کودک‌اند و کودکان در بازی با آنها آزادی عمل دارند، سبب ایجاد مؤثرترین تجارب و لذت‌بخش‌ترین و جذاب‌ترین لحظات برای کودکان می‌شوند.

سخن آخر اینکه جهت ایجاد فرصت‌های شاد و اوقات بانشاط برای کودکان، لازم است به عنوان والدین از عملکرد خود در ارتباط با فرزندانمان، درک و شناخت بهتر و بیشتری داشته باشیم. در مواقعی که درگیر مشکلات متعدّد، استرس و کمبود وقت هستیم، نقش والدینی خود را فراموش نکنیم و جزء «والدین به اندازه کافی خوب» باشیم. «والدین به اندازه کافی خوب» لزوماً ایده‌آل‌گرا و آرمان‌خواه نیستند، به راحتی به کودکان خود ابراز عشق و علاقه می‌کنند و با رفتارها و عکس‌العمل‌های مثبت، چرخه منفی روابط و شرایط را به چرخه مثبت تغییر می‌دهند؛ در نتیجه حس اعتماد، احترام، علاقه و توجه خود را به کودکان نشان می‌دهند و در نهایت، شادی درونی و پایدار یا همان نشاط را در خود و فرزندان ایجاد می‌کنند.

والدین به اندازه کافی خوب، لزوماً ایده‌آل‌گرا و آرمان‌خواه نیستند، به راحتی به کودکان خود ابراز عشق و علاقه می‌کنند و با رفتارها و عکس‌العمل‌های مثبت، چرخه منفی روابط و شرایط را به چرخه مثبت تغییر می‌دهند

بازی‌های آزاد با وسایل سازمان نیافته

طبق تعریف جان دیویی، «بازی فعالیتی است که کودک در حال انجام دادن از آن لذت می‌برد اما کار چیزی است که پایان آن خوشایند می‌باشد». لذا کودکان در سنین اولیه کودکی به بازی‌هایی علاقه‌مندند که اغلب اختیاری، آزاد و بدون برنامه قبلی هستند. این نوع بازی‌ها بر رشد همه‌جانبه کودکان تأثیر بسزایی دارند. برای تحقق چنین بازی‌های اثربخشی، کافی است شرایط مساعد برای شکل‌گیری و اجرای این بازی‌ها را فراهم کنیم.

چند نمونه بازی ساده، جذاب و اثربخش

بازی با گل‌های فرش، راه رفتن روی خطوط کف‌پوش خانه، نقاشی کشیدن در هوا، حرف زدن با وسایل بازی، ساختن خانه خیالی با وسایل مختلف و تقلید نقش پدر و مادر، صحبت کردن با قاشق یا کنترل تلویزیون که نقش تلفن را ایفا می‌کند، و تقلید حرکات و صدای حیوانات از جمله بازی‌هایی هستند که قدرت تفکر، خلاقیت، افزایش تجربه‌ها و حس اعتماد به نفس را در کودکان تقویت می‌کنند.

منابع

۱. انگچی، لیلی و عسگری، عزیزه (۱۳۸۵). بازی و تأثیر آن در رشد کودک. تهران: طراحان ایماژ.
۲. میرزایی، مریم (۱۳۹۳). بازی و اسباب بازی. تهران: جهاد دانشگاهی.
۳. هارتلی بروئر، الیزابت (۱۳۹۰). روان‌شناسی کودک: چگونه فرزندان شاد داشته باشیم. مترجم: فاطمه محمدنیا. تهران: رشد.



چست و چالاک است اندر جست و جو نکته‌ها می‌بیند اما موبه‌مو جست و جوگری کودک

اشاره

چندی پیش در خیابان و نزدیک چهارراه جمعیتی جمع شده بودند. وجود جمعیت مانع از آن می‌شد که موضوع و علت این گردهمایی معلوم شود. آدم بود که از چهار طرف به سمت شلوغی می‌رفتند و هر لحظه جمعیت متراکم‌تر می‌شد. اگر شما در آنجا بودید دوست داشتید هر چه زودتر خودتان را به شلوغی برسانید بلکه ماجرا را از نزدیک ببینید و علت تجمع را جویا شوید. از شما چه پنهان من که خودم را سر صحنه رساندم. لابد دوست دارید بفهمید که ماجرا چه بود؟ راننده‌ای در حال سبقت گرفتن زده بود به ماشینی که راننده‌اش تازه پارک کرده بود. سپرش خورده بود به در سمت راننده. هر دو راننده دست به یقه شده بودند. عده زیادی فقط تماشاچی بودند و چند مرد هم به آن‌ها نزدیک شده بلکه بتوانند یقه‌های آن‌ها را از دست یکدیگر برهاند که پلیس سر رسید.

مقاله‌ای که در پس مشاهده ذکر شده در بالا می‌آید، همان‌طور که در عنوان آمده. درباره جست و جوگری است. پیش‌درآمدش با مشاهداتی از کندوکاو و میل به شناخت دنیای پیرامون در یک کودک است. بعد از آن بحثی مختصر درباره این میل و استعداد خدادادی در بشر است.

نمونه‌هایی از جست و جوگری یک کودک

در یک ماهگی وقتی او را بیرون می‌بردیم دوست داشت صورتش را به سمت پنجره ماشین بگردانیم تا مناظر بیرون را تماشا کند.

در چهل روزگی، در ماشین، وقتی گریه کرد او را به حالت ایستاده به طرف پنجره ماشین در آغوشم گذاشتم. به محض اینکه چشمش به بیرون افتاد، گریه‌اش ساکت شد و دقایقی در حالی که مردمک چشمش از راست به چپ و چپ به راست حرکت می‌کرد، ده دقیقه‌ای با اشتیاق مناظری را که از جلوییش رد می‌شدند، از نظر گذرانید. بعد صدای گریه‌اش بلند شد. نگاهش کردم. متوجه شدم کلاهش پایین آمده و جلو دیدش را گرفته. وقتی کلاهش را به حالت اول برگرداندم، آرام شد و به مشاهداتش ادامه داد.

در چهار ماهگی وقتی شب‌هنگام در ماشین بودیم، سایه ماشین‌هایی که از آنجا رد می‌شدند و روی دیوار می‌افتادند را نگاه می‌کرد و دستش را به سمت آن‌ها می‌برد تا سایه‌ها را بگیرد. در سه ماهگی وقتی در نی‌نی لای‌لای خود دراز کشیده بود، توپی را که نخ‌به آن آویزان بود، به سمت صورتش بردم. در حالی که دهانش را باز کرده بود دستش را به طرف توپ برد ولی موفق به گرفتن توپ نشد.

در پنج ماهگی وقتی که روی لحافش دراز کشیده بود، برای دستیابی به اسباب‌بازی که سر لحافش بود روی سینه برگشت، دستش را به سمت آن دراز کرد که دستش نرسید. با چنگ زدن به لحاف و تکان دادن پاهایش، با جمع شدن لحاف موفق شد به اسباب‌بازی دست یابد.

در شش ماهگی به حالت سینه‌خیز به سمت جفجفه‌اش رفت. آن را از راست به چپ حرکت داد و وقتی صدای آن درآمد نگاه کرد و خندید. بعد آن را روی زمین کشید. نگاه کرد. گویی این دانشمند کوچک به کشف دیگری نایل شده بود و داشت کشف جدید خود را به من اعلام می‌کرد.

در هفت ماهگی وقتی با روروش به قوطی جابرنج که اندکی برنج داشت، کوبید و صدای شنگ شنگ برنج‌ها بلند شد خنده‌کنان چندین بار این کار را انجام داد تا صدای جدیدی را که بر اثر کشف جدیدش شنیده با گوش جان به خاطر بسپارد. وقتی با چهار دست و پا راه افتاد دیگر همه جای خانه برایش جذاب بود. او در خانه راه می‌افتاد و سعی می‌کرد هر چیزی را از کتوشها تا کمد‌ها تا اشیایی که در دیدرسش بودند به دست بگیرد، آن را به دهانش ببرد تا آن را شناسایی کند.



کودک با چشم و گوش دنیای اطرافش را جستجو می‌کند و مشتاق است که ببیند در پیرامونش چه می‌گذرد و همه چیز برایش جدید است

- چرا خونه‌ای دیگه.
- برای اینکه می‌خوام کارهایم را انجام دهم.
- چرا می‌خوای کارهایت را انجام بدی؟
- آگه من کارهایم را انجام ندم پس کی کارها را بکند؟
- الان چیکار می‌کنی؟
- دارم کتاب می‌خونم.
- چرا کتاب می‌خونی؟
- می‌خوام ببینم تو این کتاب چی نوشته.
- چرا می‌خوای ببینی که چی نوشته؟
- برای اینکه می‌خوام یاد بگیرم.
- چرا می‌خوای یاد بگیری؟
- برای اینکه همه چی را بدونم.
- چرا می‌خوای همه چی را بدونی؟
- چون آدم‌ها خوبه که همه چی را بدونند.
- هزارها نمونه از این دست کارها، بررسی‌ها، کندوکاوها و جست‌وجوگری‌ها را می‌توان در هر کودکی مشاهده کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چند نمونه از مشاهداتی که در قبل ذکر شد مربوط به رفتارهای جست‌وجوگرانه کودکی است از دوره نوزادی تا حدود سه‌سالگی. طبعاً این موارد و بیشتر از آن‌ها برای هر کسی که با کودک سروکار دارد رویت شده است. کودک با چشم و گوش دنیای اطرافش را جست‌وجو می‌کند و مشتاق است که ببیند

قوطی‌ها، بطری‌ها را روی زمین می‌غلطاند و چهاردست‌وپا به دنبالشان می‌رفت و غلتیدن آن‌ها را با دقت نگاه می‌کرد و وقتی به مانعی برمی‌خوردند که حرکتشان متوقف می‌شد آن‌ها را در دست می‌گرفت و با چشم و دست و چشیدن آن‌ها در کندوکاو در آن‌ها غور می‌کرد. اگر تسبیحی، کتابی، خودکاری یا هر چیز دیگری را در دست داشتیم چهاردست و پا، شتابان به سمتشان می‌آمد، آن را می‌کشید تا بگیرد و ببیند و لمس کند و در دهانش گذارد. گاه آن را پرت می‌کرد تا صدایی که از آن برمی‌خاست و یا شکلی جدید که به خود می‌گرفت را ببیند و تجربه کند. به دنبالش راه می‌افتاد تا بار دیگر آن را به دست گیرد و مورد مذاقه قرار دهد. باز پرتش می‌کرد و یک بار دیگر به صدایی که ایجاد شده با دقت بیشتری گوش می‌کرد.

وقتی راه افتاد روی نوک انگشتان پای خود می‌ایستاد، دستش را تا آنجا که می‌شد، دراز می‌کرد تا اشیایی که بالا بودند را به دست بیاورد. آن‌ها را با لامسه و چشیدن شناسایی کند. بعد یاد گرفت که اگر از چهارپایه، یا یک کتاب، یک قابلمه و یا... استفاده کند، دسترسی به چیزهای بالاتریش زودتر میسر می‌شود و می‌تواند اشیای روی طاقچه‌ها، کمد‌ها، میز و... را راحت‌تر به دست آورد و جواب سؤال ذهنی خود را پیدا کند. معمولاً اولین چیزی را که تشنه به دست آوردنش بود گوشی همراه بود. در هر فرصتی، آن را از روی میز این آشپزخانه یا هر جای دیگر برمی‌داشت. کم‌کم یاد گرفته بود گوشی را به گوشه‌ای ببرد که کسی نتواند او را ببیند و مدت‌ها با لمس صفحه آن و گشت‌وگذار در آیکون‌های مختلف آن عطش جست‌وجوگری خود را درباره چیزی که او را از داشتنش منع می‌کنند، رفع کند.

در یازده‌ماهگی صدف‌ها و سنگ‌هایی را که از ساحل دریا آورده بودم و در قوطی پلاستیکی نگه داشته بودم بارها و بارها از بطری بیرون می‌آورد، نگاهشان می‌کرد و به دهانش می‌گذاشت و دوباره در بطری قرار می‌داد. بعد از اینکه چند تایی آن‌ها را در بطری می‌گذاشت و بطری را برمی‌گرداند، آن‌ها را بیرون می‌ریخت و سرخوش از شناخت هرچه بیشتری که از صدف‌ها و سنگ‌ها پیدا کرده بود، لبخند می‌زد.

وقتی زبانش به جمله و عبارت باز شد، جست‌وجوگری او به شکل پرسشگری نمود پیدا کرد. در دوسالگی با پرسش این چیه؟ به شناخت اشیای دور و اطرافش نایل می‌شد. از دو و نیم‌سالگی به بعد چراها و پرسش‌های پیگیر او شروع شد تا درباره همه‌چیز شناخت بیشتری پیدا کند. یک نمونه از این گونه پرسشگری را که در یک مکالمه تلفنی من با او صورت گرفته، در زیر می‌آورم.

کودک: الان کجایی؟

من: خونه‌ام.

- چرا خونه‌ای؟

- خوب خونه‌ام دیگه



جست‌وجوگری،
استعداد ذاتی
و خدادادی
است و نیازی
به ایجاد چنین
حسی در کودک
نیست. تنها کار
ما این است
که این آتش
جست‌وجوگری
در کودک را
شعله‌ور نگه
داریم

در پیرامونش چه می‌گذرد، او هنوز دنیای اطرافش را نمی‌شناسد، تجربه‌ای نسبت به آن‌ها ندارد و همه چیز برایش جدید است. برای همین، او تشنه دیدن مناظر و اشیاء و شنیدن صداهای پیرامونش است. درواقع، همه جا، همه چیز و همه کس برای او سوژه یادگیری است. وقتی توانایی این را پیدا کرد که دستش را به سمت اشیاء و چیزهای نزدیکش دراز کند، علاوه بر حس بینایی و شنوایی از حس لامسه و چشایی‌اش نیز کمک می‌گیرد تا به جنبه‌های بیشتری از شناخت آن‌ها دست یابد. هنگامی که توانایی حرکت کردن را پیدا می‌کند، به اشیای دورتر از خود دست می‌یابد. او چهاردست‌وپا و بعد با راه رفتن روی دو پا، دوردست‌ترها را جست‌وجو می‌کند. در اینجا دامنه بیشتری از حس جست‌وجوگری در او نمایان می‌شود.

در آن هنگام، اسباب‌بازی‌ها و اشیای دیگر را پرت می‌کند چون می‌خواهد بفهمد در برخورد آن‌ها با زمین چه اتفاقی روی می‌دهد، آن‌ها چه بردی دارند، چه صدایی از خودشان بروز می‌دهند و کلاً چه تغییراتی در آن‌ها ایجاد می‌شود. علاوه بر آن، اشیاء را بر هم می‌کوبد تا ببیند از برخورد آن‌ها با یکدیگر چه صدایی تولید می‌شود. او شیفته دانستن نتیجه حاصل از این برخوردهاست، زیرا او مانند ما بزرگ‌ترها نیست که در طول زندگی‌مان، بارها چنین

تجربه‌هایی را خواسته یا ناخواسته به دست آورده‌ایم. حتی چند بار این کارها را تکرار می‌کند تا تجربه‌اش را عمیق‌تر کند. بر کسی پوشیده نیست که این کارها را همه آدم‌ها در طفولیت خود انجام داده‌اند. ما هم انجام داده‌ایم. اگر بارها هم سرمان داد کشیده‌اند و دعوایمان کرده‌اند ولی چون ارضای کنجکاویمان، یافتن پاسخ برای سؤال‌هایمان برایمان مهم‌تر بوده، همه داد و فریادها را به جان خریده‌ایم.

با بروز توانایی گفتار در کودک که برقراری ارتباط وی با دیگران بیشتر می‌شود، همچنین با طرح سؤال‌های چستی و چرایی از بزرگ‌ترها، به شناخت بیشتری از پیرامونش دست می‌یابد. به هر حال انسان از تولد تا پیری حتی تا لحظه مرگ به دنبال کشف و دانستن است. داستان معروف ابوریحان بیرونی را حتما شنیده‌اید که او در حالی که در بستر بیماری و روبه‌قبله بود باز از عیادت‌کننده‌اش که مردی فاضل بود می‌خواست پاسخ سؤالش را دریافت کند. با چنین گرایش و استعداد ذاتی است که انسان به دنبال علم‌آموزی می‌رود و این ابزار قوی است که بشر را به کمال می‌رساند.

این حس، دانشمندان و محققان را در زمینه‌های مختلف علمی به این کار وا داشته تا سالیان مدیدی را بدون خستگی، به جست‌وجو بپردازند، فرضیه بسازند، آن‌ها را آزمایش کنند و راه‌های مختلف را پی گیرند تا به کشف یک حقیقت علمی نایل شوند. منجمان سالیان سال تلسکوپ‌هایشان رو به فراسوی زمین بوده و درباره کهکشان‌ها به تحقیق و جست‌وجو پرداخته‌اند. سال‌هاست که زیست‌شناسان، فیزیک‌دانان و شیمی‌دانان به دنبال کشف پدیده‌ها و قوانین حاکم بر جهان طبیعی‌اند و همواره از تفحص و جست‌وجو از پای ننشسته‌اند. پزشکان، روانکاوان، جامعه‌شناسان و دیگر افرادی که موضوع رشته علمی‌شان به انسان مرتبط بوده، به طوری مشغول جست‌وجو و کشف جنبه‌های مختلف ناشناخته انسان و محیط زندگی او اعم از جسم و ذهن او، نحوه کارکرد مغز او، تأثیر انسان بر طبیعت و بر یکدیگر بوده‌اند.

عارفان و سالکان نیز برای کسب معرفت به خود و خدای خود به جست‌وجوگری در درون خود می‌پردازند و با سفر در دنیای درونی خود سعی دارند بتوانند به خودشناسی و خداشناسی برسند زیرا به باور اهل معرفت در وجود انسان جهانی نهفته است. به عبارتی کل هستی در وجود انسان متجلی است. ولی تاکنون انسان بیشتر از اینکه به دنبال کشف و شناخت گنجینه‌های درون خود باشد بیشتر بیرون از خود را جست‌وجو می‌کرده است.

به هر حال این استعداد ذاتی و خدادادی است و نیازی به ایجاد چنین حسی در کودک نیست. تنها کار ما این است که این آتش جست‌وجوگری در کودک را شعله‌ور نگه داریم. مبادا کم‌حوصلگی ما بزرگ‌ترها باعث خاموشی و سرکوب این حس گردد.



پرورش ذوق هنری در کودکان

فرایند اجرای یک فعالیت هنری برای
نوآموزان

مقدمه

متنی که پیش روی شماست، شامل معرفی یک نمونه طرح برای انجام دادن یک فعالیت هنری است که پس از یک مرتبه اجرا برای نوآموزان پیش دبستان یکی از مدارس پسرانه واقع در منطقه ۳ تهران در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ اصلاح شده است. در این فرصت، شما خواننده گرامی با طرح فعالیت اصلاح شده پس از یک بار اجرا، اهداف آن، تحلیل طرح و انگیزه شکل گیری ایده طرح فعالیت آشنا می شوید و از روند اجرا و چالش های مربی در اجرا اطلاع می یابید؛ چالش هایی که باعث اصلاح طرح اولیه شده است.

در این طرح سعی شده با تلفیق هنر و تربیت بدنی، کودک در موقعیتی جذاب و معنادار قرار گیرد تا منجر به انجام نقش های خواسته شده و یادگیری مؤثر شود.

توضیح برخی واژه ها

طرح فعالیت: منظور طرح درسی است که در آن، فراگیرندگان برای یادگیری به فعالیت از نوع اقدام ترغیب می شوند.

فعالیت های حرکتی: فعالیت هایی که برای انجام دادن آن ها مایه های درشت بدن، از جمله دست ها و پاها، کار می کنند.

طرح فعالیت اولیه: طرح فعالیتی است که برای اجرای نوبت اول طراحی شده بود و پس از اجرای نوبت اول تغییر یافت.

یادگیری: در اینجا تلاش کودک برای دستیابی به هدف است.

صداساز: ابزاری دست ساز که برای ساخت آهنگ تولید صدا می کند. مثلاً، قوطی پلاستیکی یا فلزی درداری که داخل آن مقدار مناسبی ماسه، برنج یا لپه و از این قبیل ریخته شده است.

معرفی طرح فعالیت

عنوان فعالیت: کانگورو

قالب فعالیت: نمایش و تجسمی

مدت فعالیت: برای پیش از دبستان حدود ۳۵ دقیقه (زمان های نوشته شده جلوی هر فعالیت، برای گروه سنی پیش دبستان مناسب سازی شده است.)

نسبت تعداد مربیان به نوآموزان: یک مربی برای حداکثر ۸ نوآموز

اهداف فعالیت

- **هدف هنری:** تقویت حواس و ادراکات زیبایی شناختی (تأثیر حرکت و ریتم بر ترسیم خط)
- **هدف حرکتی:** هماهنگی حواس و عضلات (در هماهنگ شدن با ریتم)

وسایل لازم

کاغذ رول، کاغذ و تخته شاسی در قطع A_۴ به تعداد نصف نوآموزان، مداد شمعی، صداساز (ترجیحا دو صدا با زیر و بم مختلف)، وسیله نشانه گذاری مثل چسب کاغذی.

خلاصه فعالیت

۱. بچه ها همراه آهنگ صداساز به صورت آزادانه حرکت می کنند.
۲. گروه بندی می شوند و به نوبت تلاش می کنند روی کاغذ رول نصب شده بر دیوار، خطوطی را در بالاترین ارتفاع ترسیم کنند.
۳. نمایش فیلم کانگوروها



خط بکشند. آن‌ها بعد از حدود ۳ تا ۵ ثانیه با اشاره مربی به گروه‌های خود برمی‌گردند. در همان لحظه، نفرات دوم هم بلند می‌شوند و به سمت دیوار می‌دوند تا با بالا و پایین پریدن، روی کاغذ رول خط بکشند. این بازی تا نفر آخر ادامه می‌یابد و تا زمانی که بچه‌ها تمایل دارند و لذت می‌برند، می‌تواند تکرار شود. حدود ۷ دقیقه

۳. در ابتدا برای بچه‌ها فیلم کوتاهی (حداکثر ۱ دقیقه) از حرکت کانگوروی مادر و کانگوروی بچه پخش می‌شود. مربی اجازه می‌دهد که بچه‌ها احساسات آنی خود را بروز دهند. ۱ دقیقه

۴. روی زمین از قبل با چسب کاغذی یا ابزار دیگری با فاصله‌های نیم تا یک متری نشانه‌گذاری شده است. از بچه‌ها خواسته می‌شود تا مثل کانگورو به همراه صداساز فقط روی نشانه‌ها حرکت کنند. اگر نسبت فضا و تعداد دانش‌آموزان مناسب باشد (برای هر نفر حداقل حدود ۲ مترمربع) همه بچه‌ها در آن واحد می‌توانند با هم بازی کنند. به بچه‌ها گفته می‌شود مراقب خود و دیگران باشند و به هم برخورد نکنند. نقش‌های مختلف حرکت کانگورو از بچه‌ها خواسته می‌شود و آن‌ها مطابق هر نقش، روی نشانه‌ها حرکت می‌کنند؛ نقش‌هایی مثل حرکت مادر کانگورو در حالی که بچه‌اش در کیسه شکمی اوست، حرکت مثل بچه کانگورو که از کیسه درمی‌آید و می‌دود، و حرکت مثل مادر کانگورو که بچه‌ای در کیسه خود ندارد. حدود ۵ دقیقه

۵. بچه‌ها با شروع صدای صداساز در یک صف در نقش بچه کانگورو به ترتیب حرکت می‌کنند و روی تمام کاغذ رول که به صورت افقی حدود چند متر به دیوار نصب شده است، خط می‌کشند. هر کودک وقتی به انتهای رول می‌رسد، از مسیری که با چسب روی زمین مشخص شده، به انتهای صف برمی‌گردد تا در نوبت بعدی دوباره با حرکت کانگورویی روی رول خط بکشد. مسیر برگشت با مسیر رفت فاصله‌ای حداقل یک و نیم متری دارد تا بچه‌ها با هم برخورد نداشته باشند. خوب است مربی در محل مناسبی بین دو صف (صفی که برای ترسیم خط و صفی که برای بازگشت بسته شده است) بایستد و از خروج احتمالی بچه‌هایی که قصد بازگشت به ابتدای کاغذ رول را دارند، جلوگیری کند. حدود ۱۰ دقیقه

۶. بچه‌ها در گروه‌های دونفره قرار می‌گیرند. به نفر اول هر گروه یک تخته شاسی قطع A_4 می‌دهیم که روی آن کاغذی با همان قطع ثابت شده است. نفر اول صفحه را به دست می‌گیرد و همراه صداساز به صورت کانگورو درجا حرکت می‌کند و صفحه را تکان می‌دهد. نفر دوم باید تلاش کند که روی کاغذ نقاشی بکشد. سپس، این دو جای خود را به همراه کاغذ جدید عوض می‌کنند. از بچه‌ها پرسیده می‌شود که قصد داشتند چه چیزی را ترسیم کنند و نظرشان نسبت به نتیجه کار چیست. حدود ۱۰ دقیقه

۷. با اشاره به خطوط ترسیم شده در مرحله ۵، از بچه‌ها

۴. حرکات انواع کانگوروها را با حرکت روی نشانه‌های روی زمین تقلید می‌کنند.

۵. در حالی که مثل کانگورو حرکت می‌کنند، روی کاغذ رولی که به صورت افقی به دیوار چسبیده است، خطوطی ترسیم می‌کنند.

۶. گروه‌های دو نفره تشکیل می‌دهند؛ نفر اول کاغذ به دست دارد و مثل کانگورو حرکت می‌کند و نفر دوم باید تلاش کند که روی کاغذ نقاشی بکشد.

شرح فعالیت

۱. مربی به بچه‌ها می‌گوید: «من صدا می‌سازم و شما در حالت ایستاده با آن حرکت کنید. مراقب باشید به هم برخورد نکنید. حرکت شما درجا باشد.» مربی با دو صداساز، صدایی تولید می‌کند که بالا و پایین پریدن را برای بچه‌ها تداعی می‌کند. حدود ۳ دقیقه

۲. بچه‌ها به سه تا پنج گروه (بسته به وسعت مکان و تعداد نوآموزان) تقسیم می‌شوند. جلوی هر گروه کاغذ رولی به طول ۱/۵ متر و با فاصله ۳۰ سانتی‌متری از زمین روی دیوار نصب شده است. بچه‌های هر گروه پشت سر هم و مقابل کاغذ رول مقابل خود می‌نشینند؛ طوری که نفرات جلویی هر صف حداقل دو متر از کاغذ رول روبه‌روی خود فاصله دارند. با شروع تولید صدا، نفرات اول از هر گروه می‌دوند و روی کاغذ رولی که به صورت عمودی روی دیوار چسبانده شده است، مطابق صدای صداساز با بالا و پایین پریدن خط می‌کشند. بچه‌ها در این بازی باید سعی کنند هر قدر که می‌توانند در ارتفاع بالاتری

پرسیده می‌شود که چرا خطوط ترسیم شده شبیه امواج شده است.

تحلیل طرح فعالیت

یادگیری فرایندی صرفاً ذهنی نیست بلکه اتفاقی یک پارچه و دربرگیرنده جسم، عواطف و ذهن است و اگر مربیان، به‌خصوص در دوره‌های پیش از دبستان و پایه اول ابتدایی آن را مورد توجه و تأکید قرار دهند، آموزش را به امری لذت‌بخش و مؤثر تبدیل خواهد کرد. اغلب دیده می‌شود که مربیان مراکز به بخش انگیزشی و به‌ویژه شناختی توجه بیشتری دارند اما به دلایلی، به بخش حرکتی کمتر توجه می‌کنند. فضای کوچک آموزشگاه‌ها، حمایت‌های زیاد از کودکان، تنوع بازی‌های کارتی یا صفحه‌ای و بازی‌های دیجیتالی از عواملی هستند که فعالیت‌های حرکتی کودکان را محدود کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فعالیت‌های حرکتی روی رشد مغز و بخش‌های مربوط به فعالیت‌های شناختی آن اثر مستقیم دارند. در این طرح فعالیت سعی شده است که با تلفیق هنر و تربیت‌بدنی، کودک در موقعیتی جذاب و معنادار قرار گیرد تا فعالیت را بفهمد و بداند چگونه باید عمل کند، به آن جذب شود و نقش‌های خواسته شده را به‌خوبی انجام دهد. کودک نقش کانگورو را در حرکت و جابه‌جایی ایفا می‌کند و حالت‌های مختلفی را در این موضوع متصور می‌شود و حس می‌گیرد. صداساز حرکات کودک را هماهنگ می‌کند و در نهایت، ترسیمی که متأثر از حرکت مبتنی بر ریتم است، از طریق اثرگذاری ابزار روی کاغذ قابل رؤیت می‌شود. فعالیت با نمایش فیلمی کوتاه از دوران مختلف زندگی کانگورو، روی ارتباط حسی بچه‌ها تأکید می‌کند. به همین دلیل، انتظار می‌رود در زمانی که ترسیم صورت می‌گیرد، کودک بیشترین ارتباط را با موضوع برقرار کند. اگرچه انتظار نمی‌رود که نقاشی ترسیم شده توسط کودکان شکل و صورت مشخصی داشته باشد، به نظر می‌رسد فرم کلی که کودک در انتهای فعالیت با آن مواجه می‌شود، بیانگر تأثیر حرکتی و حسی او باشد. فعالیت کانگورو از این جهت که به بازی شباهت زیادی دارد، بچه‌ها را به خود جذب خواهد کرد و یادگیری را به اوج خود خواهد رساند.

ایده طرح فعالیت کانگورو چگونه شکل گرفت؟

در جست‌وجوهای اینترنتی، با گروهی از سایت‌های معتبر هنری مواجه شدیم که بر تلفیق هنرهای تجسمی و تربیت‌بدنی و حرکت مبتنی بر الگوهای آهنگین تأکید داشتند. با توجه به اهمیت حرکات بدنی در یادگیری، از این سایت‌ها ایده گرفته شد و فعالیتی طراحی گردید که ضمن هم‌خوانی با فرهنگ زیستی کودکان سرزمین ما، امکان به کارگیری حرکت در هنر را فراهم می‌ساخت. از علاقه کودکان به حیوانات بهره گرفته



شد. باید حیوانی را انتخاب می کردیم که حرکت آن برای بچه ها جذاب باشد. می دانستیم که هر چه مدل حرکت متفاوت تر و غیر معمول تر باشد، برای کودکان جذابیت بیشتری دارد. از سوی دیگر، اگر حیوانی که مدل حرکتی آن انتخاب می شود برای کودکان این سن ناشناخته باشد، جذابیتی نخواهد داشت. بچه ها به چیزی جذب می شوند که آن را بفهمند و بتوانند با آن دست و پاز کنند. کانگورو از جمله حیواناتی است که به دلیل ویژگی جهندگی، فرم پاها و نوع زندگی، می تواند برای کودکان جذابیت داشته باشد.

منطق چینش گام های فعالیت کانگورو

حرکت آزاد در آغاز فعالیت قرار گرفت تا کودکان صرفاً به ریتم و ضرباهنگ های آن توجه کنند. برای تمرکز روی حرکت بالا پریدن، بازی ترسیم خط در بالاترین نقطه صفحه طراحی شد. البته، مربی برای این بازی مسابقه ای طراحی نکرده است و بچه ها خودشان نتایج تیم خود را ارزیابی خواهند کرد. برای پرش های کانگورووار، بازی پرش روی نشانه های روی زمین طراحی شد تا بچه ها بر حرکت کانگورویی تمرکز کنند. برای اینکه آن ها هنگام حرکت حس کانگورو را بگیرند، فیلم حرکت کانگورو برایشان پخش می شود اما مدت زمان این فیلم بیشتر از یک دقیقه نیست؛ زیرا احساس می شود که این مدت زمان برای تمرکز بچه های پیش از دبستان بر تماشای فیلم مناسب، و برای گرفتن حس لازم از حرکت کانگورو کافی است. در همین یک دقیقه، سه تیپ مختلف از کانگوروها را نمایش می دهیم. از نظر طراح فعالیت، بچه ها با مقایسه این حالت ها (کانگورو در زمانی که بچه ای در کیسه شکمی خود دارد و زمانی که بچه ای در کیسه ندارد، و حرکت بچه کانگورو) درک بهتری از حرکات کانگورو پیدا می کنند. پس از این مرحله، آن ها با حرکات مبتنی بر الگوهای ریتمیک، روی کاغذ رولی که افقی به دیوار نصب شده است، خط می کشند. به این ترتیب، کودک خواهد دید که نوع حرکت او چه تأثیری در ترسیم خطوط داشته است. به علاوه، چون همه بچه ها خطوط را روی یک کاغذی و در یک مکان ترسیم می کنند، نتیجه حرکت کل گروه را خواهند دید. در بازی مرحله آخر، بچه ها یک بار دیگر تأثیر حرکت بر ترسیم خط را در گروه های دوفره تجربه می کنند.

اصولی که فعالیت مبتنی بر آن ها طراحی شد

فعالیت های هنری برای کودکان، از جمله کودکان پیش از دبستان، در چارچوب اصول و معیارهایی طراحی می شوند که فهرست آن ها در کتاب «فعالیت های یاددهی- یادگیری دوره پیش از دبستان» آمده است و رعایت آن ها صحت فعالیت های هنری را از نگاه برنامه تضمین می کند. اصولی که رعایت آن ها در این فعالیت مورد تأکید قرار گرفته است، عبارتند از:

• برنامه آموزش هنر باید به گونه ای طراحی شود که

کودک آن را بفهمد. دستورالعمل های پیچیده مانع ارتباط کودک با فعالیت می شوند. کودک به تقلید از حرکت کانگورو و همچنین به قصد همراهی با ریتم، علت حرکات خود را می داند و با فعالیت، ارتباط شناختی برقرار می کند.

• **فعالیت باید کودک را (از طریق چالش های عاطفی و ذهنی) جذب کند. یکی از عوامل جذب کودکان به فعالیت، پویایی آن است؛** یعنی فعالیت قادر باشد عواطف، تفکر، جسم و خیال کودک را درگیر کند تا او بدون اعمال محرک خارجی، داوطلبانه فعالیت را انجام دهد و از این کار لذت ببرد. این فعالیت از آنجا که هم ذهن و هم عواطف کودک را درگیر می کند، از نظر نگارنده می تواند فعالیتی پویا محسوب شود.

• **فعالیت هنری باید به گونه ای باشد که کودک بتواند آن را مستقل از دیگران اجرا کند.** فعالیت کانگورو عمل دشواری را از بچه ها طلب نمی کند و از این حیث در حد توان سنی بچه هاست.

اجرا و اصلاح فعالیت

این فعالیت برای پنج دسته ۱۲ تا ۱۵ نفره (هر دسته جدا) نوآموزان پیش دبستانی در یک مدرسه اجرا شد. فعالیت به طریقی که طراحی شده بود به اجرا درآمد. بچه ها اجرای **مرحله اول** (حرکت آزاد) را خیلی دوست داشتند و حاضر بودند چندین بار آن را تکرار کنند. مربی هم با بچه ها همراه شده بود. بچه ها همراه با صداساز نزدیک به دو تا سه دقیقه حرکت آزاد کردند و همچنان تمایل به تکرار فعالیت داشتند؛ به همین سبب دو برابر پیش بینی برنامه، برای این مرحله زمان صرف شد.

بچه ها اجرای **مرحله دوم** (فعالیت گروه ها در ترسیم خط با بالا و پایین پریدن) را نیز دوست داشتند. اگرچه معلم هیچ کاری برای تبدیل بازی به مسابقه انجام نداد، بچه ها گاه هیجاناتی از خود نشان می دادند که به احساسات زمان اجرای مسابقه شباهت داشت. هر دسته از دانش آموزان شامل ۱۲ تا ۱۵ نفر بودند و در این مرحله، هر دسته به سه گروه ۴ تا ۵ نفره تقسیم شدند. در طرح اولیه فعالیت، بچه ها پس از این بازی باید در گروه های خود، با پرش جفت پا به سمت رول بیایند و در پایین صفحه رول مربوط به گروهشان شکلی را در مدت ۳ یا ۴ ثانیه ترسیم کنند. نفر بعدی باید حدس بزند که کودک قبلی چه شکلی را می خواسته ترسیم کند و در نوبت خود آن را ادامه دهد. تمام اعضای گروه هرچند بار که در نوبت خود به سمت رول می روند، باید برای تکمیل شکل اولیه تلاش کنند. در اجرا، به علت هیجان بازی، هیچ کودکی به صورت جفت پا و جهشی به سمت کاغذ رول حرکت نکرد. با یادآوری مربی، ممکن بود دو یا سه قدم را به صورت جفت پا حرکت کنند اما ادامه حرکت خیلی شتاب زده و به صورت دویدن عادی بود. بچه های



در **مرحله چهارم**، مربی طبق طرح اولیه ابتدا بچه‌ها را در دسته‌های پنج‌نفره به وسط آورد اما پس از گذشت کمتر از ۲۰ ثانیه، متوجه شد که همه بچه‌ها می‌توانند هم‌زمان روی نشانه‌ها بپرند. فضا شاد و هیجان‌انگیز شده بود. قانون این بود که بچه‌ها مراقب باشند به هم برخورد نکنند. طرح برای سال بعد چنین تصحیح شد که همه بچه‌ها (برای این کارگاه هنر) به تشخیص مربی می‌توانند این فعالیت را به‌طور هم‌زمان اجرا کنند.

در **مرحله پنجم**، مربی بین دو صف بچه‌هایی که قصد داشتند روی دیوار خط بکشند و بچه‌هایی که مسیر برگشت را طی می‌کردند، قرار گرفت تا به علت هیجان زیاد از خروج بچه‌هایی که باید برمی‌گشتند، جلوگیری کند. این اقدام مربی که باعث حفظ نظم بچه‌ها تا آخر فعالیت شد، در طرح اولیه دیده نشده بود و برای طرح فعالیت سال بعد به متن فعالیت اضافه گردید.

در طرح اولیه برای **مرحله ششم** از بچه‌ها خواسته می‌شد که برای ترسیم شکل تلاش شود اما در اجرا معلوم شد که بچه‌ها آن‌قدر هیجان ترسیم خط دارند که این انتظار، در هیچ موردی تحقق نیافت. البته، به نظر می‌رسد درخواست تلاش برای ترسیم شکل می‌تواند در طرح فعالیت باقی بماند تا نوآموزان با چالش ترسیم شکل مواجه شوند و تأثیر حرکت صفحه بر نتیجه کار را ببینند. از بچه‌ها سؤال خواهد شد که قصد داشته‌اند چه چیزی را ترسیم کنند و نتیجه چه شده است. از برخی بچه‌ها پرسیده شد که آیا می‌توانند از روی خطوط ترسیم شده در مرحله پنج، بگویند که چرا خطوط به شکل موج شده‌اند. این پرسش در طرح اولیه وجود نداشت اما به طرح اصلی اضافه شد. در خاتمه اجرای این طرح به تحقق اهداف مورد نظر منجر گردید به‌طوری‌که در مورد هدف اول، یک کاغذ رول برای مرحله پنجم و سه کاغذ رول عمودی برای مرحله دوم (بچه‌ها در سه گروه هم‌بازی شدند) مصرف شد و همه پنج دسته دانش‌آموزان (دسته‌های ۱۲ تا ۱۵ نفره) تا آخر روز روی این‌ها کار کردند. بنابراین، تأثیرات حرکت یکدیگر را بر ترسیم خط می‌دیدند.

در مورد هدف دوم، بچه‌ها عضلات درشت خود را به‌خوبی درگیر کرده بودند؛ آن‌قدر که برخی از آن‌ها بین دو مرحله ۵ و ۶ درخواست استراحت داشتند.

پی‌نوشت‌ها

1. board game
2. THE IMPORTANCE OF PHYSICAL ACTIVITY AND AEROBIC FITNESS FOR COGNITIVE CONTROL AND MEMORY IN CHILDREN

منابع

1. THE IMPORTANCE OF PHYSICAL ACTIVITY AND AEROBIC FITNESS FOR COGNITIVE CONTROL AND MEMORY IN CHILDREN, Laura Chaddock- Heyman , Charles H. Hillman, Neal J. Cohen, Arthur F. Kramer; Monographs of the society for research in child development, Lynn S.Liben,Editor 2014

۲. صادقیان، نبی‌الله و شعبانی، اسدالله (به‌کوشش). (۱۳۸۵). فعالیت‌های یاددهی-یادگیری برنامه‌ی درسی برای دوره‌ی پیش از دبستان. نشر توکا.

پیش‌دبستان تمایل نداشتند شکل نفر بعدی را تکمیل کنند و لذا شکل دیگر را آغاز می‌کردند که به دلیل زمان بسیار کوتاه، شکل ترسیم‌شده ناقص می‌ماند. تعداد کمی از بچه‌ها به تکمیل شکل اول می‌پرداختند. دست آخر، در بخش پایینی هر کاغذ رول، شکلی دیده می‌شد که چند نفر روی آن کار کرده بودند و تعداد زیادی شکل ناقص بود که در اطراف آن دیده می‌شد. به این سبب، این مرحله برای اجرای سال بعد حذف شده است و بچه‌ها فقط به ترسیم خط در بالای صفحه می‌پردازند.

در **مرحله سوم**، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد برخی از بچه‌ها تمایل داشتند هیجان خود از دیدن فیلم کانگورو را با حرکت نمایش دهند. مربی از بچه‌ها خواست برای آنکه با هم برخورد نکنند، به‌صورت درجا حرکت کنند و برای اینکه صدای فیلم شنیده شود، حرکت بدون صدا باشد.

دوره پیش دبستان می تواند در رشد همه جانبه و حتی افزایش بهره هوشی افراد آهسته گام مؤثر باشد (بروئر ۲۰۰۰).^۳

مداخله زود هنگام، خدمات خاصی است که در سال های اولیه عمر به کودکان مبتلا به درجات خفیف ناتوانی یا تأخیر رشد و یا دارای عوامل خطر ساز زیستی - پزشکی و روانی - اجتماعی برای هدایت به سمت رشد طبیعی ارائه می شود. مسئله اساسی در ارائه این خدمات، ارزیابی کودک و خانواده، طرح ریزی برنامه مناسب برای هر کودک و مشارکت دادن هر چه بیشتر والدین است. به عبارت دیگر، مداخله زود هنگام به برنامه ها و خدمات مختلفی اطلاق می شود که به منظور پیشگیری ثانویه و اصلاح تأخیر و اختلالات رشدی خفیف و اولیه، عمدتاً در نوزادان، شیرخواران، نوپایان و کودکان تا سنین پیش دبستانی به کار می رود. هدف نهایی برنامه های مداخله زود هنگام، از میان بردن و یا کم کردن نیاز کودک به خدمات خاص یا ویژه بعدی است (کلمن^۴ و همکاران ۲۰۰۶). اسپی و همکاران (۲۰۰۴)^۵ در تحقیق خود نشان دادند توانایی کودکان در کارکردهای اجرایی در دوران پیش دبستانی

تأثیر آموزش و مداخله بهنگام در دوره پیش دبستانی

معرفی طرح آموزش و مداخله بهنگام^۱ در دوره پیش دبستان با هدف اثربخشی بر رشد و آمادگی تحصیلی کودکان آهسته گام^۲



بر مبنای طبقه بندی روان شناختی، حدود ۱۳ درصد افراد جامعه را آهسته گام ها تشکیل می دهند که هوش آن ها در حد فاصل یک تا دو انحراف معیار پایین تر از میانگین قرار دارد. بهره هوشی این گروه از کودکان بر اساس مقیاس هوش کودکان و کسلر، در دامنه ۷۰ تا ۸۵ نمره استاندارد است. افراد آهسته گام گاه به علت نداشتن فرصت های آموزشی مناسب و نیز محدودیت های خانوادگی و فرهنگی، عزت نفس و اعتماد به نفس لازم را ندارند و رشدشان در ابعاد گوناگون با تأخیرهایی مواجه می شود (به پژوه، ۱۳۹۳).

پیش از سال ۱۳۷۲ برنامه مشخص و سازمان یافته ای برای تشخیص مناسب این دانش آموزان در ایران وجود نداشت. از سال ۱۳۷۲، با اجرای «طرح سنجش سلامت و آمادگی تحصیلی» همراه با سنجش بینایی، شنوایی و آمادگی تحصیلی کودکان هنگام ورود به پایه اول ابتدایی، گروهی از آنان به عنوان «آهسته گام» شناسایی می شوند. از سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ با کاهش سن سنجش، این طرح برای درصدی از نوآموزان دوره پیش دبستانی سراسر کشور در حال اجراست و کودکان آهسته گام برحسب غربالگری انجام شده، شناسایی می شوند.

دانش آموزان و نوآموزان آهسته گام در کلاس های عادی حضور می یابند و با توجه به بهره هوشی شان، در خواندن، نوشتن، حساب کردن و ... با مشکلات و نارسایی هایی مواجه می شوند. اگر خدمات آموزشی ویژه به این افراد ارائه نشود، زمینه برای افت تحصیلی آنان فراهم می گردد و آمادگی تحصیلی پایین، مردودی و ترک تحصیل را به دنبال خواهد داشت (مهاجر شجاعی، ۱۳۸۸). آموزش و مداخله بهنگام در



است، به برنامه جامع جهت افزایش مهارت‌ها و کسب موفقیت نیاز دارند. بر این اساس، برنامه آموزش و مداخله بهنگام برای تحقق اهداف دوره پیش‌دبستان ارائه شده است.

اجرای طرح در دوره پیش‌دبستان و دستاوردها

پس از اجرای طرح سنجش سلامت و آمادگی تحصیلی در دوره پیش‌دبستان و شناسایی نوآموزان پیش‌دبستانی آهسته گام، از سال ۱۳۹۴ برنامه آموزش و مداخله بهنگام، شامل آموزش در کلاس‌های عادی پیش‌دبستان، جلب مشارکت خانواده‌ها و ارجاع به مراکز تخصصی مشاوره (حسب ضرورت) برای همه نوآموزان شناسایی شده اجرا می‌شود.

بررسی تأثیر آموزش و مداخله بهنگام، پیگیری وضع نوآموزان آهسته‌گام تحت پوشش در پایان دوره پیش‌دبستانی و نیز ردگیری آن‌ها در پایه‌های بالاتر نشان می‌دهد که در برخی موارد، بهره‌هوشی

آموزش و مداخله بهنگام در دوره پیش‌دبستان می‌تواند در رشد همه‌جانبه و حتی افزایش بهره‌هوشی افراد آهسته‌گام مؤثر باشد

می‌تواند توانمندی آن‌ها را در خواندن و ریاضیات در سال‌های بعد به خوبی پیش‌بینی کند. لذا با تشخیص کودکان آهسته‌گام و برنامه‌ریزی دقیق برای مداخله بهنگام در دوره پیش‌دبستان می‌توان از ظرفیت‌های ارزشمند این دوره برای تحقق اهداف کلان ملی بهره‌برداری کرد تا با حداقل سرمایه‌گذاری، عواید فراوانی نصیب کودکان، خانواده‌ها و کشور شود.

آمادگی تحصیلی نوآموزان دوره پیش‌دبستانی

آمادگی تحصیلی جنبه نسبی دارد و نمی‌توان معیار واحدی برای آن تعیین کرد؛ زیرا در میان کودکان یا حتی در مورد یک کودک به دلیل آنکه عملکرد او به شدت متغیر است، تعیین شاخص واحد برای آمادگی تحصیلی دشوار به نظر می‌رسد. دوره پیش‌دبستان از سال‌های حیاتی رشد کودکان محسوب می‌شود و زمینه را برای تمام یادگیری‌های بعدی و مهارت‌های زندگی فراهم می‌کند. مداخلات بهنگام در سال‌های اولیه کودکی، موقعیت‌های مناسبی را برای پیشگیری و کاهش مشکلات فراهم می‌آورد و برای کودکان و جامعه منافع پایداری به دنبال دارد. با تشخیص ناتوانی‌های کودکان دوره پیش‌دبستان و مداخله زودرس در مورد آن‌ها می‌توان موفق به پیشگیری از شکست‌های بعدی و کاهش آن‌ها شد. کودکان دوره پیش‌دبستانی که به کاستی‌های یادگیری دچارند یا بهره‌هوشی‌شان پایین‌تر از میانگین



زدن و جداسازی (در جریان تربیت و یادگیری عادی) با نوآموزان همراهی می‌کنند و با ایجاد انعطاف و سیالیت در برنامه‌ها، بستر رشد همه‌جانبه و متوازن آن‌ها را بر اساس اهداف برنامه درسی مصوب دوره پیش‌دبستان فراهم می‌سازند. با توجه به ویژگی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستان، آموزش و مداخله بهنگام در جریان عادی کلاس‌ها و ارائه خدمات جبرانی امکان‌پذیر است. ارجاع کودکان دارای نیاز ویژه به مراجع تخصصی مشاوره، با توجه به شرایط نوآموزان و خانواده آن‌ها خواهد بود و لازم است تمرین‌ها و راهکارهای روان‌شناختی پیشنهادی مشاوران، در کلاس و خانه پیگیری شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Early Intervention
2. Slow learner
3. Bruer
4. Coleman & etc
5. Espy

منابع

۱. به پژوه، احمد؛ عاشوری، محمد. (۱۳۹۳). دانش آموزان با نیازهای ویژه و آموزش فراگیر. ماهنامه پیوند، (شماره ۴۲۰)
۲. حنوک، پریسا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های شناختی بر آمادگی تحصیلی کودکان دیرآموز دوره پیش‌دبستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی. دانشگاه بین‌المللی کیش.
۳. دهقانی محمدآبادی، سمیرا. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی آموزش نقاشی بر مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت کودکان دیرآموز پیش‌دبستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی. دانشگاه بین‌المللی کیش.
۴. رفیعی، مرجان. (۱۳۹۶). اثربخشی قصه‌درمانی بر بهبود رشد زبانی و مهارت‌های اجتماعی در نوآموزان پیش‌دبستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی. دانشگاه بین‌المللی کیش.
۵. رثوفی نژاد، حمیرا. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش برنامه حل مسئله بین فردی در کاهش رفتارهای مشکل‌ساز و افزایش سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دیرآموز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی. دانشگاه بین‌المللی کیش.
۶. عابدی، احمد؛ ملک پور، مختار. (۱۳۸۹). اثربخشی مداخلات زودهنگام آموزشی - روان‌شناختی بر بهبود کارکردهای اجرایی و توجه کودکان با ناتوانی‌های یادگیری عصب - روان‌شناختی. رویکردهای نوین آموزشی.
۷. استرو، کترین؛ رابینسون، تلم و پروکتور، آلن. (۱۳۹۵). هر کودکی می‌تواند یاد بگیرد (کاربرد ابزارهای یادگیری و بازی برای کمک به کودکان دچار تأخیر رشد). مترجمان: احمد عابدی و ماندانا سینتا. انتشارات افسر.
۸. محسنی، معین. (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی مداخله بهنگام در دوره پیش‌دبستان بر کارکرد اجرایی کودکان دیرآموز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی. دانشگاه بین‌المللی کیش.
۹. مهاجر شجاعی، منیر. (۱۳۸۸). دانش‌آموزان دیرآموز، مشکل مدارس ابتدایی. ماهنامه رشد معلم، (شماره ۲۴۷).
۱۰. وکیلی، آتنا. (۱۳۹۷). اثربخشی مداخله زودهنگام کوئین بر مهارت‌های اجتماعی، زبانی و حافظه فعال کودکان دیرآموز پیش‌دبستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی. دانشگاه بین‌المللی کیش.
11. Bruer, J. (2000). The myth of the first three years: A new understanding of early brain development and lifelong learning. New York: Free Press.
12. Coleman, M. R., Buysse, V., & Neitzel, J. (2006). Recognition and response: An early intervention system for /young children at risk for learning disabilities. Full report. Chapel Hill: The University of North Carolina, Frank Porter Graham Child Development Institute.
13. Espy, K. A., McDiarmid, M. M., Cwik, M. F., Stalets, M. M., Hamby, A., & Senn, T. E (2004). The contribution of executive functions to emergent mathematic skills in preschool children. Developmental Neuropsychology.



این افراد افزایش، و نیاز آن‌ها به برنامه‌های جبرانی مداخله‌ای کاهش یافته است. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که آموزش و مداخله بهنگام در دوره پیش‌دبستان به افزایش آمادگی تحصیلی (حنوک)، مهارت‌های شناختی، رشد زبانی و مهارت‌های اجتماعی (رفیعی و رثوفی نژاد)، خلاقیت (دهقانی محمدآبادی)، بهبود کارکردهای اجرایی (عابدی و محسنی) و حافظه فعال (وکیلی) منتج می‌شود. بر این مبنا لازم است برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای باشد که از فرصت تربیتی دوره پیش‌دبستان جهت آموزش و مداخله به دو شیوه گروهی و انفرادی (در جریان کلاس‌های عادی، جبرانی و حمایت‌های تخصصی) بهره‌برداری شود تا ضمن افزایش بهره هوشی، با تقویت مهارت‌های ارتباطی - اجتماعی و ایجاد خودپنداره مثبت در کودکان، از صرف هزینه‌های مادی - معنوی (فردی، خانوادگی و اجتماعی) آتی پیشگیری گردد. مشارکت مؤثر خانواده‌ها عامل بسیار مهمی در تحقق اهداف این طرح است. مربیان و والدین بدون برچسب

تأثیر آموزش و مداخله به‌هنگام در پایان دوره پیش‌دبستان نشان می‌دهد، بهره هوشی کودکان افزایش یافته است



ضرورت آموزش مهارت «خودمدیریتی» از پیش دبستان

اشاره

مقاله حاضر به بررسی چگونگی و چرایی پرورش استعداد خودمدیریتی در بیانات حضرت علی (ع) در نهج البلاغه پرداخته است.

مقدمه

آموزش «خودمدیریتی» مهارتی ضروری است که تأثیر قابل توجهی بر روابط کودک با خود، و دیگران دارد. به کارگیری آگاهی از هیجان‌ها به منظور انعطاف پذیر ماندن و جهت دهی مثبت به رفتارها، از کارکردهای این مهارت می باشد. با بررسی در منابع دینی و یافته‌های محققان این برداشت می شود که هرچه فرد بیشتر بتواند رفتارهای خود را مدیریت کند، به همان نسبت خودبستگی کمتری دارد. در این خصوص مروری به این منابع و به ویژه کتاب ارزشمند نهج البلاغه- از مهم ترین منابع و سرمایه های تربیتی- خواهیم داشت.

کلیدواژه‌ها: کودک پیش دبستانی، خودمدیریتی، آموزش، مهارت

خودمدیریتی (self-management)

ایهاماتی که در مورد مفهوم خودمدیریتی وجود دارد، سبب می شود که تعریف آن کمی دشوار باشد. با این حال، در بسیاری از بررسی ها آن را ترکیبی از رفتارها تعریف می کنند که بر چگونگی مدیریت کار و زندگی توسط افراد دلالت دارد. این مهارت در قالب مراقبت از خود شامل آن دسته از وظایفی است که توسعه دانش، کنترل خود از لحاظ جسمی و هیجانی، عملکردهای اجتماعی، کاهش خطرات، رفتارهای پیشگیرانه، و همکاری مستمر با یکدیگر را در بر می گیرد. فردی «خودمدیر» است که بتواند واکنش های هیجانی خویش را در مقابل همه افراد و در شرایط مختلف کنترل کند.

در مطالعاتی روی بیش از ۱۶ هزار کودک که اغلب در سال های اولیه تحصیل بودند، می خواستند ارزشیابی کنند که کودک چقدر بر خود کنترل دارد و چند وقت یکبار رفتار ضعیف یا نامناسب از خود نشان می دهد. نتیجه این بود: کودکانی که والدینشان به طور مرتب در محافل دینی شرکت داشتند (به خصوص وقتی هر دوی آن ها بسیار مرتب به این محافل می رفتند) و با کودکان در مورد دین صحبت می کردند، نسبت به کودکان دیگر هم از طرف

والدین و هم از طرف مربیان نمره بهتری در مورد کنترل بر خود، مهارت های اجتماعی و تمایل به یادگیری کسب کردند.

ویژگی های خودمدیریتی

دانیل گلمن (Daniel Goleman)، نویسنده کتاب مشهور «هوش هیجانی»، این مهارت را با شش ویژگی زیر توصیف می کند: خویشتن داری، روشن بینی، سازگاری، دستاوردها، ابتکار و خوش بینی.

کارکردهای خودمدیریتی

افرادی که از مهارت خودمدیریتی برخوردارند، با نقاط ضعف و قوت خود آشنایی دارند. این افراد قادرند برای زندگی خود

کودک و آموزش خودمدیریتی

نهج البلاغة حضرت علی - علیه السلام - سرشار از نکات تربیتی است. از میان نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های این کتاب ارزشمند نامه ۳۱ آن حضرت را انتخاب کرده‌ایم. در سراسر این نامه شاهد تأکید بر سختی‌ها و قوانین حتمی دنیا هستیم؛ گویا حضرتش به آموزش خودمدیریتی به فرزند خویش کمر همت بسته است و او را برای روزهای سخت آماده می‌سازد. این بخش‌های مهم را ببینیم:

«... و من پیش از آنکه دلت سفت و سخت شود و بذر دیگری را بپذیرد، به کشت ادب در وجودت همت گماشتم؛»
یعنی حضرت معتقدند که تربیت را نباید به تعویق انداخت.
«...و قلب جوان همچون زمین خالی، سرشار از قابلیت و پذیرش است...»
«...و بدان که در برابر تو راهی است بس دراز و با مشقت بسیار.»

«...و بدان که در این سفر، مسیرت همیشه هموار نیست بلکه پشته‌های سخت و گردنه‌های دیرگذر در انتظار توست.»
با توجه به این بخش‌ها به‌عنوان یکی از برترین اسناد تربیتی، اگر ما به تربیت فرزندانمان در کودکی همت نگماریم و بذر آموزش و ادب را در دل آن‌ها نکاریم، کسانی پیدا می‌شوند که به خواست و طبق منافع خودشان به تربیت آنان دست خواهند زد. بنابراین، قبل از آنکه همسالان، گروه دوستان، وسایل ارتباط جمعی، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره و اینترنت و... به تربیت آن‌ها از جنسی که پذیرفتنی نیست دست بزنند، باید تربیت کردن و کشت محصولی پربار را در این زمین مستعد شروع کنیم. ما مسئولیم که با توجه به مرحله سنی کودک، او را با قسمتی از حقایق آشنا کنیم؛ البته به روشی که بدون آسیب یا کمترین آسیب را داشته و برخاسته از محبت درونی ما باشد.

چند راهکار

۱ مهارت‌های برنامه‌ریزی را به کودک بیاموزیم: در خانواده و مدرسه برنامه‌های زیادی وجود دارد؛ به هنگام برنامه‌ریزی کودکانمان را هرگز نادیده نگیریم.

۲ از دور مراقب کار کودک باشیم: زمانی که کودک روی برنامه‌ای کار می‌کند و به مشکل برمی‌خورد، سریع وارد میدان نشویم و بگذاریم خودش راهکار مناسب را پیدا کند. پس از اتمام کار، می‌توانیم با او در مورد پیشرفتش گفت‌وگو کنیم.

۳ اجازه دهیم مشکلاتش را خودش حل کند: کودکان امروز مدیران جامعه فردا هستند. در این راستا، مهارت حل مسئله یکی از ضروری‌ترین ویژگی‌هاست که کودک برای خودمدیریتی باید با آن آشنا باشد.



هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند. در واقع، خودمدیریتی توانایی‌ای بالاتر از مقاومت در برابر رفتارهای مشکل‌زاست و بیشتر وابسته به خودآگاهی فرد است. مهارت خودمدیریتی شامل کنترل خلق، پیروی از قوانین، مصالحه با دیگران در مواقع مناسب، انتقادپذیری و مشارکت در امور مختلف طبق توانایی‌ها می‌باشد. نتایج مطالعات نشان داده است که افراد می‌توانند برای کسب و ارتقای مهارت‌های خودمدیریتی آموزش ببینند و به این ترتیب، نتیجه کار خود را بهبود بخشند. بنابراین، لازم است نظام تربیتی بیش از پیش بر آموزش خودمدیریتی در دانش‌آموزان سرمایه‌گذاری کند.

حضرت
علی(ع)
خطاب به
فرزندش:
«...و من
پیش از آنکه
دلت سفت
و سخت
شود و بذر
دیگری را
بپذیرد، به
کشت ادب
در وجودت
همت
گماشتم»

۶ اجازه دهیم شکست خوردن را تجربه کند: موفقیت در زندگی بدون خطر کردن امکان‌پذیر نیست. اگر به او کمک کنیم که خود شکست خوردنش را مدیریت کند، شکست به فرصت تبدیل می‌شود.

۷ الگوی خوبی برای او باشیم: فراموش نکنیم که کودک مقلد ماهر است. او در این مرحله، تحت هر شرایطی می‌خواهد رفتار ما بزرگ‌ترها را تقلید کند و رغبت دارد خود را به جای ما قرار دهد، پس الگوی خوبی برای کودکمان باشیم.

کودک باید در جهت تقویت خودمدیریتی چند مسئله را بداند:

الف- محافظت از بدن خود: کودک باید بداند که صاحب تمام بدن خود است و کسی حق ندارد بدون رضایت او و والدینش، بدن وی را لمس کند. باید به فرزند خود بیاموزیم که اگر فردی او را مجبور به انجام دادن چنین کارهایی کرد، حتماً به پدر و مادر یا بقیه اعضای خانواده اطلاع دهد.

ب- احساس امنیت: کودک باید بداند که امنیت داشتن جزء حقوق طبیعی اوست و دیگران وظیفه دارند این حق او را به رسمیت بشناسند و رعایت کنند.

ج- مدیریت مالی: در حد ممکن و با توجه به مرحله سنی کودک، مدیریت مالی را هم به او یاد بدهیم. با این آموزش می‌توانیم در تمام مراحل زندگی به موفقیت فرزندمان کمک کنیم.

د- کودک با هر روشی که ممکن است، باید با محبت و عشقی که خداوند به همه انسان‌ها و به‌خصوص به کودکان دارد، آشنا شود. در سایه این آشنایی است که تشویش‌ها و اضطراب‌ها، ترس‌ها و دلهره‌ها در وی کاهش می‌یابند و این‌ها خودمدیریتی را در او تقویت خواهند کرد.

بدیهی است از آنجا که رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و همچنین فضای مجازی در پرورش استعدادهای افراد نقش مهمی دارند، مسئولیت گردانندگان و طراحان آن‌ها به لحاظ وسعت قلمرو و کثرت مخاطب به مراتب بسیار سنگین‌تر است، که باید مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولان تربیتی قرار گیرد.

افرادی که از مهارت خودمدیریتی برخوردارند، با نقاط ضعف و قوت خود آشنایی دارند. این افراد قادرند برای زندگی خود هدفگذاری و برنامه‌ریزی کنند



۶ گاهی به کودکمان «نه» بگوییم: او باید یاد بگیرد که گاهی هم به خواسته‌های دیگران «نه» بگوید.

۷ به کودکمان اجازه تصمیم‌گیری بدهیم: کودک باید هرچه زودتر فرایند تصمیم‌گیری را یاد بگیرد.

۸ او را به فعالیت‌های جمعی تشویق کنیم: ابتدا علائق فرزندمان را بشناسیم. سپس کار جمعی را از طریق شرکت در تیم‌های ورزشی و کارهای گروهی (تیمی) به بهترین شکل می‌توان آموزش داد.

۹ اعتماد به نفس را با او تمرین کنیم: کودکان نیاز دارند خودشان را باور کنند و متکی به خود باشند. باید به آن‌ها اجازه دهیم که خودشان از راه معاشرت با دیگران به چیزهایی که نیاز دارند دست یابند.

منابع

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقات امیرالمؤمنین (ع).
۲. حبیبی کلپور، رامین و بهادری خسروشاهی، جعفر. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های خودمدیریتی بر از خودبیگانگی تحصیلی، تعلل‌ورزی تحصیلی، ماهنامه علمی - پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. ماه آذر و دی ۱۳۹۵. دوره نهم. شماره ۵. صفحه ۳۸۰-۳۷۱.
۳. گلمن، دانیل. (۱۳۹۸). هوش هیجانی. مترجم: نسرين پارسا. انتشارات رشد.
۴. حیدری، کمال؛ فرح زادگان، زیبا و دیگران. (۱۳۹۲). آموزش مبانی خودمراقبتی به نوجوانان (ویژه مربیان). چاپ اول. انتشارات پارس ایلیا.



مؤلفه‌های مدیریت اثربخش در مهد کودک

یکی از عمده‌ترین چالش‌هایی که نظام اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و ... کشور در حال حاضر با آن روبه‌روست، توسعه کمی و کیفی برنامه‌ها و طرح‌های ملی مرتبط با رشد یکپارچه کودکان است؛ برنامه‌هایی که اجرای آن‌ها مستلزم وجود پایگاه‌هایی برای ارائه آسان خدمات مؤثر و گسترده توسط مسئولان و برنامه‌ریزان و مجریان کشور به کودکان است. این نوع پایگاه‌ها یا مراکز در کشور ما شکل‌های مختلفی دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مهدهای کودکان است که با تعداد حدود ۱۶ هزار مرکز، بیش از ۸۰۰ هزار نفر از کودکان نیازمند مراقبت و آموزش خارج از منزل را پوشش می‌دهند. از طرفی، مراکزی را می‌توان کارآمد قلمداد نمود که اثربخش نیز باشند اما بدون ایفای نقش مدیریت اثربخش، اثربخشی سازمانی امکان ندارد و سازمان‌ها نیز در صورتی اثربخش‌اند که قادر باشند به اهداف خود دست پیدا کنند. مدیریت در مهدهای کودک نیز از این امر مستثنا نیست؛ چرا که امروزه آموزش و پرورش کودکان در سال‌های پیش از دبستان بیش از هر زمان دیگری ضرورت و حساسیت دارد. کار با کودکان، والدین و مربیان مهدهای کودک نیازمند مدیریت دقیق و علمی است. بر این اساس، مجهز کردن مدیران به دانش و شیوه‌های مدیریت، نوعی سرمایه‌گذاری است و بهره‌گیری از اندیشه‌های علمی و کاربردی به کارایی و اثربخشی در این سطح می‌انجامد. بنابراین به تعداد مهدهای کودک، مدیرانی در این مراکز مشغول به فعالیت‌اند که توسعه کیفی و رشد حرفه‌ای آنان باید مورد توجه جدی قرار گیرد. آن‌ها باید به‌عنوان مدیرانی شایسته، به اثربخشی و خروجی مهدکودک متعهد باشند و ضمن انجام دادن وظایف روزمره با روش‌های تخصصی، برای تحقق اهداف و رسالت مهدکودک خود نیز برنامه‌ریزی نمایند.

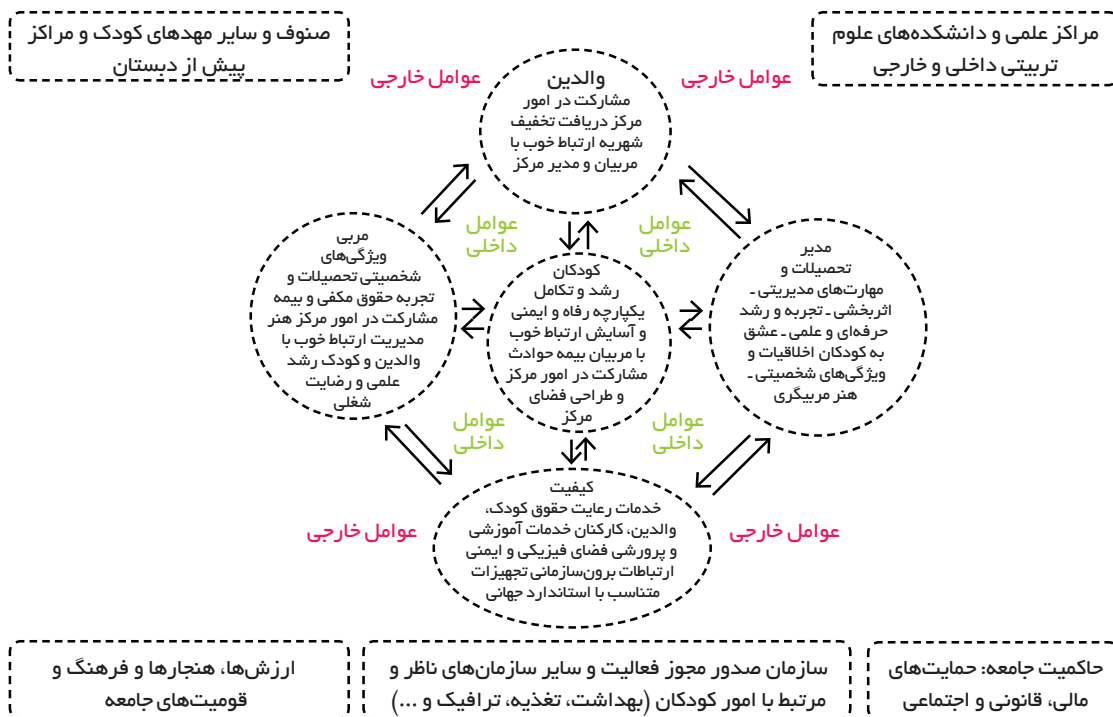
مدیریت اثربخش

بررسی حوزه مدیریت در مراکز نگهداری و آموزش کودکان نیز نشان می‌دهد که وجود مدیران خبره در این نوع مراکز، جهت اثربخشی برنامه‌ها و تحقق اهداف آن‌ها ضرورت دارد. اداره‌کنندگان این مراکز رسالتی مهم، ذوقی و تربیتی دارند لیکن تبادل نظر با آنان حاکی از این است که در اهداف و روش مدیریت این مراکز ابهاماتی وجود دارد. مدیریت مؤثر در این نوع مراکز نیازمند مهارت در برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های چارچوب مدیریت اثربخش در مهدهای کودک

مؤلفه‌ها	ابعاد
مدیر مهدکودک	عوامل داخلی مهدکودک
مربی مهدکودک	
والدین کودکان	
کیفیت خدمات مهدکودک	
کودکان	عوامل خارجی مهدکودک
حاکمیت جامعه: حمایت‌های مالی، قانونی و اجتماعی	
ارزش‌ها و فرهنگ جامعه	
اتحادیه‌ها، صنوف و سایر مهدهای کودک	
سازمان صدور مجوز فعالیت و سایر سازمان‌های مرتبط با امور کودکان (بهداشت، تغذیه، ترافیک و ...)	
والدین	

و ... است. با یادآوری متفاوت بودن مخاطبان مهدهای کودک با سایر مراکز، مدیر باید به جامعه اطمینان دهد که کودکان را در رفاه و شرایط تخصصی و مجهز با نیروی انسانی توانمند و خدمات با کیفیت تربیت خواهد کرد تا ضمن تأمین انتظارات همه ذی‌نفعان، خود نیز در حکم یک مدیر اثربخش باشد. البته اثربخشی مفهومی بسیار وسیع است که تنها با کارایی داخلی تعیین نمی‌شود و به محیط پیرامون، جنبه‌های انسانی و فیزیکی توجه دارد. لذا برای مدیریت اثربخش در مراکز ECEC^۱ توجه مسئولان به منظور ایجاد زیرساخت‌ها برای حمایت از مهدهای کودک، توجه به شاخص‌های مدیران با کفایت، حقوق کودکان



شکل ۱. الگوی مفهومی مؤلفه‌های مدیریت اثربخش در مهدهای کودک



کار با
کودکان،
والدین
و مربیان
مهدهای
کودک
نیازمند
مدیریت
دقیق و علمی
است

و والدین و سایر مرتبطان با آن‌ها، روابط و سلامت کارکنان، ایجاد محیطی خلاق و فرهنگی، وجود نگرش‌ها و ارزش‌های دینی و ملی، تنظیم محیط و محتوای باکیفیت برای یادگیری کودکان، و معرفی برنامه‌های منعطف به والدین در اداره مهدهای کودک بسیار حائز اهمیت است. طبق الگوی ارائه شده در شکل ۱ و جدول ۱، همه عوامل داخلی و خارجی در اداره مهدهای کودک مؤثرند.

الگوی فوق نشان می‌دهد که کودکان در مرکز همه عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر اداره مهدهای کودک قرار دارند. حتی اگر عوامل خارجی ارتباطی مستقیم با یکدیگر نداشته باشند، تأثیر هر کدام بر عملکرد مهدکودک، در نهایت بر رشد همه‌جانبه کودکان مشهود است؛ چرا که در تعریف مدیریت اثربخش، علاوه بر ویژگی‌های شخصی، فعالیت‌ها و عملکرد باید به عوامل درون و بیرون مرکز نیز توجه نمود. دلیل این امر آن است که نتیجه تعامل یا عدم تعامل صحیح عوامل خارجی با عوامل داخلی بر کیفیت خدمات مهدکودک،

مدیر، مربی و والدین اثر می‌گذارد و تأثیر این عوامل بر کودکان و رشد و تربیت صحیح آنان در مهدهای کودک اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بنابراین، ضمن تأکید بر ضرورت برقراری ارتباط مؤثر میان تمامی عوامل برای مدیریت اثربخش در مهدهای کودک، سبک مدیریتی اثربخش مهم‌ترین عامل داخلی و حمایت‌های نظام حاکمیتی مهم‌ترین عامل خارجی است. آنچه آمارهای بین‌المللی درباره تعداد کودکان بهره‌مند از خدمات مراکز نگهداری و آموزش خردسالان نشان می‌دهد، حاکی از کم بودن تعداد کودکان در این نوع مراکز است که البته این کاستی در کشورهای توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته بیشتر خودنمایی می‌کند. لذا مجهز کردن مدیران به مهارت‌های مدیریتی در مهدهای کودک به دلیل تأثیرگذاری آن بر افزایش جذب کودکان و اثربخشی خدمات مبتنی بر آن در راستای رشد همه‌جانبه کودکان ضرورت دارد.

ضرورت توجه به مهدهای کودک

در بررسی‌های به عمل آمده از سالنامه‌های آماری کشور، تعداد کودکان بهره‌مند از خدمات مهدهای کودک طی سال‌های گذشته فقط حدود ده درصد از کودکان زیر سن دبستان کشور است. بنابراین، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت افزایش کودکان بهره‌مند از خدمات و آموزش‌های پیش از دبستان باید

در تعریف مدیریت اثربخش، علاوه بر ویژگی‌های شخصی، فعالیت‌ها و عملکرد باید به عوامل درون و بیرون مرکز نیز توجه نمود

در اولویت‌های دولت‌ها قرار گیرد. همچنین، مهدهای کودک یکی از ظرفیت‌های کارآفرینی برای مربیان هستند که از جایگاه والایی در پیشبرد اهداف مهدکودک برخوردارند. بنابراین، بهره‌مندی از مشارکت بالای مربیان و والدین در امور مهدها در حکم خدمت‌گیرندگان اصلی این نوع مراکز در جهت رسیدن کودکان به رشد همه‌جانبه، که مهم‌ترین هدف تأسیس مهدکودک است، باید سرلوحه عملکرد مدیر مهدکودک قرار گیرد. همچنین، بهره‌مندی از مشارکت والدین و مربیان بدون داشتن محتوای تربیتی استاندارد و مورد تأیید مجامع علمی، میسر نیست؛ منابع تربیتی و تجهیزات کمک‌آموزشی متناسب با ویژگی‌های ذهنی و جسمی کودکان که افراد دارای تجربه و دانش مرتبط با حوزه کودکان و علم برنامه‌ریزی درسی و آموزشی آن‌ها را تدوین کرده باشند و با شرایط بومی و جغرافیایی هر منطقه، متناسب‌سازی شده باشند. حمایت نظام حاکمیتی از مدیریت اثربخش در مهدهای کودک نیز نیازمند توجه جدی و تدابیر قانونی مسئولان برای دستیابی به جایگاه کشورهای توسعه یافته در حوزه آموزش‌های پیش از دبستان است؛ چرا که رشد همه‌جانبه کودکانی که آینده کشورها را در دست خواهند داشت، متضمن بهره‌مندی از خدمات استاندارد مراکزی است که دارای مدیریت اثربخش باشند. دستیابی به رشد همه‌جانبه کودکان از طریق افزایش آمار کودکان بهره‌مند از خدمات و آموزش‌های پیش از دبستان، یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورهاست. بر این اساس، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری جهت توسعه کمی و کیفی مراکز نگهداری و آموزش خردسالان و به دنبال آن، افزایش آمار کودکان حاضر در این نوع مراکز باید به‌عنوان یک برنامه ملی مورد توجه جدی دولت‌مردان قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Early Childhood Education and Care (ECEC)

منبع

۱. ولسی‌زاده، لیلا، و دیگران. (۱۳۹۸). ارائه چارچوب مدیریت اثربخش در مهدکودک با روش فراترکیب. فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت، ۳۵ (۳): ۱۲۷-۱۴۶
<http://qjoe.ir/article-1956-1-fa.html>





تقدیم شما مخاطبان گرامی می‌شود، در نشست مشترک سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با مدیران مؤسسه آموزشی میزان مطرح شد:

«آزادی» و «حق انتخاب» دغدغه‌های اصلی ما در تدوین برنامه درسی دوره پیش دبستان است «توسعه هر کشوری از مسیر آموزش و پرورش می‌گذرد»؛ این جمله فقط یک ادعا نیست. بسیاری صاحب نظرانی که سال‌ها در عرصه‌های اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و دیگر علوم اجتماعی و انسانی برای طراحی و پیشبرد اهداف توسعه، مطالعه و تحقیق داشته‌اند و اکنون با قاطعیت عنوان می‌کنند که برای نیل به توسعه باید پیش و بیش از هر چیز، روی آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کرد. از این رو، امروز شاهد گسترش حوزه‌های میان‌رشته‌ای علوم، شاخه‌های انسانی و اجتماعی، و آموزش و پرورش هستیم.

ورود به هزاره‌ای که انسان‌ها در آن به سان دهکده‌ای جهانی با یکدیگر تعاملات نزدیک دارند، مستلزم استقرار آموزش و پرورش است که قادر به رفع نیازهای نسل نو باشد. به منظور عبور از آموزش و پرورش سنتی، که به اذعان بسیاری از صاحب‌نظران حوزه آموزش و پرورش کارایی خود را در موارد زیادی از دست داده است،

عبور از هنجارهای حافظه‌محور گزارش بازدید از مؤسسه آموزشی میزان

اشاره

مجله رشد پیش دبستان در رویکردی جدید و در راستای اهداف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به بررسی برنامه و اسناد آموزشی و پرورشی در دوره پیش دبستان می‌پردازد. به همین منظور با کسب اطلاع از تولید کتابچه «اهداف و اصول تربیت در دوره پیش دبستان» توسط مؤسسه آموزشی میزان به برگزاری نشست با دست‌اندرکاران تولید محتوای مزبور اقدام نمود. که گزارش آن





برنامه‌ریزی و آموزش برای این نسل را باید از کودکی، یعنی همان دوره پیش‌دبستانی شروع کرد.

مؤسسه فرهنگی و آموزشی «میزان» از جمله مؤسساتی است که با درک این نیاز، با طراحی و تدوین سند آموزش و تربیتی میزان سال‌هاست که دانش‌آموزانی را در تمامی دوره‌های تحصیلی، ذیل اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در تراز مدارس دینی و انقلابی تربیت می‌کند. این مؤسسه در دوره پیش‌دبستانی با هفت رویکرد/هدف تربیتی شامل رشد و صیانت از قوای بدنی و ارتقاء نظام، شادابی و نشاط، فعال بودن و سازندگی، رشد و ارتقاء نظام عاطفی و رفتار اجتماعی، رشد ذهنی، رشد مهارت‌های کلامی طیب، و انس با باورها و گرایش‌های شعائر دینی جهت آمادگی برای پذیرش آزادانه و آگاهانه دین در محیطی فارغ از تمامی چارچوب‌های رسمی نظام آموزشی فعالیت می‌کند. با ورود به این مؤسسه آموزشی، بچه‌ها را آزاد در مکانی شاد و بدون کلاس به معنای محصور در چهار دیواری مرسوم در دیگر مدارس، خواهید یافت که در قالب بازی و سرگرمی، مکاشفه و تحقیق و همراهی با مربی و دوستان خود، مهارت‌های علمی و مهم‌تر از آن، مهارت زندگی را می‌آموزند.

همین وجه تمایز سبب شد تا حجت‌الاسلام همایون صدوقی، سرپرست مدیریت طراحی و تولید بسته‌های یادگیری دوره عمومی و متوسطه نظری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مسعود تهرانی فرجاد، رئیس گروه و عضو شورای برنامه‌ریزی دوره پیش از دبستان سازمان پژوهش به همراه خانم‌ها قنبری و فاضلی، از کارشناسان پیش‌دبستانی این سازمان و خانم دکتر ولی‌زاده، نماینده سازمان بهزیستی کشور، ضمن دیدار از این مؤسسه آموزشی، نشست را با حضور دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی و مدیر عامل مؤسسه فرهنگی و آموزشی میزان، دکتر سعید مدرسی، معاون آموزشی مؤسسه و از نویسندگان سند میزان، محمد جواد علی‌اکبریان، مدیر دوره دبستان مؤسسه و از مؤلفان روش میزان، نفیسه نجفی، مدیر بخش دخترانه مؤسسه و از مؤلفان روش میزان و غلامرضا فارس‌سیجانی، مدیر آموزش پیش‌دبستانی پسرانه مؤسسه میزان، برگزار کنند. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل تبادل نظر درباره دغدغه‌هایی است که در این نشست مطرح شده است.

توجه به مقوله فطرت

دکتر سعید مدرسی، دکترای علوم تربیتی و از نویسندگان سند میزان، در ابتدا با بیان اینکه در نگارش سند میزان، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خط‌به‌خط مطالعه شد و همسویی‌ها و ناهمسویی‌های آن با سند مجموعه بررسی گردید، گفت: «حدود سه سال طول کشید که خانم دکتر سجادی، تقریر نظریه انسان عامل دکتر باقری را دریافت کردند. به واقع، ایشان یک طرح اختصاصی برای مجموعه ما انجام دادند و اهداف و اصول دوره تمهید را از منظر انسان عامل برای مجموعه میزان تقریر

کردند. در روزهای اخیر هم با توجه به درخواست دفتر تألیف و مطالعات دوره پیش‌دبستان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مطالعه تطبیقی سند میزان با سند مطالعات تربیتی دوره پیش‌دبستان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی انجام گرفت که حتماً نکات استخراج شده را در اختیار سازمان قرار می‌دهیم. تمامی فعالیت‌های ما در مؤسسه میزان با محوریت «تربیت» انجام می‌شود. حتی کاردستی‌های ما هم مبتنی بر تربیت است. زیرساخت تمام فعالیت‌های تربیتی‌مان هم نگاه دینی و انقلابی است؛ یعنی حتی در فعالیتی مانند سرود هم باید نگاه توحیدی وجود داشته باشد.»

در ادامه، حجت‌الاسلام والمسلمین صدوقی با تأکید بر اینکه نگرش مجموعه میزان با نگاه ما در دوره مطالعاتی پیش‌دبستان در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همسوست، گفت: «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در حال نوشتن برنامه تربیتی دوره پیش از دبستان ویژه کودکان سه تا شش سال است که پیش از این سابقه نداشته است. این برنامه مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی است و ما باید سهم هر یک از دوره‌های تحصیلی را در رابطه با این رویکرد ببینیم. در این میان، آنچه بیش از همه اهمیت دارد لحاظ کردن بحث

چهار ضلع در ساختار شخصیت دانش‌آموز شامل استقلال، حریت و آزادنشی، قدرت تفکر و تعقل و تحلیل، تعامل با جهان، امت اسلامی و به‌ویژه خانواده و همسالان است

از مدارس دیگر وارد مدرسه ما می‌شوند، حتماً باید دوره‌ای را بگذرانند تا خود را با شیوه کار ما تطبیق دهند. به‌ندرت بچه‌ها در میان پایه به مجموعه ما اضافه می‌شوند و بیشتر از همان ابتدای دوره تحصیلی در مجموعه ما حضور دارند. از سویی، بوده‌اند خانواده‌هایی که پس از مدتی که از حضور فرزندانشان در مجموعه ما گذشته، به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای که مقوله‌هایی مثل کنکور و المپیادها برای آنان داشته است، ترجیح داده‌اند فرزندانشان در مدارس دیگری با همان فعالیت‌های مرسوم ادامه تحصیل دهند.»

تعدیل انتظارات خانواده‌ها

دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، در تکمیل سخنان علی‌اکبریان گفت: «البته ما انتظارات خانواده‌ها در مورد کنکور را هم تأمین می‌کنیم اما نه به روش‌های متداول در نظام آموزشی؛ چون معتقدیم با فشار آوردن به بچه‌ها به هدف دست نمی‌یابیم. از نظر ما، هر یک از بچه‌ها متناسب با استعدادهای خودش باید رشد داشته باشد. کما اینکه آن‌ها در کنکور هم متناسب با استعداد خودشان رتبه‌های خوبی می‌آورند؛ یعنی هر کس در هر جا که قرار داشته باشد، با ورود به مجموعه میزان رو به جلو حرکت می‌کند. ما والدینی داشته‌ایم که اعتراض می‌کرده‌اند چرا به بچه‌ها برای منزل، تکلیف نمی‌دهید؛ چون مثلاً تمایل داشته‌اند که حتماً در خانه به بچه‌ها دیکته گفته شود؛ در حالی که ما معتقدیم تکلیف بچه‌ها در خانه، کتاب خواندن، پژوهش کردن، انجام دادن تکالیف دینی و کمک به والدین است. از نظر ما بچه‌ها نباید در منزل دغدغه مشق فردا داشته باشند.»

مدرسی هم در تکمیل این سخنان گفت: «معمولاً بچه‌هایی که در میان پایه وارد سیستم ما می‌شوند، بین دو تا سه ماه به اصطلاح سردرگم‌اند؛ چون در سیستم ما کسی به آن‌ها امر و نهی نمی‌کند و برنامه درسی نمی‌دهد. درس دادن معلم هم به صورت مستقیم نیست. این نقطه افتراق ما با نظام رایج آموزشی است. چون بچه‌های ما خودشان برنامه‌ریزی می‌کنند که سر کدام کلاس حاضر باشند و دائم در تکاپو هستند. آن‌ها از یکدیگر آزمون می‌گیرند و خودشان برگه‌ها را تصحیح و نمرات را وارد سیستم می‌کنند. شعار ما در مدرسه میزان این است که مدرسه ما «کف» دارد اما «سقف» رشد ندارد. به نظر ما این کار عین عدالت آموزشی است؛ چون یک دانش‌آموز پرتلاش و پیشرو بدون اصرار والدین و مدرسه و بدون جایزه، تهدید و رتبه‌بندی اگر از نرم سن خودش فاصله گرفت، ما به او کمک می‌کنیم که بر اساس تراز منطقی سن خودش و نه براساس تراز تحصیلی بیرونی، پیشرفت علمی داشته باشد.»

عبور از هنجارهای حافظه‌سنج

مدرسی تصریح کرد: «ما در روش میزان اصول یازده‌گانه‌ای داریم که شامل فعالیت‌های گروهی، یادگیری مبتنی بر تلاش فردی، خلاقیت، کشف استعدادها، عزت فردی و توجه به



«آزادی» در تمام دوره‌های تحصیلی است. این موضوع باید مرکز ثقل کار باشد. در حال حاضر با لحاظ کردن مقوله «فطرت» در اسناد موجود، مشخص نیست که انتظار ما از این مقوله چیست. انتظار آن است که در بازنگری دوره پیش از دبستان، منظور ما دقیقاً مشخص شود. من خوشحالم که در مرکز شما مقوله «آزادی» و «حق انتخاب» جدی است و این نقطه عطفی برای یک تحول خوب است.»

فرایند جذب دانش‌آموز

محمدجواد علی‌اکبریان، در پاسخ به سؤال حجت‌الاسلام صدوقی درباره فرایند جذب دانش‌آموز در مؤسسه میزان گفت: «در این زمینه معتقدیم که لزوماً نباید بچه‌ها از نظر هوش همگن باشند ولی دیدگاه خانواده‌ها در باره تربیت و صبوری در تربیت فرزند، برای ما بسیار مهم است. بسیاری از خانواده‌ها در زمینه تربیت فرزند، دیدگاه رفتاری و کمی دارند که مناسب شیوه میزان نیست؛ چون ما در مدرسه به بچه‌ها آزادی و حق انتخاب می‌دهیم و اگر در خانواده این مشی وجود نداشته باشد، بچه‌ها دچار تعارض می‌شوند. موضوع دیگر، داشتن دغدغه تربیت دینی از سوی خانواده‌هاست. ما تست هوش و مسابقات علمی نداریم و رویکردمان بیشتر تأکید بر مبانی تربیتی و شاکله خانواده‌هاست.» وی تأکید کرد: «معمولاً دانش‌آموزانی که از مجموعه میزان به مدارس دیگر می‌روند، مشکلی ندارند؛ چون این بچه‌ها وارد نظام معلم محور می‌شوند و این نظام همه چیز را آماده در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد اما رشدشان را متوقف می‌کند. چون در میزان، بچه‌ها مسئولیت‌پذیرند و فعالانه اندیشه‌ورزی می‌کنند، اما بچه‌هایی که

انگیزش‌های فردی است. تلاش ما این است که این اصول در تمام پایه‌ها رعایت شود. اگر آموزش و پرورش به ما اجازه بدهد، ما از تمامی هنجارهای حافظه‌سنج گذر خواهیم کرد. آیت‌اللهی در ادامه افزود: «۳۰ درصد دانش‌آموزان ما در پایه چهارم، تا اسفندماه کتاب‌های پایه خودشان را به اتمام می‌رسانند و بعد از آن مطالب جدید یاد می‌گیرند. البته برای ما تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان مهم است. اگر در همین پایه دانش‌آموزان ضعیفی هم باشند، باید به آن‌ها کمک کنیم که تا پایان سال تحصیلی درس‌ها را به اتمام برسانند.» به گفته علی اکبریان هم متأسفانه به‌رغم ظرفیت‌هایی که در سند تحول وجود دارد، بدنه سنتی آموزش و پرورش ظرفیت لازم برای استقرار این طرح‌ها را ندارد.

مربع شخصیت دانش‌آموز

صدوقی در ادامه با بیان اینکه ما در حال نوشتن برنامه‌های دوره‌های تحصیلی هستیم، از مربعی به نام «مربع شخصیت دانش‌آموز» نام برد و در تشریح آن گفت: «این مربع مبتنی بر بحث آزادی است و چهار ضلع دارد. از دانش‌آموز پس از فارغ‌التحصیلی انتظار داریم که این چهار ضلع در ساختار شخصیتی‌اش تثبیت شده باشد. این اضلاع شامل استقلال، حریت و آزادمنشی، قدرت تفکر و تعقل و درک تحلیلی از زندگی، و تعامل با جهان و امت اسلامی و به‌ویژه با خانواده است. اگر قطره‌های این مربع را به هم وصل کنیم، در یک نقطه مرکزی یکدیگر را قطع می‌کنند که ما می‌توانیم بر اساس مبانی ایدئولوژیک خود آن نقطه را مثلاً ولایت‌مداری یا انس با قرآن تعریف کنیم. در این صورت، چهار مثلث خواهیم داشت که اصول بنیادین تربیتی را شامل می‌شوند.»

آزادی در هفت سال اول

نفیسه نجفی، مدیر بخش دخترانه مؤسسه و از مؤلفان روش میزان با اشاره به نکته‌ای در باب آزادی گفت: «به نظر من آزادی در هفت سال اول، بستری برای تحقق اهداف تربیتی است و اگر نباشد، قوای ارادی، عاطفی و ذهنی شکل نمی‌گیرند. در هفت سال دوم، آزادی بستری برای انتخاب و اصالت انتخاب در «خیرگزینی» است. اگر این مجموعه، پیوسته و سلسله‌وار طراحی نشود، آزادی نه تنها موجب رشد نمی‌شود بلکه حتی آسیب‌زاست. آزادی روشی است که اگر برای آن برنامه‌ریزی نشود، به خیرگزینی نمی‌انجامد.» مدرسی هم در این باره گفت: «هفت سال اول، بستر کشف علائق و استعدادها و بچه‌ها در محیط طبیعی است که باید فراهم شود. در این فعالیت، اراده‌ورزی بچه‌ها در هفت سال اول شکل می‌گیرد که این یکی از دلایلی است که ما با آموزش مستقیم در هفت سال اول مخالفیم؛ یعنی در هفت سال اول آموزش مستقیم الفبا یا حتی قرآن را در مجموعه میزان نداریم.»

صدوقی هم در ادامه و پس از استماع این سخنان گفت: «یکی از تفسیرهای غلطی که وجود دارد و من با آن مخالفم این است که گفته می‌شود بچه در هفت سال اول برای انجام دادن هر کاری

مطلقاً آزاد است. اگر این طور باشد، ما هویت قانونمند کودک را رعایت نکرده‌ایم. البته گاهی در نظام آموزشی، مربیان ویژگی توصیفی کودکان را در هفت سال اول درک نمی‌کنند و با تعامل غلط با او، اجازه نمی‌دهند کودک در این هفت سال به رویش برسد. لذا او این آفت را وارد هفت سال دوم می‌کند و این یکی از مشکلات جدی ماست.»

آیت‌اللهی هم گفت: «علت اینکه برخی بچه‌ها پس از رسیدن به سن بلوغ، قواعد دینی را نمی‌پذیرند این است که در هفت سال دوم این قواعد را خودشان انتخاب نکرده‌اند. ما با ادراک این نکته، در مدرسه میزان نماز اجباری نداریم. معلم از همان پایه اول ابتدایی موقع نماز خواندن، نمازش را می‌خواند و بچه‌ها به انتخاب خودشان با او نماز می‌خوانند. همین رویکرد سبب شده است که در پایه ششم همه بچه‌های ما نماز بخوانند. به همین دلیل، نماز خواندن بچه‌ها در دوره متوسطه در مدرسه ما به پوشش ۹۷ درصدی رسیده است.» وی در ادامه ضمن بیان اینکه ما آنچه را در مربع تربیتی مطلوب سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هست به صورت برنامه در اصول خود دنبال می‌کنیم، عنوان کرد: «برای نمونه، شما به دنبال هویت فطری دانش‌آموز هستید. در سیستم ما هر یک از دانش‌آموزان از ابتدا در سایت میزان پروفایلی دارند. در این سایت، بچه‌ها در قالب رزومه تمام مهارت‌ها، کتاب‌هایی که خوانده‌اند و مطالب تأیید شده خود را می‌توانند ببینند. مجموعه این موارد هویت دانش‌آموز را شکل می‌دهد. در بحث آزادی هم ما با دست باز کتاب‌هایی با عنوان «خودم می‌گویم چرا؟» را به جای «به من بگو چرا؟» در ادامه برنامه درسی طراحی کرده‌ایم تا بچه‌ها خودشان مکاشفه داشته باشند. به این ترتیب، بچه‌ها ارزش واقعی «دانستن» را خواهند فهمید.

اصول دوره پیش‌دبستان در مؤسسه میزان

آیت‌اللهی درباره دوره پیش‌دبستانی ضمن تأکید بر اینکه در تدوین این سند از مبانی دکتر باقری، دکتر اخوت و سند تحول آموزش و پرورش استفاده شده است، اظهار داشت: «ما طی سه سال مطالعه برای دوره پیش‌دبستان، هفت هدف اصلی طراحی کردیم. سپس متناسب با این اهداف، ۲۳ زیرهدف طراحی نمودیم. برای انجام دادن فعالیت هم ۶۳ اصل فعالیت تدوین شد. در مرحله بعد، جدولی برای هر یک از هفته‌های تحصیلی ناظر به اهداف طراحی شد تا بچه‌ها در طول هفته، به انتخاب خودشان از تمامی فعالیت‌ها بهره‌مند شوند. در بحث سنجش هم پرسش‌نامه‌ای تدوین شد که از همان ابتدا در اختیار معلمان و والدین قرار می‌گیرد و آن‌ها برداشت خود از توانایی‌های بچه‌ها را در این پرسش‌نامه‌ها وارد می‌کنند. در پایان سال هم ارزیابی خود را در این پرسش‌نامه‌ها درج می‌نمایند و ما متوجه رشد بچه‌ها در طول دوره می‌شویم.»

مدرسی در تکمیل سخنان آیت‌اللهی گفت: «در بحث استفاده از نظرات استادان در تدوین سند، البته نظرات صاحب‌نظران دیگر

همکاری با استان‌ها

آیت‌اللهی هم تأکید کرد: «در حال حاضر از بسیاری از استان‌ها، مانند سیستان و بلوچستان، به ما مراجعه می‌شود و ما طی دوره‌هایی آن‌ها را با روش میزان آشنا می‌کنیم و این همکاری تا اجرای روش میزان در استان مورد نظر ادامه می‌یابد.»

علی اکبریان هم در پاسخ به سؤال دیگر ولی‌زاده مبنی بر اینکه آیا بودن بچه‌ها با لباس راحتی با بحث نظم‌پذیری و ورود آن‌ها به محیط‌های رسمی تناقض ندارد، گفت: «بچه‌ها در مدرسه میزان زندگی را تمرین می‌کنند. ملزم کردن آن‌ها به پوشیدن لباس رسمی، متناسب با فعالیت و پویایی مدرسه ما نیست؛ ضمن اینکه اصلاً این موضوع با بحث نظم‌پذیری هم منافاتی ندارد. البته همین بچه‌ها وقتی می‌خواهند به محیط رسمی یا مهمانی بروند، از لباس رسمی استفاده می‌کنند؛ چون به مرور در طول فرایند آموزش، خودشان این تفاوت را درک می‌کنند.»

مدرسی هم در تکمیل این توضیح گفت: «اگر به سیر تربیتی یک کودک از پیش‌دبستانی تا انتهای دوره ابتدایی بنگرید، در نگاه اول در مدرسه میزان وارد محیط آزادی می‌شوید که شاید تصور کنید اول آن بی‌نظمی است اما در ادامه متوجه خواهید شد که اصلاً این طور نیست. ما بچه‌ها را ملزم به پوشیدن لباس فرم نمی‌کنیم و اصلاً لباس فرم نداریم اما در قالب کار گروهی، بچه‌ها بدون داشتن فضاهایی مشخص به نام کلاس، در این فرایند نظم‌پذیری را هم فرا می‌گیرند. ما معتقدیم که روش میزان باید روشی باشد که در دورافتاده‌ترین روستاهای ایران هم قابل اجرا باشد و کمترین وابستگی را به سخت‌افزار داشته باشد. در عین حال، می‌تواند در فضاهای شیک آموزشی هم اجرا شود؛ یعنی احساس آزادی، بروز استعدادها و پرورش خلاقیت‌ها و ارتباط با مربی وابسته به ساختمان و فضاهای آموزشی نیست.»

انتخاب و تربیت مربی

علی اکبریان هم در پاسخ به سؤال دیگری درباره انتخاب مربی و فرایند آموزش آنان گفت: «برای انتخاب مربی، ترجیح می‌دهیم از مربیانی استفاده کنیم که اتفاقاً سابقه کار در نظام‌های آموزشی سنتی را نداشته یا حداقل سابقه را داشته باشند، اما ویژگی‌های اخلاقی، توانایی ارتباطی و هوش آنان برای ما مهم است. برای افراد منتخب هم دوره‌های تربیت مربی گذاشته می‌شود. ما تاکنون بالغ بر هزار نفر را در شهرهای مختلف برای مربیگری آموزش داده‌ایم. این افراد به عنوان کمک مربی وارد کار می‌شوند و اگر پس از چند سال رشد لازم را داشته باشند، مسئولیت می‌گیرند و آموزش افراد دیگر هم به عهده‌شان گذاشته می‌شود. در میزان، سخت‌ترین و حساس‌ترین فرایند همین آموزش مربی است.»

در پایان این نشست، طرفین بر همکاری با یکدیگر برای اعتلای هر چه بیشتر نظام آموزشی، به‌ویژه در دوره پیش‌دبستانی، تأکید کردند.



هم بود اما این نظرات به این معنی که دارای مبانی، اهداف و زیرهدف‌های مشخص باشند، وجود نداشتند. به همین دلیل، از مبانی گفته شده بیشترین بهره‌برداری را کردیم. ضمن اینکه متأسفانه نظام آموزش و پرورش ما هیچ مابه‌ازایی برای تحقق ساحت‌های تربیتی مطرح شده در سند تحول آموزش و پرورش ندارد. فقط شاید در بحث علمی و فناوری مابه‌ازایی هر چند مورد نقد وجود داشته باشد. ما در روش میزان سعی کردیم مابه‌ازای ساحت‌های تربیتی و ظرف فعالیت‌های تحقق آن‌ها را با ایجاد موقعیت تربیتی خلق کنیم. بنای ما در مجموعه میزان بر این است که اتفاقات این مجموعه، موقعیت‌های ساحت‌های تربیتی مندرج در سند را تحقق بخشد.»

مسئولیت اجتماعی مراکز

خانم دکتر ولی‌زاده، کارشناس سازمان بهزیستی، ضمن بیان نکاتی که حین بازدید از مدرسه میزان دیده بود، گفت: «در این بازدید من متوجه نکات بسیار ارزشمندی شدم. محور قرار دادن بچه‌ها در آموزش به اندازه‌ای بود که حتی تزئینات در و دیوار هم کار دست بچه‌ها بود، اما دغدغه من این است که مدارس مانند مدرسه میزان که مطابق با استانداردهای آموزشی کار می‌کنند، آیا می‌توانند برای همه بچه‌های ما قابل استفاده باشند؟ چون شما اشاره کردید که گرینش خانواده‌ها براساس نگاه آن‌ها به نوع تربیت فرزندانشان و البته تمکن مالی برای استفاده از این مدارس است. من فرائز از این، معتمد در بررسی عملکرد چنین مجموعه‌هایی باید به بحث مسئولیت اجتماعی این مجموعه‌ها هم توجه شود.»

مدرسی در پاسخ گفت: «این مسئولیت بیش از ما، متوجه مجموعه وزارت آموزش و پرورش و دولت‌هاست. آن‌ها باید پاسخگو باشند که چقدر در الگودهی چنین مجموعه‌هایی و تکثیر آن‌ها در کل کشور موفق عمل کرده‌اند.»

نمایش، برش‌هایی از زندگی کودکان

کودکان طراحی شود.

- انتخاب موضوع در راستای اهداف این برنامه باشد.
- در نمایش خلاق، روند فعالیت از نتیجه آن مهم‌تر است.
- در نمایش خلاق بر امکانات و تجهیزات تأکید نمی‌شود.

چند مثال نمایشی

مربی نمایشی را برای کودکان آماده و اجرا می‌کند. او موقعیتی را تشریح می‌کند و نوآموزان در لحظه آن را با خلاقیت خود انجام می‌دهند. در این مورد نیز گاه مربی می‌تواند همه مراحل داستان و قسمت‌های مختلف را توضیح ندهد و به نوآموزان فرصت دهد تا بخش‌هایی را به صورت بداهه بازی کنند. می‌توان از داستان‌های معروف که بچه‌ها نیز از آن‌ها مطلع‌اند، برای اجرای نمایش استفاده کرد. در مرحله بعد، می‌توان و چه بسا خیلی هم خوب باشد که از کودکان خواست، خودشان در محتوای داستانی تغییراتی ایجاد کنند.

مربی موضوع را برای نمایش به فرد یا گروهی از کودکان ارائه می‌کند. کودکان خودشان موضوعی را برای اجرای نمایش انتخاب می‌کنند.

اصلاح رفتار

در مواردی که کودک یک مسئله رفتاری دارد، می‌توان نمایشی را آماده کرد که همان مشکل رفتاری در آن گنجانده شده باشد. در این حالت، می‌توانیم کودک را در نقش شخصیتی قرار دهیم که آن مسئله را دارد و به او فرصت دهیم تا به صورت بداهه واکنش نشان دهد یا می‌توان کودک را در نقش مقابل شخصیتی که مسئله رفتاری دارد، قرار دهیم و مربی نقش شخصیتی را بازی کند که مشکل رفتاری دارد.

هنگامی که مربی نمایش را بازی می‌کند و در موقعیتی که اوج اتفاق و زمان بروز مشکل رفتاری کودک است، می‌توان نمایش را متوقف کرد و از کودک خواست که واکنش مناسب نقش را نشان دهد.

منبع

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستانی (بخش معیارها)، انتشارات مدرسه.

نمایش از هنرهای بسیار قدیمی و پرکاربرد در آموزش و تفریح است. انسان‌های اولیه گاه برای رساندن منظور خود به یکدیگر از مدل‌های نمایشی استفاده می‌کردند. اکنون نمایش جزء زندگی ما شده است؛ در جمع‌های خانوادگی از پانتومیم استقبال می‌شود، گاهی برای رساندن منظور خود به دیگران از حرکات بدن یا همان نمایش استفاده می‌کنیم، یا در مقابل آینه با خودمان حرف می‌زنیم؛ تمرینی برای صحبت در قراری یا جلسه‌ای. گاهی انسان خاطرات زندگی خود را در ذهن مرور می‌کند. گویی بخشی از زندگی به صورت نمایش از مقابل دیدگانمان می‌گذرد. پیش آمده است هنگامی که مشغول تماشای فیلم یا سریالی هستیم، خود را در قالب شخصیت قهرمان داستان، نمایش یا فیلم قرار می‌دهیم و گاه روند داستانی آن را نیز تغییر می‌دهیم. بعد از دیدن یک نمایش، مدت‌ها به آن فکر می‌کنیم و در مورد موقعیت‌ها و اتفاقات آن با دیگران حرف می‌زنیم؛ اینکه شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و گره‌ها چه شرایطی داشته‌اند. گاهی خود دست به تغییر موارد می‌زنیم و در برخی مواقع نیز در موقعیت‌ها یا مکان‌های مختلف، رفتارهای

گوناگونی از ما سر می‌زند. زمانی بسیار آرام و سربه‌زیر، زمانی با شور و هیجان زیاد. هر کدام را متناسب با فضای مورد نظر انتخاب می‌کنیم و انجام می‌دهیم. می‌توان گفت همه این موارد و مواردی دیگر از این گونه، جزئی از نمایش‌های روزمره زندگی ما هستند. در علم

روانشناسی نیز اشاره شده که تأثیر زبان بدن بسیار زیاد و شاید از کلام بیشتر است. حال چگونه در مسائل آموزشی و رفتاری فرزندانمان از این قالب بسیار اثربخش استفاده کنیم. در استفاده از این قالب نیز نیازمند رعایت معیارها و نکات بسیار مهمی هستیم. منظور از نمایش در این رده سنی، نمایش خلاق است که از نظر روند و نتیجه با نمایش در نگاه عامه تفاوت‌هایی دارد.

معیارهای اصلی

- فعالیت باید مطابق با تعریف نمایش خلاق باشد.

- متناسب با ویژگی‌ها و توانایی‌های سنی

عکس: طیبه رحیمی



سوی دیگر، کودکانی که با این برچسب در مدرسه تحصیل می‌کنند، در مهارت‌های تحصیلی اعتمادبه‌نفس کمی دارند و برای یادگیری کمتر تلاش می‌کنند. اگرچه علائم این کودکان و مبتلایان به بیش‌فعالی و اختلالات یادگیری مشابه است، همه این کودکان مشکلات یادگیری یا دقت و تمرکز ندارند. از دیدگاه شناختی، منشأ انگیزه انسان افکار، ایده‌ها و نقشه‌های اوست (سیف، ۱۳۸۸). کودکان نیز مانند بزرگسالان نیاز دارند که علت انجام دادن کارها را بدانند و برای رسیدن به اهدافشان طرحی بریزند. آن‌ها می‌خواهند بدانند که برای چه باید تحصیل کنند و چرا باید ۳۲ حرف و بسیاری علامت و نشانه را بیاموزند. بسیاری از والدین و مربیان برای توجیه این کودکان، انواع روش‌های تشویقی و تنبیهی را امتحان می‌کنند و در نهایت، مستأصل می‌شوند.

یادگیری اثربخش با فعالیت‌های روزمره

بهتر است پیش از آنکه آموزش را شروع کنیم، یک قدم به عقب برگردیم و کنجکاو کودک را برانگیزیم تا با خود فکر کند که چرا انسان‌های اولیه احساس می‌کردند که نیاز دارند با خلق علائم به یکدیگر پیام دهند. بهتر است معلمان لزوم ارتباطات غیرکلامی را از طریق فعالیت‌های عملی به کودکان بیاموزند. معلمان می‌توانند از آن‌ها بخواهند که علائم ساده‌ای را به‌وجود آورند و درباره آن‌ها به دوستانشان توضیح دهند و سعی کنند علائمی را که دوستانشان نوشته‌اند، تفسیر کنند. برای مثال، می‌توان از کودکان خواست که نقشه یک گنج را تهیه کنند؛ آن را به دوستانشان بدهند تا با معنا کردن نشانه‌ها، مکان گنج پنهان شده را پیدا کنند. در این نقشه‌ها کودکان برای وسایل مختلف نمادهایی خلق می‌کنند؛ مثلاً در را با یک مستطیل نشان می‌دهند و برای کشیدن پله‌ها از چند خط موازی استفاده می‌کنند. بدین ترتیب، آن‌ها می‌آموزند که نشانه‌ها معنا و مفهوم دارند و به‌اصطلاح با نظام نشانه‌گذاری آشنا می‌شوند (شعبان، ۱۳۹۸). هرچه کودکان با این نشانه‌ها بیشتر دست‌وپنجه نرم کنند، علاقه آن‌ها به یادگیری مفهوم علامت‌ها بیشتر می‌شود. از دیدگاه سازنده‌گرایی، اگر مطالب آموزشی با زندگی روزمره کودکان در ارتباط باشد، آن‌ها انگیزه بیشتری برای یادگیری دارند (سیف، ۱۳۸۸) و بدین ترتیب، به یادگیرندگان خودکاری تبدیل می‌شوند که از هر لحظه برای یادگیری بیشتر استفاده می‌کنند.

در پایان، برای آموزش نشانه‌گذاری به کودکان پیشنهادهایی داده می‌شود. در این نمونه‌ها سعی شده است از فعالیت‌های مرتبط با امور روزمره کودکان استفاده شود.

۱. از کودکان بخواهید به کمک ابزارها، علامت‌هایی را خلق کنند. برای مثال، می‌توانند با وردنه، قالب شیرینی، چنگال، رنده، چرخ ماشین اسباب‌بازی و ... علامت‌هایی روی خمیر یا آرد بکشند (بروس، ۲۰۰۹).

با کودکان بی‌انگیزه چه کنیم؟!

مقدمه

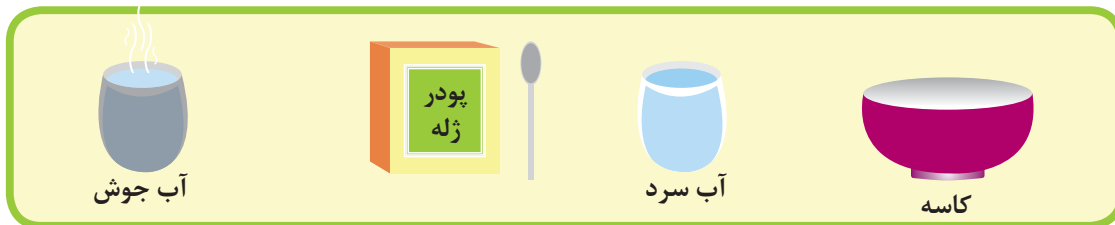
حتماً شما هم با کودکانی مواجه شده‌اید که علاقه‌ای به یادگیری ندارند. زمانی که مربی از این کودکان می‌خواهد که پشت میز بنشینند، شروع به دویدن دور اتاق می‌کنند. آن‌ها برای فرار از یادگیری مدام بهانه می‌آورند که گرسنه‌اند یا باید به دستشویی بروند و یا حتی حالشان خوب نیست! در نهایت، وقتی مربی با هزار ترفند آن‌ها را سر جایشان می‌نشاند، بسیار بی‌حوصله هستند و تلاش می‌کنند حواس دیگران را نیز پرت کنند. به‌راستی با این کودکان چه باید کرد؟ علت مشکل آن‌ها چیست؟

کلیدواژه‌ها: انگیزه یادگیری، اختلال یادگیری، بیش‌فعالی، نظام نشانه‌گذاری

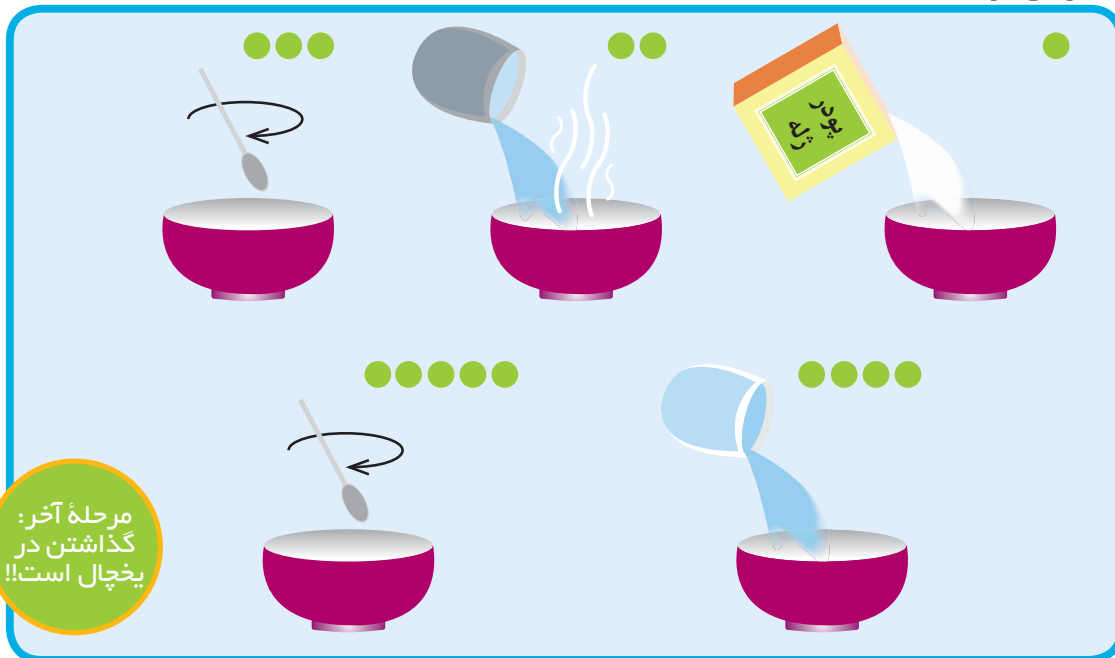
بسیاری از مربیان پیش‌دبستانی گمان می‌کنند که به مرور زمان و با بالا رفتن سن این کودکان، مشکلشان به‌خودی‌خود حل می‌شود اما سال‌ها بعد (زمانی که کودک به مقدار قابل‌توجهی از کودکان هم‌سنش عقب افتاد) معلمان آن‌ها را با برچسب بیش‌فعالی یا اختلال یادگیری، برای درمان به مراکز مشاوره ارجاع می‌دهند. حجم بالای ارجاع کودکان به مراکز مشاوره، کار درمان را برای درمانگران کودک دشوار کرده است. این در حالی است که کودکان بیش‌فعال تنها ۳ تا ۵ درصد کودکان مدرسه‌ای را تشکیل می‌دهند (جی‌مش، ۱۳۸۹). همچنین، آمار مبتلایان به اختلال یادگیری به معنای خاص تنها ۴ تا ۱۲ درصد است (تبریزی، ۱۳۹۶)؛ یعنی در هر کلاس ۲۰ تا ۲۵ نفری، یک و شاید دو نفر به این مشکل دچارند (هالاها، ۱۳۹۰). از

بهتر است
پیش از آنکه
آموزش را
شروع کنیم،
یک قدم
به عقب
برگردیم و
کنجکاو
کودک را
برانگیزیم

وسایل مورد نیاز



مراحل کار



نتیجہ گیری

کودکان فاقد انگیزه یادگیری، دقت و تمرکز ندارند. دلیل اینکه بسیاری از این کودکان نمی‌خواهند این آموزش‌ها را دریافت کنند این است که در فرایند آن منفعل‌اند و میان مطالب آموزشی و زندگی روزمره خود ارتباطی نمی‌بینند. تجربه زیسته با کودکان نشان داده است که بسیاری از آن‌ها با مشارکت داده شدن در فرایند آموزش به یادگیری علاقه پیدا می‌کنند. برای نمونه بسیاری از کودکان منفعل با مشارکت در یادگرفتن نظام نشانه‌گذاری به یادگیری علاقه پیدا می‌کنند و خودبه‌یاد یادگرفتنی فعال تبدیل می‌شوند.

منابع

۱. تبریزی، مصطفی؛ تبریزی، علیرضا؛ نرگس، سربزی. (۱۳۹۶). درمان اختلالات دیکته‌نویسی. چاپ ۳۸. انتشارات فراوان.
 ۲. چی، مرزا؛ آریک، ای وولف، دیوید. (۱۳۸۹). روان‌شناسی مرضی کودک. مترجمان: محمد مظفری مکی آبادی، اصغر فروغ‌الدین عدل. انتشارات رشد.
 ۳. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۸). روان‌شناسی پرورشی نوین: ویرایش ششم. انتشارات دوران.
 ۴. شعبان، زهرا. (۱۳۹۷). مدیریت مهدکودک، راهنمای عملی مدیران و مربیان مهدکودک برای رشد همه‌جانبه کودکان. تهران: انتشارات دیباگران.
5. Bruce CBE, Tina, (2009), Core experiences For In Early Years Foundation Stage, London, Kate Greenway nursery school.

۲. از کودکان بخواهید یک خاطره شیرین خود (مثلاً یک سفر) را روی کاغذ بکشند. برای کشیدن این اثر، استفاده از خطوط مختلف را به آن‌ها آموزش دهید؛ مثلاً خطوط موج برای نشان دادن رودخانه، خطوط مورب برای خانه جنگلی و ... (همان).

۳. با استفاده از عکس‌های کودک، یک کتابچه خاطرات از نوزادی او تاکنون بسازید. از او بخواهید وقایع مهم زندگی‌اش مانند جشن تولدها و به دنیا آمدن خواهر یا برادر جدید را به کمک نمادها در این کتابچه ترسیم کند.

۴. اکثر کودکان به آشنایی علاقه‌مندند. دستورالعمل‌های آشنایی را که به کمک نمادها کشیده شده‌اند، به کودکان بدهید و از آن‌ها بخواهید معنی‌شان را حدس بزنند؛ مثلاً همان‌طور که در شکل بالا نشان داده شده است، می‌توانید دستورالعمل درست کردن ژله را به کمک نمادها برای کودکان بنویسید و از آن‌ها بخواهید با توجه به دستورالعمل، از ابزارهایی که در اختیارشان قرار داده‌اید، استفاده کنند. توجه داشته باشید اشیایی که در اختیار کودک قرار می‌گیرند، دقیقاً با دستورالعمل منطبق باشند. برای مثال، اگر در دستورالعمل آب سرد با لیوان دسته‌دار نشان داده شده است، در واقعیت نیز چنین باشد.

دلیل اینکه
کودکان
انگیزه
یادگیری
ندارند این
است که
منفعل اند



آیا شما برای فرزندتان پدر خوبی هستید؟

سه پدر متفاوت را تصور کنید که هر سه در پایان روز به خانه بر می گردند. هر سه تقریباً چهار ساله‌اند و هر کدام از آن‌ها یک دختر حدود شش ساله و یک پسر حدود پنج ساله دارد. هر سه پدر در حالی که گوشی تلفن همراه در دستشان است، به خانه برمی گردند اما وقتی وارد خانه می شوند، دیگر هیچ شباهتی به هم ندارند.

پدر اول:

پدر اول وقتی که از مأموریت برگشت و وارد خانه شد، گوشی تلفن ثابت خانه‌اش زنگ خورد. همسر سابقش با او تماس گرفت و گفت که فردا تولد دخترشان است. پدر زیر لب به آرامی گفت: «خودم می دونستم». بعد، با دخترش تماس گرفت و گفت: «دختر عزیزم، تولدت مبارک! راستی ... برات یه خرس پشمالو گرفتم ... خب ... نظرت چیه؟» دختر گفت: «بله متشکرم ولی من دیگه از خرس پشمالو خوشم نمیاد». پدر گفت: «خب باشه وقتی که برای تعطیلات تابستان اومدی پیشم، میریم یه چیز دیگه می خریم. خب ... اوضاع مدرسه چطوره؟» دختر جواب داد: «خوبه ...» پدر پرسید: «حال برادر کوچولوت چی؟» دختر گفت: «اونم خوبه.»

نتیجه می گیریم که گفت و گو میان پدر، در نقش بازجو و دخترش در نقش شاهد ناراضی، ادامه دارد.

پدر دوم:

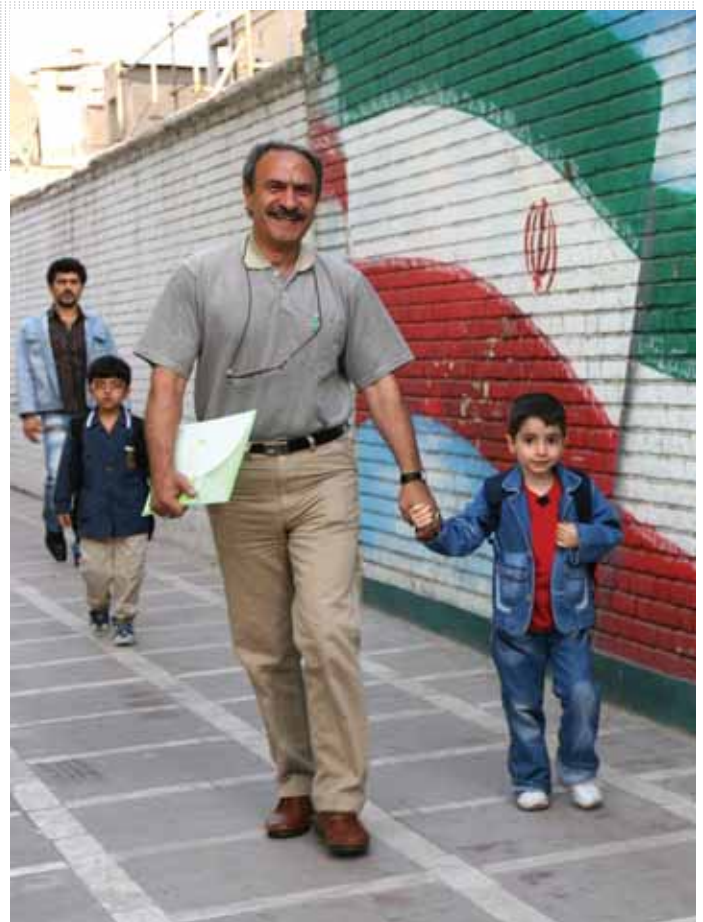
پدر دوم وارد خانه‌ای پر نور و روشن می شود؛ بوی خوش غذا می آید و بچه‌ها مشغول بازی رایانه‌ای هستند.

او سلام می کند و دست نوازشی بر سر آن‌ها می کشد. بعد، به طرف آشپزخانه می رود و به همسرش در آماده کردن شام کمک می کند. وقتی بچه‌ها برای خوردن شام سرسفره می نشینند، از آن‌ها می پرسد: «خب، پیش دبستان چطور بود؟» همه جواب می دهند: «عالی بود!» از دخترش می پرسد: «امروز چی یاد گرفتی؟» دختر من من کنان می گوید: «چیز زیادی یاد نگرفتم...» پسرش می گوید: «ما امروز شمارش اعداد داشتیم.» پدر می گوید: «بسیار خوب ...» سپس به همسرش بر می گردد و می گوید: «اون مرده برای رهن خونه تلفن کرد؟» در این میان پسر می گوید: «بابا، می خوام شمارش اعداد رو برات بگم؟» پدر با خستگی می گوید: «حالا نه ... می خوام با مادرت صحبت کنم.» پسر ساکت می شود. پدر و مادر درباره مسائل مالی با هم صحبت می کنند. به محض اینکه وقفه‌ای در صحبت‌های آن‌ها پدید می آید، پسر دوباره می گوید: «بابا، می خوام شمارش اعداد رو برات بگم؟» پدر با لحنی کنایه آمیز می گوید: «بگو اما نه با آن دهن پر!» پسر با عجله کمی آب می خورد و شروع می کند: «یک، دو، سه، چهار، پنج» بعد از چند لحظه، پدر به آرامی می گوید: «بسیار خوب ... عالی بود!» پسر می پرسد: «می خوام جدول بقیه اعداد رو هم برات بگم؟» مرد در جواب می گوید: «الآن نه ... بعداً. حالا چرا نمیری با خواهرت بقیه بازی تون رو انجام بدین تا من و مادرت با هم صحبت کنیم؟»

پدر سوم:

پدر سوم وقتی در خانه را باز می کند، با صحنه‌ای مشابه پدر

پدران در زندگی فرزندان نقش‌هایی ایفا می کنند که مادران از عهده آن‌ها بر نمی آیند



شما گفته بود تمرین کنی.
- اما من دیگه از تمرین اون خسته شدم
پدر... - آره انجام کار تکراری بعضی وقتا آدم
روخسته می کنه؛ این طور نیست؟
گفت وگو ادامه پیدا می کنه؛ پدر به شکایت
فرزندش گوش می دهد و به او کمک می کند
تا بتواند بر ناراحتی خود غلبه کند.

خوب، نظر شما درباره این سه پدر چیست؟ آن ها را با هم مقایسه کنید.

به این نتیجه می رسیم که پدرها از نظر نوع ارتباط و میزان توجه به فرزندانشان بسیار با یکدیگر متفاوت اند. به نظر می رسد که پدر سوم به خوبی از جزئیات زندگی فرزندانش آگاه است؛ از جمله دوستان آنها، فعالیت های روزمره، و مسائل و مشکلاتی که در مدرسه با آنها مواجه اند. این آگاهی به او امکان می دهد که فرزندانش را از نظر عاطفی حمایت و راهنمایی کند. برعکس، پدر قبلی به جزئیات زندگی بچه هایش علاقه ای ندارد و بیش از حد به مسائل و مشکلات خود مشغول است؛ به طوری که وقتی پسرش سعی می کند توجه او را به خود جلب کند، با او رفتاری تحقیرآمیز دارد. پدر اول که جدا از فرزندانش زندگی می کند، از موضوعات زندگی و علائق آنها اطلاعات زیادی ندارد و نمی تواند با دخترش رابطه ای گرم و صمیمانه برقرار کند.

در این باره آمارها نشان می دهد، میزان شرکت مادران در جلسات انجمن اولیا و مربیان بیش از پدران است. رئیس آموزش و پرورش یکی از شهرستان ها درباره حضور اولیا در جلسات انجمن اولیا و مربیان، ضمن بیان اینکه در این شهرستان ۲۰ درصد آقایان و ۸۰ درصد خانم ها در این جلسات حضور پیدا می کنند، می گوید: «به دنبال توازن و تشویق شرکت پدر و مادر دانش آموز در این جلسات هستیم.» وی می افزاید: «آگاه کردن والدین از جایگاه خود بسیار اهمیت دارد. اتحاد بین اولیا و مربیان و مدرسه، زمینه ساز رفع مشکلات دانش آموزان است و می تواند به آموزش و پرورش در تربیت انسان هایی کارآمد برای جامعه کمک کند.»

پدر خوب از جزئیات زندگی فرزندانش آگاه است از جمله دوستان آنها فعالیت های روزمره و مسائل و مشکلاتی که با آنها مواجه اند

دوم روبه رو می شود؛ همسرش مشغول آشپزی و فرزندانش سرگرم بازی هستند، اما زمانی که سر سفره شام می نشینند، گفت وگویی آنها به گونه ای متفاوت پیش می رود.
پدر می پرسد: «خب ... امروز توی پیش دبستان چه اتفاقی افتاد؟» بچه ها در جواب می گویند: «هیچی ...» از پسرش می پرسد: «امروز هم مسابقه داشتید؟»
- بله.

- در همون پستی که می خواستی بازی کردی؟ دروازه بان بودی؟ - بله.

- آرش مخالفتی نداشت؟
- نه خیلی آرام پذیرفت. دوتا مسابقه دادیم. - چه خوب ... زیاد که گل نخوردی؟

- چرا ... چند تا گل خوردم. عیبی نداره. شاید بهتر باشه بیشتر تمرین کنی. - آره ... فکر کنم همین طوره.
- می خوای بعد شام به کم با هم تمرین کنیم؟
- عالیه!

سپس، از دخترش می پرسد: «تو چی دخترم؟» دختر با لحنی دفاعی پاسخ می دهد: «چی؟»

- روز خوبی داشتی یا نه؟
دختر که معلوم است از موضوعی ناراحت است، می گوید: «بد نبود.» نظر خانم رضایی درمورد کلاس شنای شما چی بود؟ کلاس شنا برگزار نشد ... نسترن مریض بود.

- دوباره تنگی نفس؟
- بله، فکر می کنم بله.

- خیلی بد شد اما لااقل می تونستی اون شعری رو که مربی



با توجه به این تأثیرات است که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «خداوند پدر را به واسطهٔ شدت محبت او نسبت به فرزندش مورد رحمت قرار می‌دهد.»

در روایات آمده است که پیامبر (ص)، حسین (ع) را می‌بوسید. شخصی به نام اقرع بن حابس عرض کرد: «من دارای ده فرزندم و تاکنون هیچ‌یک را نبوسیده‌ام.» پیامبر (ص) رنگ چهره‌اش تغییر کرد و فرمود: آن کس که نسبت به دیگری رحم نداشته باشد خداوند نیز به او رحم نخواهد کرد. سپس افزودند: من چه کنم که رحمت از دل تو کنده شده است. هیچ می‌دانی هر کس به کودکان مهربانی نکند و بزرگ‌ترها را عزیز نشمارد، از ما نیست؟»

همچنین در روایات، نگاه محبت‌آمیز پدر به فرزند، که از راه‌های ابراز محبت است، عبادت محسوب می‌شود و همانند آزاد کردن بنده به شمار می‌آید.

متأسفانه در حال حاضر نقش پدر در تربیت کم‌رنگ شده است. بسیاری از پدران فکر می‌کنند که ارتباط با فرزند امر مهمی نیست و منتظر می‌مانند که کودک بزرگ شود و سپس سعی در برقراری ارتباط با او دارند؛ در حالی که بسیاری از متخصصان می‌گویند که یک پدر مسئول و علاقه‌مند باید اطلاعات خود را بالا ببرد و از همان دوران بارداری مادر شروع به برقراری ارتباط با فرزند کند. هنگامی که پدر از احساسات فرزندانش با خبر است، می‌کوشد در حل مسائل و مشکلات به آن‌ها کمک کند و فرزندان نیز در مدرسه و در ارتباط با دیگران موفق‌ترند.

آیا شما برای فرزندان پدر خوبی هستید؟

متأسفانه در حال حاضر نقش پدر در تربیت کم‌رنگ شده است. بسیاری از پدران فکر می‌کنند که ارتباط با فرزند امر مهمی نیست و منتظر می‌مانند که کودک بزرگ شود

تفاوتی که پدرها ایجاد می‌کنند:

روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که پدر در امر فرزندپروری نقش بسزایی دارد. شواهد نشان داده‌است که آن دسته از پدرانی که به تربیت فرزندانشان رسیدگی می‌کنند، به ویژه آن‌هایی که فرزندانشان را مورد حمایت عاطفی قرار می‌دهند، نقش بسزایی در سلامتی کودک ایفا می‌کنند.

- پدران در زندگی فرزندانشان نقش‌هایی ایفا می‌کنند که مادران از عهدهٔ آن‌ها بر نمی‌آیند؛ تحقیقات نشان می‌دهد پسرانی که از وجود پدر در کنار خود محروم‌اند، میان ابراز وجود و تسلط بر خویشتن توازن برقرار نمی‌کنند و در نتیجه، یادگیری خویشتن‌داری و به تعویق انداختن ارضای نیازها برایشان دشوارتر است. حضور مثبت پدر در موفقیت تحصیلی و شغلی دختران نیز اهمیت دارد. شواهد نشان می‌دهد دخترانی که پدر آن‌ها حضور فعالی در زندگی‌شان دارد، کمتر احتمال دارد که در سنین جوانی دچار بی‌بندوباری جنسی شوند و به احتمال زیاد در بزرگسالی روابط سالمی با مردان خواهند داشت.

دلیل کم‌رنگ شدن نقش پدر:

به سبب فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی از یک سو و تأمین معاش خانواده، از سوی دیگر نقش پدر در تربیت کودک رنگ باخته و تنها نقش اقتصادی پدر در خانه بروز و ظهور دارد. برخی از این پدران بسیاری از وظایف خود را به مادران یا مدارس یا مراکز فرهنگی سپرده‌اند و در رابطه با این وظایف مستعفی به شمار می‌آیند.

- بررسی‌ها نشان داده‌است که بین غیبت پدر و شیوع اختلال‌های رفتاری مانند پرخاشگری، بیش‌فعالی، اضطراب و افسردگی همبستگی وجود دارد.

- حتی در بسیاری از آثار تربیتی نیز تنها بر نقش تربیتی مادران و یا حداکثر نقش والدین تأکید شده‌است و از پرداختن مستقل به نقش پدران کمتر اثری دیده می‌شود.

پدر باید بداند که در امر تربیت، محبت قوی‌ترین عنصر برای پذیرش و تفاهم است.

منابع

۱. نیسی، عبدالکلام؛ نجاریان، بهمن و پورفرجی، سید فرج. (۱۳۸۰). مقایسهٔ عملکرد تحصیلی، سلامت روانی و جسمانی دانش‌آموزان پسر فاقد و واجد پدر با توجه به نقش تعدیل‌کنندهٔ حمایت اجتماعی در پایهٔ اول دبیرستان‌های شهرستان اهواز. مجلهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. دورهٔ سوم، سال هشتم، شماره‌های ۶۷-۶۸.

۲. گانمن، جان. سال انتشار ۱۳۹۷. پرورش هوش هیجانی در کودکان. مترجم: حمیدرضا بلوچ، رشد (جوانه).



بازی، جریان مستمر کشف کودک

با تأکید بر بازی‌های کلامی

بازی را از ابعاد مختلف می‌توان معنا و تفسیر کرد؛ از دیدگاه لغوی و معنای فرهنگ‌نامه‌ای تا به‌عنوان پدیده‌ای روان‌شناختی. حتی می‌توان برای بررسی بیشتر موضوع بازی، وارد عالم سیاست شد و بازی‌های عجیب و غریب آن را نیز به میزان آگاهی و دانش خود تجزیه و تحلیل کرد، اما در این نوشته ترجیح آن است که بازی را در حیطه کارکردهای پرورشی و آموزشی آن ارزیابی کنیم. در این صورت، به دستاوردهای جذابی خواهیم رسید. واژه بازی در فرهنگ فارسی سرگرم شدن به چیزی، تفریح، ورزش و کار معنا شده است.

در فرهنگ وبستر، بازی نوعی حرکت و جنبش و فعالیت آزاد یا تمرین‌هایی برای سرگرمی و تفریح و ورزش معنا شده است. در تعریف ما بازی فعالیتی است که به شکلی خودجوش و نشاط‌انگیز، مطابق با نیازهای رشدی فرد به صورت اختیاری و غیرقابلی و همین‌طور پیش‌بینی‌نشده انجام می‌گیرد.

بازی‌ها دارای پوسته‌هایی چندگانه‌اند؛ از پوسته کالبدی و ساختاری تا پوسته بیرونی و رفتاری. در هر پوسته آن‌ها هم که دقیق شویم، به نکات جالب توجهی می‌رسیم.

درواقع، این بازی‌ها هستند که عناصر معماری فرهنگی را به وجود می‌آورند. کافی است کمی در گونه‌های بازی در کشور خودمان دقیق شویم.

بازی از دیدگاه تاریخی و تحلیلی، زیستن در جهان ناشناخته و ترسناک را برای انسان‌های اولیه قابل تحمل می‌کرده است. امروز هم در امتداد همان کارکرد نخستین، بازی‌ها دنیای ما را به جایی بهتر برای زیستن تبدیل می‌کنند. به بیان اهالی اقتصاد، بازی به زندگی ارزش افزوده می‌بخشد.

بازی بیش از آنچه به نظر می‌رسد، برای ما اهمیت دارد و نقش آموزشی و تربیتی آن انکارناپذیر است.

بازی نخستین کلاس غیررسمی تمرین مهارت‌های زندگی و اجرای عملی شیوه‌های حل مسئله است.

بازی کردن میزان و سطح تحمل درد را در آدمی افزایش می‌دهد. این ویژگی را در نظام پاداش و تنبیه بازی‌های بومی و سنتی ایران به‌خوبی می‌بینیم.

ضرب‌المثل «بازی اشکنک داره، سر شکستنک داره» اشاره روشنی بر همین کارکرد است.

بازی رمز گفت‌وگو و مراودات انسانی میان دارا و ندار را از میان برمی‌دارد. تنها در هنگام بازی است که کودکان دارا و ندار در

یک گروه قرار می‌گیرند و همبازی می‌شوند.

بازی فعالیتی درون‌زا، خودجوش و اختیاری است و ساخت قانون برای هر نوع بازی، کاری به‌شدت خلاقانه و انسانی است. در ادامه همین کار است که ابزارهایی برای سهولت بازی ساخته می‌شوند و این به آن معناست که نخست بازی وجود دارد و سپس اسباب‌بازی، به‌عنوان حلقه انتهایی این فعالیت بشری، به وجود می‌آید.

هنگام بازی کودکان، مشاهده آن‌ها از لحاظ عاطفی، میزان توجه و تمرکز و همچنین رفتار اجتماعی‌شان اهمیت شایان توجهی دارد.

خوشحالی زائدالوصف، بی‌توجهی به اطراف و همچنین بروز رفتارهای هیجانی، اولین مشاهدات ما از بازی کودکان است. نکته جالب توجه در بازی به مفهوم کلی این است که کودکان از همان سال نخست تولدشان با ابزار آشنا می‌شوند. ابزارهایی به سادگی پستانک تا شیشه شیر و دندان‌گیر و جفجه و ... که وجود آن‌ها به تربیت حس کنجکاوی و کشف ویژگی‌های ابزار و سپس ابزارسازی خود فرد منجر می‌شود. بنابراین،



قرن است به همت مربیان خود نسل‌های کشور را تربیت می‌کند. در همین راستا ضرورت دارد که بازآموزی مربیان این نهاد به‌طور دوره‌ای انجام گیرد تا نیازهای بازی کودکان هر نسل با توجه به ضرورت‌های بنیادین و فلسفی آن‌ها برطرف گردد.

بازی‌های کلامی

بازی‌های کلامی و موزون از فرهنگ شفاهی دوران قدیم نشئت گرفته‌اند اما تأثیرات نشاط‌بخش آن‌ها فراوان است. در این گونه بازی‌ها، ابتدا اوستای بازی مجموعه اشعار یا بحر طویل‌هایی را می‌خواند و سپس تمام بازیکنان با تکرار آن اشعار ضمن ایجاد حس یکرنگی و هماهنگی و هم‌صدایی با دیگر بازیکنان، به‌طور ناخودآگاه روی حافظه خود نیز کار می‌کنند.

فضای حاکم بر این گونه بازی‌ها بسیار شاداب و متنوع است. گفتنی است که مجموعه **بازی‌های کلامی**، همگی برگرفته از متن‌های موجود این اشعار

در فرهنگ عامه هستند. تعدادی از آن‌ها که برای بازی‌ها و سرگرمی‌های سالمندی مناسب بوده‌اند، در این مجموعه معرفی می‌شوند.

شیوه بازی این گونه است که بازیکنان به‌صورت حلقه دور هم می‌ایستند. اوستا در کنار آن‌ها یا در وسط دایره می‌ایستد و شعر بازی را می‌خواند. در بعضی از قسمت‌ها، جمع به او پاسخ می‌دهد و رفته‌رفته پاسخ‌های جمع بیشتر و طولانی‌تر می‌شود. گاه برای مفرح‌تر شدن بازی، اوستا از بازیکنان می‌خواهد که هم‌زمان با شعر خواندن، نمایش کارهایی را نیز که در شعر می‌آید، انجام دهند. به این ترتیب، صحنه‌های خنده‌داری ایجاد می‌شود و همه از دیدن چهره خود و دیگران به هنگام نمایش لبخند بر لب می‌آورند.

انواع بازی‌های کلامی این قابلیت را دارند که دو نسل سالمندان و خردسالان را با هم در یک بازی گرد هم آورند و لحظاتی شاد برای هر یک از آن‌ها رقم بزنند.

یک نمونه

* بازی «گری گری»

اهداف

- تقویت حس شنوایی
- تقویت حافظه کوتاه‌مدت و حافظه شنوایی
- تقویت دقت و تمرکز

انسان از همان ابتدای زندگی می‌آموزد که با اسباب‌بازی همدم و همبازی شود. بی‌تردید، همه ما بازی کودکان با شیشه‌های شیرشان را پس از سیر شدن دیده‌ایم.

به همین طریق، به‌سادگی می‌توان دریافت که هر چیز در ذهن بشر می‌تواند اسباب‌بازی تلقی شود؛ ولو آنکه یک شیء واقعی از نوع ماشین باشد.

به ماشین بازی بزرگ‌ترها در خیابان‌ها توجه کنید. چه مشابیه‌ها و تفاوت‌هایی با ماشین بازی کودکان در آن می‌بینید؟ حالا این دایره را بازتر کنید تا ببینید حیطه بازی با اسباب‌بازی‌ها چقدر گسترده می‌شود. خانه‌بازی کودکان می‌شود ساختن خانه و برج، بازی‌های سواد مالی روی صفحه کوچک با خانه‌های نقاشی شده و مهره‌های رنگی و تاس و کارت و... می‌شود خرید املاک و مستغلات و بیمارستان و بانک، و شهر بازی در بزرگسالی تبدیل می‌شود به بازی‌های اقتصادی واقعی، که در آن‌ها آدم‌ها فقط بازی نمی‌کنند بلکه در چالشی عمیق، همبازی‌های دیروز خود را آزار می‌دهند. در تمام این موارد نیز این آدمی است که نیاز خود به بازی را از کودکی تا سالمندی به نمایش می‌گذارد.

یکی از نهادهای فعال در این حوزه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که پس از نهاد آموزش و پرورش، بیش از نیم

انواع بازی‌های کلامی این قابلیت را دارند که دو نسل سالمندان و خردسالان را با هم در یک بازی گرد هم آورند و لحظاتی شاد برای هر یک از آن‌ها رقم بزنند



اوستا: گری گری آی، گری گری / گری
گری آی، گری گری

(رو به نفر دوم) من می‌روم اوستاگری، او
می‌رود رفوگری، تو می‌روی چی چی گری؟

نفر دوم: گری گری آی، گری گری / گری
گری آی، گری گری

تو می‌روی اوستاگری، او می‌رود رفوگری،
من می‌روم به زرگری

همه: گری گری آی، گری گری / گری گری
آی، گری گری

اوستا: گری گری آی، گری گری / گری
گری آی، گری گری

(رو به نفر سوم) من می‌روم اوستاگری،
او می‌رود رفوگری، او می‌رود به زرگری، تو

می‌روی چی چی گری؟
نفر سوم: گری گری آی، گری گری / گری
گری آی، گری گری

تو می‌روی اوستاگری، او می‌رود رفوگری، او
می‌رود به زرگری، من می‌روم به مسگری

همه: گری گری آی، گری گری / گری گری
آی، گری گری

اوستا: گری گری آی، گری گری / گری
گری آی، گری گری

(رو به نفر چهارم) من می‌روم اوستاگری، او
می‌رود رفوگری، او می‌رود به زرگری، او می‌رود

به مسگری، تو می‌روی چی چی گری؟ ...
این بازی به همین روال ادامه پیدا می‌کند.

بازیکنان شغل‌هایی را با پسوند «گری»
انتخاب می‌کنند و باید مشاغل نفرات قبل از

خود را نیز به خاطر داشته باشند.
در خاتمه امیدوارم با همکاری شما مدیران

و مربیان عزیز و دلسوز و همچنین همراهی
والدین گرامی در معرفی بازی‌های کودکانه،

اصیل، بومی و هویت‌بخش این مرز و بوم موفق
شویم.

منابع

- نیوتید، شلی؛ ایسل، باک. (۱۳۹۴). مهارت‌های اساسی برای
مدیران محیط‌های آموزشی کودک‌محور. مترجم: علی ایمانی،
انتشارات مدرسه

- بوسترام، رابرت. (۱۳۹۲). رهیافتی منسجم به پرورش تفکر
خلاق انتقادی. مترجمان: مجید خیام‌دار، محمد آرمند. انتشارات
مدرسه.

- حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۹۲). یادگیری خلاق، کلاس
خلاق، (شیوه‌های عملی در پرورش خلاقیت). انتشارات مدرسه.



- تقویت حفظ ریتم و ضرباهنگ و در نتیجه، تقویت نیروهای
ذهنی.

در سال‌های نه چندان دور بسیاری از مشاغل و حرفه‌های
سنتی رواج داشتند و کوچه و برزن پر از صدای کارکردن
و اشعار عامیانه شیرین کودکانی بود که به تقلید از حرفه
پدرانشان، بازی‌های انتخاب شغل می‌کردند. یکی از این بازی‌ها
«گری گری» بود. در این بازی، پسرچه‌ای که از بقیه سر
زبان‌دارتر بود، «اوستا» می‌شد و به بیانی موزون از بچه‌های
دیگر می‌پرسید که دوست دارند چه کاره شوند و آن‌ها پاسخ
می‌دادند. بازی‌کنندگان علاوه بر اینکه شغل خود را انتخاب
می‌کردند، موظف بودند مشاغل دیگران را نیز حفظ کنند و با
این کار، حافظه خود را هم تقویت می‌کردند. این شعر را اوستا
و شرکت‌کنندگان به این ترتیب می‌خواندند:

اوستا: گری گری آی، گری گری / گری گری آی، گری گری
(رو به نفر اول) من می‌روم اوستاگری، تو می‌روی چی چی
گری؟

نفر اول: گری گری آی، گری گری / گری گری آی، گری
گری

تو می‌روی اوستاگری، من می‌روم رفوگری
همه: گری گری آی، گری گری / گری گری آی، گری گری

بازی‌های
کلامی و
موزون از
فرهنگ
شفاهی
دوران
قدیم نشئت
گرفته‌اند
اما تأثیرات
نشاط‌بخش
آن‌ها فراوان
است



شکل‌گیری عادات و یادگیری در کودکان پیش‌دبستانی

اشاره

شاکلهٔ شخصیت انسان در بزرگسالی، ریشه در رفتارها و انواع عادات‌های مطلوب و نامطلوبی دارد که در دوران کودکی و بعد از آن شکل گرفته‌اند. رفتارها و عادات در طول زندگی کودکان شکل می‌گیرند؛ برای مثال، کودک بانظم متولد نمی‌شود و این یادگیری و عادت است که او را در آینده فردی منظم یا نامنظم نشان می‌دهد. در این مقاله، عوامل تأثیرگذار در چگونگی شکل‌گیری شخصیت و یادگیری عادات مطلوب در چند بخش به‌اختصار بررسی شده‌اند. در بخش اول، به چگونگی یادگیری عادات‌های رفتاری از طریق کسب دانش، در بخش دوم به تأثیرگذاران در یادگیری و ایجاد عادات مطلوب، در بخش بعدی به لزوم داشتن دانش اولیا و مربیان و در بخش آخر به نتیجه‌گیری پرداخته شده است. همان‌طور که شواهد نشان می‌دهند، آموزش کودکان خردسال دانش رفتاری (پند و اندرز) نیست و پند و اندرز به‌خودی‌خود در شکل دادن به رفتار آن‌ها یا تغییر این رفتارها تأثیری چندانی ندارد. آموزش کودکان بسیار زمان‌بر و نیازمند تکرار و تمرین مداوم و مستمر است.

کلیدواژه‌ها: عادات‌های مطلوب، تقلید، ابعاد رشدی، انگیزه، یادگیری، رسانه

یادگیری عادات‌های رفتاری از طریق کسب دانش

شکل‌گیری عادات و یادگیری در کودکان با تقلید، ابعاد رشدی، انگیزه و تقویت صورت می‌گیرد. عادت کاری است که شما آن قدر آن را به دفعات زیاد انجام می‌دهید که آسان می‌شود. درواقع، رفتاری است که شما آن را تکرار می‌کنید. چنانچه در به وجود آمدن یک رفتار جدید اصرار بورزید، سرانجام آن رفتار به‌صورت خودکار در وجود شما تکرار می‌شود. عادات دو نوع‌اند: عادات مطلوب و عادات نامطلوب. عادات‌های مطلوب



که فعالیت‌های دیگر را نیز انجام دهد. پس این انگیزه‌ای می‌شود تا او مفاهیم بیشتری را یاد بگیرد.

• ابعاد رشد

در شکل‌گیری عادت و رفتار جدید، توجه به رشد و مطالعه مجموعه‌ای از تحولات و تغییرات جسمانی و روانی فرد ضروری است. بنابراین، در ایجاد هر رفتاری باید به رشد همه‌جانبه کودک مانند رشد ذهنی، شناختی، و اجتماعی که در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر متقابل دارد، پرداخته شود و به پختگی هر دوره سنی در ابعاد مختلف توجه ویژه شود.

تأثیرگذاران در ایجاد عادت‌های مطلوب

عوامل گوناگونی همچون اولیا، مراکز پیش‌دبستانی و مربیان، رسانه (تلویزیون و تبلیغات) و همسالان در ایجاد عادت‌های مطلوب و نامطلوب تأثیر گذارند.

• خانواده

هیچ بستری از نظر قدرت تأثیرگذاری، با خانواده برابری نمی‌کند. خانواده میان افراد پیوندهایی منحصربه‌فرد برقرار می‌سازد. خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که شرایط یادگیری، و تشکیل رفتارها و عادت‌ها در آن مهیاست. اعضای خانواده می‌توانند فرصت‌های یادگیری فراوانی برای کودک فراهم کنند. شخصیت کودک بیشتر به آنچه از طرق مختلف از خانواده یاد می‌گیرد، بستگی دارد.

• مربیان، همسالان و محیط آموزشی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ایجاد رفتارها و عادات در کودکان، مربیان و مراکز آموزشی (مهدکودک و پیش‌دبستانی) است. مراکز آموزشی محیط‌های اجتماعی جدید برای رشد کودکند و فرصت‌های زیادی برای یادگیری او فراهم می‌سازند. مراکز آموزشی بسیاری از رفتارهایی را که در خانواده یاد گرفته شده‌اند، تقویت یا تعدیل می‌کنند. حتی می‌توان بسیاری از رفتارهای نامطلوب را که احتمالاً در خانواده شکل گرفته‌اند، در این مراکز اصلاح کرد و یا از بین برد. در این

پاداش‌های مثبت به همراه دارند؛ درحالی‌که عادات نامطلوب عواقب منفی به بار می‌آورند. گفتنی است که ایجاد عادت‌های مطلوب و موفقیت‌آمیز به زمان نیاز دارد. تا ۹۰ درصد از رفتار طبیعی ما بر مبنای عادت‌ها استوار است. هنگامی که یک عادت تازه کاملاً جا بیفتد، به رفتار طبیعی جدیدی شکل می‌دهد و حتی تغییرات جزئی، تغییرات شگفت‌انگیزی در رفتار و عملکرد به وجود می‌آورد. این تغییرات در کودکان واضح‌تر است؛ زیرا آن‌ها نسبت به تلقین و تغییر دادن باورها حساس‌ترند.

• تقلید

کودکان خردسال از همان سنین پایین از طریق تقلید، رفتار یا عادت‌ها را فرا می‌گیرند، به‌عنوان مثال الگوبرداری حرکات، (زبان درآوردن کودک چندماهه بعد از چند بار تکرار از طرف مادر و یا صحبت کردن کودک دوساله).

الگوبرداری از رفتارهای بزرگسالان ابزاری قدرتمند برای پشتیبانی از یادگیری کودکان است. علاوه بر این، انسان قادر به تقلید از رفتارهای مشاهده شده فعلی است و می‌تواند بازتولید رفتار را تا مقطع بعدی به تعویق بیندازد؛ زیرا ما قادر به نمایش اشیاء و وقایع در حافظه خود هستیم. به نظر می‌رسد که این توانایی از سنین پایین وجود دارد و به سرعت رشد می‌کند. توانایی انتقال یادگیری یا تعمیم دادن آن از یک وضعیت به وضعیت دیگر نیز جزء فرایندهای شناختی کودکان است.

• یادگیری و تقویت

بر اساس دیدگاه رفتاری، یادگیری تغییری نسبتاً پایدار در رفتار است که در نتیجه تمرین به وجود می‌آید. یکی دیگر از راه‌های کسب دانش برای یادگیری عادت‌های مطلوب، تقویت مثبت است. در تقویت مثبت، هدف الزاماً تکرار رفتار است؛ یعنی اگر پس از تقویت یک رفتار احتمال وقوع آن در شرایط همسان آتی افزایش یابد، تقویت مثبت صورت گرفته است. فرایندی که در آن ارائه تقویت‌کننده مثبت بعد از رفتار به نیرومند شدن آن رفتار منجر می‌گردد. وقتی والدی تصمیم می‌گیرد هر وقت فرزندش سلام کرد با لبخند به او پاسخ دهد، رفتار سلام کردن کودک را تقویت می‌کند و درواقع از تقویت مثبت استفاده می‌کند.

• انگیزه

انگیزه مجموعه شرایطی است که به رفتار نیرو می‌بخشد و به آن جهت می‌دهد. آدمی انگیزش را به‌صورت میل آگاهانه تجربه می‌کند و انگیزش معمولاً رفتار را به‌سوی مشوقی همچون آب، غذا و ... سوق می‌دهد و موجب کسب لذت یا رفع حالتی ناخوشایند می‌گردد.

وقتی کودکی با تلاش یاد می‌گیرد دکمه لباسش را باز کند، نتیجه تلاشش کسب لذت است و این توانایی را پیدا می‌کند

وقتی کودکی با تلاش یاد می‌گیرد دکمه لباسش را باز کند، نتیجه تلاشش کسب لذت است



آشنایی اولیا و مربیان با ابعاد مختلف رشدی برای یادگیری و ایجاد عادات و توجه به بازه زمانی شکل‌گیری رفتار و عادات ضروری است

کارتونی مانند بن‌تن و باربی، پهلوانان، و شکرستان در ایجاد رفتارها و عادات مطلوب و نامطلوب توجه ویژه‌ای شود. تبلیغات رسانه‌ای نیز تأثیرات مثبت و منفی در یادگیری کودکان دارد. رسانه‌ها، به‌ویژه تلویزیون، به‌عنوان یک منبع قدرتمند دیگر در ایجاد رفتارها و عادات مطلوب و نامطلوب در کودکان بسیار مؤثر است.

نقش دانش اولیا و مربیان در ایجاد رفتار مطلوب

اگر زمان شکل‌گیری اساس شخصیت انسان را، آن‌چنان که پژوهش‌ها نشان می‌دهند، همان سال‌های نخست زندگی او یعنی دوران کودکی‌اش بدانیم، هم‌زمان باید در جهت آموزش مهارت‌های اولیه و ضروری به کودک

مراکز علاوه بر مربی، گروه همسالان نقش عمده‌ای در رشد کودک دارند. بنا بر مطالعات انجام شده، خانواده بیشترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت کودکان دارد اما مربیان و همسالان نیز در ایجاد الگوی شخصیتی آنان تأثیرگذارند. کودک به‌زودی درمی‌یابد که در مراکز آموزشی باید روش دیگری را در پیش گیرد که با خانواده متفاوت است. مراکز آموزشی دریچه دنیای جدید و متفاوتی را به روی کودک می‌گشایند و تغییرات عمده‌ای در رفتار او به وجود می‌آورند.

• رسانه‌های جمعی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری رفتارها و عادات مطلوب و نامطلوب، رسانه‌های جمعی و فضای مجازی است. به دلیل گستردگی و تنوع فراوان، در اینجا فقط به معرفی یک نمونه از آن‌ها، یعنی تلویزیون، بسنده می‌کنیم.

کودکان امروز در خانواده‌هایی پا به دنیا می‌گذارند که اعضای آن‌ها روزانه به‌طور متوسط ۷ تا ۸ ساعت را صرف تماشای تلویزیون و حضور در فضای مجازی می‌کنند. تأثیرات رسانه بر کودکان و همچنین رفتار مطلوب و نامطلوب یکی از مباحث پر مناقشه در این زمانه است. دوری از تلویزیون و تماشا نکردن آن برای کودک کار سختی است. فرض کنید در خانه و مراکز آموزش کودکان، بزرگ‌ترها بیشتر اوقات خود را صرف رسانه یا فضای مجازی می‌کنند. در چنین وضعی کودک هم بیشتر راغب به استفاده از رسانه، از جمله تماشای تلویزیون، خواهد بود. تأثیر رسانه‌ها در ابعاد مثبت و منفی، در ایجاد رفتار و عادات انکارناپذیر است. بنابراین، باید به الگوگیری از شخصیت‌های



نظم آشنایی پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

کودکان در دوران رشد حرکاتی انجام می‌دهند و آن‌ها را تکرار می‌کنند. در حقیقت، می‌توان گفت که به آن کارها عادت کرده‌اند. بعضی از مواقع، کودک عملی را از کانال‌های مختلف یاد می‌گیرد و تقلید می‌کند. بعدها این عادت تکرار می‌شود و به صورت رفتار در می‌آید؛ برای مثال، آداب صحیح غذا خوردن. می‌بینیم که وقتی کودک از نظر رشد عقلی آماده است، خواهناخواه از خانواده و محیط پیرامون یاد می‌گیرد.

به‌طور خلاصه، شواهد نشان می‌دهد که آموزش کودکان خردسال به صورت دانش رفتاری (پند و اندرز) به خودی خود در شکل دادن به رفتارها یا تغییر آن‌ها بی‌اثر است. از آنجا که کودکان خردسال به والدین وابسته‌اند، الگوبرداری از آنان به عنوان اهرم تأثیرگذار و الهام‌بخش عادات از شیوه‌های کارآمد است. توجه والدین و مربیان به حمایت از ظرفیت‌های کودک، به ارمغان آوردن رضایت، درک آینده به‌طور خاص، و صحبت کردن در مورد دانش جدید او همه و همه به پیشرفت عملکرد اجرایی کودک در آینده منجر می‌شود. در نهایت، هیچ بستری از نظر قدرت و گستره تأثیر، با خانواده برابری نمی‌کند. خانواده بین افراد پیوندهایی منحصر به فرد برقرار می‌کند و دلبستگی به والدین و خواهران و برادرها معمولاً مادام‌العمر است. بستر خانواده وظیفه الگویی برای روابط در دنیای وسیع‌تر، مانند محیط آموزشی و جامعه، را بر عهده دارد.

منابع

۱. کهن، الفی. (۱۳۹۴). نه تنبیه نه تشویق: چگونه انگیزه‌های درونی را پرورش دهیم. مترجم: اکرم کرمی. انتشارات صابرین.
۲. کول، ونیتا. (۱۳۸۰). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. مترجم: فرخنده مفیدی. تهران: سمت.
۳. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). روان‌شناسی پرورشی. انتشارات آگاه.
۴. احدی، حسن و بنی‌جمالی، شکوه‌السادات. (۱۳۷۹). روان‌شناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی. تهران: شرکت پردیس کودک.
۵. برک، لورای. (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد (جلد اول). مترجم: یحیی سید محمدی. ناشر: ارسباران.
۶. نوایی‌نژاد، شکوه. (۱۳۹۶). رفتارهای بهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجاری‌ها. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۷. کیتفیلد، مک و هانسن، مارک ویکتور. (۱۳۹۰). قدرت تمرکز. مترجم: داود نعمت‌اللهی. نشر معیار علم.
۸. بالسن، ماریس. (۱۳۹۷). والدین آگاه، فرزندان مسئولیت‌پذیر. مترجم: مهدی حاجی اسماعیلی. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۹. فیض، جواد. (۱۳۸۹). رفتار من با کودک من. انتشارات اساطیر.
10. Habit Formation and Learning in Young Children Dr. David Whitebread and Dr. Sue Bingham University of Cambridge.



به نحوی شایسته، منطقی و دور از تحمیل و اجبار گام برداریم.

یکی از عوامل مهم یادگیری و ایجاد رفتار مطلوب، آشنایی اولیا و مربیان با انواع فعالیت‌های یاددهی و یادگیری در قالب شعر، قصه، بازی و ... می‌باشد.

در مقوله دیگر، آشنایی اولیا و مربیان با ابعاد مختلف رشدی برای یادگیری و ایجاد عادات و توجه به بازه زمانی شکل‌گیری رفتار و عادات، ضروری است. برای مثال، آشنایی با ویژگی‌های رشد شناختی کودک ۴ تا ۵ ساله یا ۵ تا ۶ ساله الزامی است. در ادامه، نحوه رفتارها یا عادات خاص مانند مسواک زدن و پس‌انداز کردن آموزش داده می‌شوند تا کودک با شکل صحیح آن‌ها آشنا شود. در آخر نیز با مفاهیم جدیدی مثل رعایت نوبت و

**باید به
الگوگیری از
شخصیت‌های
کارتنی
مانند بن‌تن
و باربی،
پهلوانان، و
شکرستان
در ایجاد
رفتارها
و عادات
مطلوب و
نامطلوب
توجه ویژه‌ای
شود**



ویژگی‌های برنامه و فعالیت‌های پیش دبستان

برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستانی چگونه برنامه‌ای است؟

اشاره

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی، دوران کودکی است؛ دورانی که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. کودکان علاوه بر مراقبت جسمانی، نیازمند توجه به همه ابعاد وجودی شامل رشد اجتماعی، عاطفی، شخصیتی و اخلاقی و ذهنی و هوشی و ... هستند. این ابعاد عوامل تعیین‌کننده و اساسی شخصیت انسان‌اند و از دوران کودکی شکل می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: پیش دبستانی، برنامه آموزشی، شخصیت کودک، نقش والدین و مربیان

آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی است

کودک در هر سنی عضوی از جامعه است و به همه جهان تعلق دارد. کودک یک بزرگسال کوچک نیست اما همچون بزرگسال شخصیتی منحصر به فرد است. او ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ آفریننده فرداست، عاشق زندگی شاد و پرنشاط است؛ کنجکاو و جویای تازگی‌ها و عاشق کشف کردن و دانستن است، خوش‌بین و امیدوار است و در بیان افکار و احساس، صادق و راستگو است. به اعمال بزرگ‌ترها بیشتر از گفته‌های آن‌ها توجه می‌کند و بزرگسالان آینده‌ای هستند که او خودش را در آن می‌نگرد. نقش الگویی والدین و مربیان در این امر حائز اهمیت است. آموزش پیش دبستانی زیربنای اصلی شکل‌گیری شخصیت، هویت، خودپنداره شخصی - تحصیلی و موفقیت‌های بعدی و بخش جدایی‌ناپذیر آموزش دائمی (مادام‌العمر) محسوب می‌شود. آموزش و پرورش از دوره پیش دبستانی به عنوان پل پیونددهنده خانه

و دبستان، همه کودکان این گروه سنی را حمایت می‌نماید. آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی است. فرهنگ‌پذیری و انتقال باورها و ارزش‌های فرهنگی از اوان کودکی آغاز می‌شود. لذا تنظیم برنامه محتوای آموزشی و تربیتی ویژه کودکان بیش از پیش نیازمند دقت و حساسیت است.

یک برنامه درسی دوره پیش دبستان که با توجه به سطح رشد، سن و موقعیت کودکان، طراحی و اجرا می‌شود، باید بتواند به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱ چه مطالبی باید در کلاس آموزش داده شود؟
۲ مهم‌ترین و مؤثرترین راهبردهای آموزش کدام‌اند؟
۳ چگونه باید رفتار کودک را هدایت کرد؟
۴ چگونه می‌توان با والدین کودک ارتباطی اثربخش برقرار کرد؟

برنامه جامع و کامل برای کودکان:

۱ برنامه‌ای است که در طراحی و اجرای آن به همه ابعاد وجودی کودک به صورت متناسب و از نظر حسی، ذهنی، عاطفی اجتماعی و خلاقیت و زیبایی‌شناختی توجه شده و متناسب با سطح توانایی‌های کودک باشد.

۲ اساساً به جای تأکید بر محتوا، فعالیت‌محور است؛ یعنی در آن، قصه، شعر، کاردستی، نقاشی، مشاهده، بحث و گفت‌وگو، گردش علمی، اجرای آزمایش و نمایش خلاق فعالیت‌های



آموزش
پیش‌دبستانی
زیربنای اصلی
شکل‌گیری
شخصیت
هویت،
خودپنداره
شخصی-
تحصیلی و
موفقیت‌های
بعدی و بخش
جدایی‌ناپذیر
آموزش دانه‌می
(مادام‌العمر)
محسوب می‌شود

موجود در محیط بهره می‌برد.

به نقش والدین در آموزش و تربیت کودکان توجه دارد و بین خانه و کلاس پیش‌دبستانی در جهت دستیابی به اهداف ارتباط برقرار می‌نماید.

به افزایش مهارت‌های ارتباطی، توانش زبانی و آموزش زبان فارسی (زبان معیار) در کنار زبان مادری، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت توجه دارد.

به رویکرد تربیتی و انس محور در برنامه و فعالیت‌های قرآنی و دینی به‌جای آموزش مستقیم یا تأکید بر محفوظات توجه دارد.

استفاده از کتاب و فعالیت‌های قلم و کاغذی را به حداقل می‌رساند، بر روش‌های فعال یاددهی - یادگیری تأکید می‌نماید و از به کارگیری روش‌های آموزش انتزاعی و حافظه‌مدار خودداری می‌کند. فعالیت‌های قلم و کاغذی را یکی از ابزارهای یادگیری می‌داند. به اصل شادی، بازی و لذت‌بخش بودن فعالیت‌ها در دوره پیش‌دبستانی تأکید دارد.

از اتفاقات ساده و فرصت‌هایی که در کلاس و زندگی واقعی ایجاد می‌شود به‌عنوان موقعیت یادگیری بهره‌گیری می‌کند.

بر آموزش خواندن و نوشتن و انباشتن اطلاعات در دوره پیش‌دبستانی بدون توجه به شرایط سنی و توان کودک، که تعجیل در آموزش محسوب می‌شود، اصرار ندارد و مانع رغبت کودک به ادامه آموزش‌ها در پیش‌دبستانی و دبستان نمی‌شود.

به کودکان محروم و نیازمند برای دستیابی به عدالت آموزشی کمک می‌کند.

محیط مناسب را به‌عنوان محرک برای رشد هوشی، کلامی، اجتماعی، عاطفی و جسمی کودک فراهم می‌آورد و به فضا و تجهیزات مناسب برای بازی، بروز خلاقیت، کاوشگری و تحرک و نشاط کودکان با تأکید بر استفاده از امکانات موجود، ساده و در دسترس در محیط زندگی کودک و طبیعت پیرامون توجه دارد.

منبع

۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۹۵). راهنمای برنامه آموزش و پرورش پیش‌دبستان. تهران: انتشارات برهان

آموزشی را تشکیل می‌دهد.

درهم‌تنیده است؛ یعنی به‌جای آموزش مستقیم و موضوع محور، رشته‌های علمی مانند ریاضی، علوم، زبان‌آموزی و ... در آن جدا از یکدیگرند، اساس کار بر فعالیت فراگیرندگان متمرکز است و آن‌ها از این طریق، اطلاعات موردنیاز رشته‌های مختلف را کسب می‌نمایند.

به کودک در حال رشد، فرصت می‌دهد تا سیر طبیعی رشد خود را طی کند. براساس پختگی کودک، فرصت‌های یادگیری ایجاد می‌کند و آموزش‌های لازم را ارائه می‌نماید و مانع تسریع آموزش و یادگیری می‌شود.

پرورش را بر آموزش مقدم می‌داند. به توجه به سطح رشد، سن و موقعیت کودکان، طراحی و اجرا می‌شود.

زمینه‌هایی برای مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن ایجاد می‌کند (پیش‌نیازهای خواندن و نوشتن).

بر تدارک تجارب دست اول برای کودکان تأکید دارد. بر طراحی از قبل و جدول‌بندی و نظم در برنامه‌ها تکیه دارد و نسبت به نیازهای کودکان با توجه به موقعیت‌های مکانی (اقلیمی و بومی) انعطاف‌پذیر است.

در کودکان نسبت به خود و ارتباط با دیگران، یادگیری و محیط یادگیری نگرش مثبت ایجاد می‌کند تا آن‌ها به خود مدیریتی و خودکارآمدی برسند.

به فرهنگ بومی - محلی توجه ویژه دارد و از فرصت‌های

ناهمسازی کودک محوری و واحد کارها

سند پیش دبستان زیر ذره بین
فلسفه تعلیم و تربیت

اشاره

«مطلبی را که در ادامه ملاحظه خواهید کرد، تلخیصی از پایان نامه کارشناسی ارشد خواهر محترم رضوان اسامی در رشته علوم تربیتی است. این پایان نامه درباره نقد راهنمای برنامه دوره پیش دبستان (مصوب ۱۳۸۷ شورای عالی آموزش و پرورش) و با عنوان فوق می باشد. اگرچه همه ابعاد نقد ایشان مورد تأیید کارشناسان نیست، لیکن گروه پیش دبستانی و هیئت تحریریه به منظور گشایش فضای تفکر و نقد، از درج این دیدگاه در فصلنامه پیش دبستان استقبال کردیم. از صاحب نظران و دانشجویان ارجمند انتظار داریم با تداوم این گونه نقدها به ارتقاء برنامه و فعالیت ها در دوره پیش دبستان کمک نمایند.»

سند «راهنمای برنامه و فعالیت های آموزش و پرورش دوره پیش دبستان» که از سال ۱۳۸۷ تدوین شده، در حال حاضر در انتظار بازنگری است. در همین راستا، در متن حاضر تلاش بر این است که انگاره های موجود در سند از منظری فلسفی به بوته نقد سپرده شود. یکی از منظرهایی که از آن می توان به سند مذکور نگریست، انگاره های کودک پویشیده در آن است. انگاره نوعی استعاره است که درک مفاهیم دوران کودکی را آسان می سازد؛ برای مثال، دو انگاره «کودک شرور» و «کودک معصوم» از گذشته تا امروز وجود داشته اند. این دو انگاره را می توان در قالب یک دوگانه تبیین کرد. در حالی که انگاره کودک شرور، با الهام از آغشتگی کودک با شر ذاتی و آلودگی وی به گناه اولیه که ایده مطرح در دنیای مسیحیت است، بر شدت عمل در تربیت و مهار این شیطان بالقوه تأکید می ورزد، انگاره



عکس: غلامرضا بهرامی

می توان از رویکردهای بومی، دینی و الگوهای جهانی به نحوی روشمند استفاده کرد که به تقاطع و تناقض منجر نشود

کودک معصوم بر ذات پاک کودک و آلوده شدن وی توسط ساختارهای اجتماعی و مربیان اصرار دارد. مهم ترین انگاره های کودک پویشیده از سند، از یک طرف بر انگاره های مطرح در رویکرد کودک محوری استوارند و انگاره های چون «کودک ارگانیسم»، «کودک خواهان» و «کودک سرور» را در بر می گیرند و از سوی دیگر، به انگاره های زیرساز تفکر مکانیستی و رفتارگرا در تربیت تعلق دارند و انگاره هایی چون «کودک ماشین» و «کودک در چارچوب» را شامل می شوند.

کودک ارگانیسم و مربی تسهیل گر

پرتکرارترین انگاره در سند، انگاره «کودک ارگانیسم» است. این انگاره، کودک را همچون ارگانیسمی در حال رشد تصور

می‌کند. بر این اساس، موجود زنده برای حفظ بقای خویش تلاش می‌کند و انگیزه‌ها در فرد بیشتر درونی‌اند تا بیرونی. فرد در جریان زندگی، مسیر نقشه‌زیستی از پیش معین شده خود را طی می‌کند و در این راه حق انتخاب چندانی ندارد. از دیگر مؤلفه‌های این انگاره، ترسیم مربی به‌عنوان تسهیل‌گر است.

در نقد^۲ این انگاره می‌توان بر جایگاه بی‌مقداری که برای اراده انسان در نظر می‌گیرد، خرده گرفت. اگر تکوین اراده در کودک را به رسمیت نشناسیم و وی را به‌صورت ارگانیسمی در حال رشد در نظر بگیریم، نمی‌توانیم به روش‌ها و رویکردهایی ناظر بر تقویت اراده بپردازیم و وی را برای مواجهه اخلاقی - عقلانی با خویشتن خویش آماده سازیم. در بسیاری مواضع، لازم است کودک حال و نوجوان آینده بتواند در مقابل امیال و خواسته‌های خود مقاومت کند، در بوته‌های سخت آزمون، از پس خویش برآید و به تدبیر امیالش^۳ بپردازد. این دیدگاه می‌تواند با کم‌توجهی به اراده، فرصت تربیت این نیروی ذی‌قیمت در کودک را از مربی بستاند و کودک را به نوجوان و بزرگسالی تابع میل تبدیل کند.

همچنین در انگاره کودک ارگانیسم، مربی در نقش تسهیل‌گر است. در تسهیل‌گری، مربی فردی هم‌تراز با سایر اعضای کلاس است و تنها به بسط تجارب کودکان می‌پردازد. در مقابل، می‌توان گفت مربی به دلیل برخورداری از دانش و سرمایه اجتماعی در جایگاهی فراتر از کودک قرار دارد و با وجود برخورداری کودک از عاملیت و انتخابگری در مواجهه با او، همچنان نمی‌توان این رابطه را هم‌تراز تصویر کرد.^۴ براساس تعامل ناهم‌تراز، مربی باید مرتباً را آماده سازد تا به‌تدریج بتواند پالایندۀ ضعف‌های سرمایه اجتماعی و ناقد دانشی باشد که کسب کرده است.

کودک‌خواهان

انگاره «کودک‌خواهان» نیز انگاره دیگری است که در سند بروز فراوانی دارد. سند روش خود را کودک‌محور معرفی می‌کند و در تدوین اهداف و بخش‌های گوناگون بر توجه به علائق کودک و تلاش برای جذب او به فعالیت‌ها تأکید دارد. از این‌رو، مربیان از ارائه آموزش‌های حافظه‌محور منع می‌شوند. باید در نظر داشت که خواست کودک می‌تواند نقطه آغاز تربیت باشد اما به‌طور قطع نباید نقطه‌نهایی آن در نظر گرفته شود. در نظر داشتن تعامل ناهم‌تراز میان مربی و کودک، باعث آن می‌شود که مربی ضمن به رسمیت شناختن خواسته‌ها و علائق کودک، خود را مجری تام این خواسته‌ها نداند و به‌تدریج به تسویه خواسته‌های سازنده از خواسته‌های ویرانگر بپردازد و به کودک در انتخاب میان خواسته‌ها کمک کند.

انگاره کودک‌خواهان انگاره‌ای پرتکرار در سند است. این غلبه در سند تا جایی پیش می‌رود که حدیث سبع سنین^۵ و برداشت از مفهوم «کودک سرور» را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سند، از این حدیث این‌گونه برداشت می‌شود که «همه برخورداری

تربیتی با کودک باید با توجه به نیازها و علائق او باشد». در تفسیر این حدیث می‌توان هفت سال نخست زندگی انسان را دوره فعالیت و بازی برای وی دانست و تکلیف‌پذیری جدی را به دوره‌های بعد موکول کرد. در عین حال، باید توجه داشت که این حدیث جنبه تجویزی ندارد بلکه توصیفی است. بنابراین، نمی‌توان از این حدیث این‌گونه برداشت کرد که باید کودک را خواهان پنداشت و او را در همین مرحله نگاه داشت بلکه حدیث جنبه توصیفی دارد؛ به این معنا که مربیان و والدین باید به ویژگی غلبه تمایلات در دوران کودکی توجه داشته باشند.

در سوی دیگر ماجرا، معدودی از عبارات سند، کودک را همچون ماشین، قابل برنامه‌ریزی ترسیم می‌کنند. انگاره «کودک ماشین» با رویکردهای رفتارگرا در روان‌شناسی قرابت دارد. در این انگاره، رفتار کودک اغلب تحت تأثیر محیط شکل می‌گیرد و نقش انگیزه‌های درونی فرد در تغییر رفتار کم‌رنگ است. در این انگاره، مربی به منزله مهندس رفتار است.

این انگاره در تناقض با انگاره کودک ارگانیسم و کودک خواهان است. از نمودهای صریح این انگاره در متن سند می‌توان به «ایجاد رفتارهای مطلوب»، «نظم‌پذیری در کارها» و «عادت به راست‌گویی» اشاره کرد. اگرچه این‌گونه عبارات در سند کمتر دیده می‌شود، این انگاره با اهدافی عینی و جزئی همچون آشنایی با آداب خوردن و آشامیدن و حفظ کردن سرود ملی و احترام به آن تقویت می‌گردد.

مسئله مهم در سند نوعی ناهمسازی^۶ میان این دو انگاره است. در حالی که مؤلفه‌های مرتبط با انگاره کودک ارگانیسم و کودک خواهان در سند به‌صورت مبهم مطرح می‌شوند و برای مثال در اهداف برای توضیح آن‌ها تنها به عبارت «ایجاد علاقه» بسنده می‌شود، عبارت‌هایی که حاکی از انگاره کودک ماشین هستند، مانند مثال‌هایی که بیان شد، روشن و مشخص‌اند. از این‌رو، در تقابل کودک‌محوری و انگاره مکانیستی از کودک، انگاره دوم می‌تواند در عمل مربیان غالب شود. یکی دیگر از انگاره‌ها در سند، «کودک در

آموزش
پیش‌دستانی
زیربنای اصلی
شکل‌گیری
شخصیت
هویت،
خودپنداره
شخصی-
تحصیلی و
موفقیت‌های
بعدی و بخش
جدایی‌ناپذیر
آموزش دانی
(مادام‌العمر)
محسوب می‌شود



چارچوب» است. بخش مهمی از این چارچوب را چارچوب دینی به خود اختصاص داده است. از این رو، می توان این گونه برداشت کرد که انگاره کودک در چارچوب دینی در سند به طور جدی مطرح است. این انگاره در قالب عباراتی مبهم و برنامه انس با قرآن در سند نمودار می شود. در این انگاره، انگاره های کودک محورانه و لوازم آن، چون خواست و علائق کودکان، به فراموشی سپرده می شود و نتایج عینی ملموسی چون حفظ سوره های کوچک و نظایر آن مد نظر قرار می گیرد.

در مجموع، مهم ترین نقدها به سند از چند صدایی ناشی می شود. از دیگر عوامل ناسازواری در سند، متناسب نبودن رویکرد به کودکی و نحوه فعالیت های پیش بینی شده است؛ برای مثال، در بخش رویکرد و قسمت هایی نظیر آن از کودک محوری، آزادی، توجه به علائق کودکان، و فعالیت داوطلبانه سخن به میان می آید اما این تصویر از کودکی در عمل نقض می گردد و برنامه کاری با ساعات مشخص و محدود و روش واحد کار توصیه می شود.

این تناقض ها می تواند ناشی از فقدان فلسفه صریح و روشن نبودن روش های به کار گرفته شده در طراحی اهداف، روش ها و ... باشد. بر این اساس، برای تدوین اسنادی منسجم تر، نخست باید فلسفه تربیت مدنظر تدوین گردد و سپس با روشی متناسب، حرکت به سمت برنامه و روش تربیتی آغاز شود. در این زمینه نباید از ظرفیت های موجود در کشور غافل شد؛ می توان از رویکردهای بومی، دینی و الگوهای جهانی به نحوی روشمند استفاده کرد که به التقاط و تناقض منجر نشود.

از سوی دیگر، مشخص نبودن فلسفه تربیتی و نداشتن دیدگاه روشنی از کودکی ملهم از متون دینی، سند را به نوعی وادادگی در مقابل انگاره های کودک محور و پذیرش صرف آن ها پیش رانده است؛ امری که می تواند پیامدهای جبران ناپذیری داشته باشد.

پی نوشت ها

۱. این متن برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رضوان اسامی با عنوان «تبیین و نقد فلسفه تربیت کودک در سند برنامه پیش دبستانی ایران» است که با راهنمایی دکتر ترگس سجادیه و مشاوره دکتر ابراهیم طلایی در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۶ در دانشگاه تهران، مورد دفاع قرار گرفت.
۲. نقد به انگاره ها در سند از دو منظر درونی و بیرونی صورت گرفته است. در نقد درونی، عدم انسجام و ناسازواری های متن سند بیان شد و در نقد بیرونی انگاره ها با توجه به «رویکرد اسلامی عمل» به نقد گذاشته شد. رویکرد اسلامی عمل از سال ۱۳۷۴ با تلاش های علمی دکتر باقری، از استادان رشته فلسفه تعلیم و تربیت، شکل گرفت. این رویکرد در انسان شناسی مهم ترین عامل را عمل آدمی می داند. البته هر فعلی که از فرد سر می زند، زیرمجموعه عمل به شمار نمی آید؛ عمل، فعلی اختیاری است که از سه منبع باور، اراده و امیال سرچشمه می گیرد.
۳. «افزایش قابلیت انتخاب و دستورزی با امیال درونی» از اهداف دوران کودکی در رویکرد اسلامی عمل است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: سجادیه، ترگس؛ مدنی فر، محمدرضا؛ باقری، خسرو (۱۳۹۴). اهداف واسطی «تربیت» در دوران کودکی براساس رویکرد اسلامی عمل. دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، ۱۰ (۲۱)، ۶۵-۳۹.
۴. در رویکرد اسلامی عمل، رابطه کودک و مربی به صورت تعامل ناهم تراز ترسیم می شود. ر. ک: باقری، خسرو (۱۳۹۲). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران. (چاپ دوم). تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
۵. «لَوْلَا سَيِّدُ سَبْعِ سَنِينَ وَ غَبَذَ سَبْعِ سَنِينَ وَ وَزَّيَّرَ سَبْعِ سَنِينَ». (کتاب مکارم الاخلاق، طبرسی، چاپ ششم، صفحه ۲۲۲)
۶. تناقض و ناسازی

یکی از
منظره های
که از آن
می توان به
سند مذکور
نگریست
انگاره های
کودکی مستتر
در آن است

منابع

۱. استیرنس، پیتر (۱۳۸۸). دوران کودکی در تاریخ جهان (سارا ایمانیان، مترجم). تهران: انتشارات اختران.
۲. باقری، خسرو (۱۳۹۲). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران. (چاپ دوم). تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)
۳. باقری، خسرو (۱۳۹۵). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (ج: ۱ و ۲). (چاپ سوم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. پسندیده، عباس (۱۳۹۵). روایات «سبع سنین» در فرزندپروری، گونه ها و تحلیل درونی آن ها. علوم حدیث، ۲۱ (۸۱)، ۳-۲۴.
۵. سجادیه، ترگس؛ مدنی فر، محمدرضا؛ باقری، خسرو (۱۳۹۴). اهداف واسطی «تربیت» در دوران کودکی براساس رویکرد اسلامی عمل. دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، ۱۰ (۲۱)، ۶۵-۳۹.
۶. گروه پیش دبستانی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۹۶). راهنمای برنامه و فعالیت های آموزشی و پرورشی «دوره پیش دبستانی». (چاپ دوازدهم). تهران: انتشارات مدرسه.
7. Sorin, Reesa (2005). Changing images of childhood: Reconceptualising early childhood practice. International Journal of Transitions in Childhood, 1, 12-21.



۴. کودکان و دانش‌آموزان دارای مشکلات ویژه یادگیری (مانند کودکان مرزی از نظر هوش‌بهره)؛
۵. کودکان و دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری و هیجانی (مانند مبتلایان به اوتیسم و بیش‌فعالان)؛
۶. کودکان و دانش‌آموزان دارای مشکلات جسمی و حرکتی (از جمله کودکان فلج)؛
۷. کودکان و دانش‌آموزان دارای مشکلات با معلولیت چندگانه (چند معلولیتی).

لازم به یادآوری است که همه ساله قبل از شروع سال تحصیلی، ستادی متشکل از آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی در استان‌ها و مناطق آموزشی تشکیل می‌شود و از کودکان ۶ ساله آزمون‌های حضوری مختلف در زمینه‌های هوشی، جسمی و حرکتی به عمل می‌آورد. کودکانی که از جهات جسمی و هوشی نسبت به نرم کودکان عادی ضریب کمتری دارند، به مدارس استثنایی معرفی می‌شوند و آنان که در حد کودکان مرزی هستند، به مدارس ویژه و به نسبت ضریب هوشی به مدارس عادی یا استثنایی اعزام می‌گردند. بدیهی است شیوه‌ها و مواد آموزشی و پرورشی کودکان پیش‌دبستانی با نیازهای ویژه، با کودکان عادی متفاوت‌اند و از استاندارد خاص خود پیروی می‌کنند که امید است در شماره‌های بعدی مجله به برخی از آن‌ها اشاره شود.

منبع

- پایگاه جامع اطلاع‌رسانی آموزش و پرورش استثنایی کشور www.csdeo.ir



عکس: اعظم لاریجانی

فرشته‌های زمینی

اشاره

از آنجا که کودکان دارای نیازهای ویژه (استثنایی) معمولاً قبل از ورود به دوره دبستان، پیش‌دبستانی را نیز می‌گذرانند، بر آن شدیم که به برخی از دانستنی‌ها در مورد این دسته از نوآموزان اشاره کنیم و مربیان و اولیای محترم را آگاه سازیم.

خدا چون ز حکمت ببندد دری
ز رحمت گشاید در دیگری

کلیدواژه‌ها: کودکان با نیازهای ویژه، پیش‌دبستان، عواطف انسانی، استثنایی، معلولیت، کودکان مرزی

صرف‌نظر از علل بروز بیماری‌هایی که منجر به ناتوانی یا کم‌توانی جسمی و روحی کودکان و نواقص آشکار و پنهان در آن‌ها می‌شود (از قبیل بیماری‌های مادرزادی و ژنتیکی و حوادث و رخداد‌های دوران بارداری مادران) همه جوامع شاهد این واقعیت ناگوار و وجود کودکان دارای نیاز ویژه‌اند.

بدیهی است بروز این اشکالات منطبق با قواعد و قوانین تکوینی خلقت است. در عین حال، نمی‌توان از نعمات پنهان و غیرمستقیم این ماجرا غافل بود؛ از جمله پیشرفت‌های قابل‌توجه آموزشی، پرورشی و فناوری‌های پزشکی در اثر پژوهش‌های عملی و تجربی نسبت به آنان، همچنین پرورش و هدایت عواطف انسانی برای شکرگزاری از نعمت سلامتی و مراقبت از آن.

از سال‌های دور، دولت‌ها و نیز خیرین برای رسیدگی به امور آموزشی و تربیتی و بسط عدالت آموزشی برای این گروه از کودکان اقدام به تأسیس مراکز و مدارس نموده‌اند و در طول زمان نیز تشکیلات و سازمان‌های ویژه‌ای برای رسیدگی به این مدارس خاص و نظارت بر آن‌ها توسعه یافته‌اند.

در سال ۱۳۷۰ خورشیدی، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور به‌عنوان معاونت وزارت آموزش و پرورش تأسیس گردید. سازمان مزبور در حال حاضر بیش از یک هزار مدرسه استثنایی را در استان‌های کشور اداره می‌کند و آن‌ها را به هفت گروه (دسته) به شرح زیر تقسیم کرده است:

۱. دانش‌آموزان با نیازهای ویژه ذهنی (کم‌توان ذهنی)؛
۲. کودکان و دانش‌آموزان آسیب‌دیده شنوایی (کر و لال)؛
۳. کودکان و دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی (کم‌بینا و نابینا)؛



عکس: اعظم لاریجانی

هویت چیست؟

نظریهٔ هویت اجتماعی، به‌طور ریشه‌ای در نیمهٔ دوم دههٔ ۱۹۷۰ توسط هنری تاج فل و همکارانش در دانشگاه بریستول توسعه یافت. در این نظریه، فرضیهٔ اساسی این است که جامعه به‌صورت سلسله‌مراتبی شکل گرفته است و در آن گروه‌های اجتماعی متفاوت در روابط قدرت و پایگاه‌های مختلف باهم تعامل دارند. همچنین مانوئل کاستلز، جامعه‌شناس اسپانیایی اسپانیایی و نویسندهٔ کتاب «سه‌گام مهم عصر اطلاعات»، بر این باور است که هویت سرچشمهٔ معنی و تجربه برای مردم است (تاج‌زاده، ۱۳۹۷). برداشت کاستلز از اصطلاح هویت عبارت است از فرایند معنی‌سازی براساس یک ویژگی فرهنگی و یا مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از ارزش‌های فرهنگی.

هویت چگونه شکل می‌گیرد؟

هویت ممکن است به‌طور غیرمستقیم از والدین، همسالان و یا سایر الگوها به فرد منتقل شود. کودکان برای تعریف خود به سراغ پدر و مادرشان و ویژگی‌های آن‌ها نسبت به خودشان می‌روند. اگر والدین آن‌ها را بی‌ارزش بدانند، آن‌ها نیز خود را بی‌ارزش می‌دانند، که البته این نکته در هویت‌یابی کودک بسیار مهم است. افرادی که خود را دوست‌داشتنی می‌بینند، اظهارات مثبت بیشتری را از جانب دیگران به یاد می‌آورند. روان‌شناسان معتقدند که شکل‌گیری هویت یا مسئلهٔ «پیدا کردن خود» از طریق تطبیق استعدادها و توانایی‌های خود با نقش‌های اجتماعی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، تعریف فرد در جامعه یکی از انتخاب‌های دشواری است که او باید در طول زندگی‌اش انجام دهد. اغلب نوجوانان در مواجهه با چالش «پیدا کردن خود» هویت‌های منفی مثل اعتیاد به مواد مخدر، قمار، و دلالتی را انتخاب می‌کنند تا احساس وجود کنند یا از بی‌معنایی

زین دو هزاران «من» و «ما» «من کیستم؟!»

آسیب‌شناسی
شکل‌گیری هویت کودکان
در پیش‌دبستان

اشاره

بدون تردید، بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، هویت آن جامعه است. هویت شناسنامه و اعتبار یک ملت است. نظام آموزش و پرورش در هر کشوری یکی از مهم‌ترین ارکان سازندهٔ فرهنگ و هویت جامعه است؛ لذا تقویت فرهنگ و هویت ملی نیازمند تقویت نظام آموزش و پرورش و تحول آن است. در این راستا، هویت نوآموزان پیش‌دبستانی به‌عنوان اولین مرحلهٔ ورود به جامعه، جایگاه ویژه‌ای دارد و شک نیست که دورهٔ پیش‌دبستان از تمامی دوره‌ها، حتی ابتدایی، نیز مهم‌تر است و باید موردتوجه خاص قرار گیرد. تأثیر این دوره در تمامی سال‌های عمر مشهود است. اکثر دانشمندان بزرگ ایران و جهان بر این باورند که نظام آموزشی برای هویت‌یابی و تکوین شخصیت فرزندان جامعه کفایت ندارد و لزوماً باید متحول شود. بخش عمده‌ای از آسیب‌های هویت‌یابی کودکان، از رهگذر نظام آموزشی است. تأثیر فوق‌العادهٔ اولین واحد آموزشی، یعنی خانواده، در هویت‌یابی شخصیت کودکان قابل وصف نیست. فضای مجازی نیز در شکل‌گیری شخصیت و هویت‌یابی نسل‌ها فوق‌العاده مؤثر است اما اطلاعات آلوده و نارسایی‌های تربیتی و ضعف‌ها و نقص‌های متعدد در روش تدریس، محتوای آموزشی، برنامهٔ درسی و عموم آموزه‌ها، آسیب‌های قابل‌توجهی به هویت‌یابی دانش‌آموزان وارد می‌کند و هویت فطری و سالم آن‌ها را به بیراهه می‌کشد.

کلیدواژه‌ها: هویت، کودک، پیش‌دبستان

احساس
هویت شخصی
در کودکان
به‌تدریج بر پایهٔ
هم‌اندسازی‌های
گوناگون دوران
کودکی تکوین
می‌یابد



و افسردگی بگیریزند. اصولاً انسان علاقه‌مند است که در جامعه اعلام موجودیت کند و اگر نتواند با اوصاف مثبت مطرح شود، سعی خواهد کرد با ویژگی‌های منفی ابراز وجود نماید (ملایری، ۱۳۹۷). احساس هویت شخصی در کودکان به تدریج بر پایه همانندسازی‌های گوناگون دوران کودکی تکوین می‌یابد. ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی کودکان خردسال تا حدود زیادی همان‌هایی است که والدین آن‌ها نیز دارند. اصولاً احساس عزت نفس در کودکان از نگرش والدینشان نسبت به آن‌ها نشئت می‌گیرد. کودکان با ورود به دنیای وسیع‌تر دبیرستان، به صورت فزاینده‌ای به ارزش‌های گروه همسالان خود و همچنین ارزش‌های معلمان و سایر بزرگسالان بیشتر ارج می‌نهند. نوجوانان از راه جمع‌بندی این ارزش‌ها و ارزش‌هایی که می‌کوشند تصویری یکپارچه از خود به دست آورند. هر چه ارزش‌های مورد قبول والدین، معلمان و همسالان همخوانی بیشتری با هم داشته باشند، به همان نسبت کار هویت‌یابی نوجوان آسان‌تر پیش می‌رود (هیلگارد، ۱۳۹۷).

دوره پیش‌دبستانی پایه هویت‌بخشی

پیش‌دبستانی مهم‌ترین مرحله تربیتی است که می‌توان از طریق سرمایه‌گذاری روی آن، آینده کشور را ساخت. در مراحل رشد، هفت سال اول عمر انسان دارای ظرفیت بسیار بالایی برای یادگیری است. به خصوص حافظه، بیشترین قابلیت خود را در این مرحله از رشد دارد. بزرگانی چون استاد محمدتقی جعفری که سرآمد دانشمندان معاصر بودند و در فلسفه و علوم دینی کمتر کسی به اندازه ایشان اشراف داشت، پایه و اساس دانش وی از کودکی فراهم آمده بود. همچنین، وجود اطفالی که در زمان ما حافظ کل قرآن شده‌اند، دال بر این ادعاست.

قرن ما قرن انفجار و آلودگی اطلاعات است؛ مثلاً از گوشی همراه، همگان استفاده می‌کنند و این ابزار، اسباب‌بازی کودکان شده است. در مدارس، میهمانی‌ها و سایر اماکن از طریق این ابزار، به واسطه شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات و آموزه‌های نامطلوبی میان کودکان مبادله می‌شود که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به چگونه زیستن و شخصیت کودکان و هویت‌یابی آن‌ها می‌زند. از این گذشته، علم، بهداشت و سلامت مردم باکمال تأسف به صورت «غذای فوری» مورد معامله قرار می‌گیرد. دانش معاصر به صورت اقیانوسی وسیع به عمق یک‌بند انگشت، نسل‌ها را تهدید می‌کند و انحطاط علمی و سقوط ارزش‌های متعالی انسانی را در بردارد. کودکان ما در معرض این خطر بزرگ قرار دارند و این رفتاری در سطح بین‌المللی مشاهده می‌شود. آلودگی اطلاعات و هيجانی که در انفجار اطلاعات وجود دارد، جوانان، نوجوانان و به‌ویژه کودکان ما را تحت تأثیر عوارض خود قرار داده است. از جمله مشکلات نظام آموزشی آن است که برای مواجهه با این مشکل بزرگ، برنامه‌های مؤثری به کار گرفته نمی‌شود. آموزه‌ها و آموزش‌های ما به گونه‌ای نیستند که نسل حاضر و نسل آینده را از خطر بی‌هویتی مصون بدارند و از سطحی‌نگری نجات دهند؛ درحالی که سطحی‌نگری آسیبی است که انسان را از درک عمیق مفاهیم و عمق واقعیات محروم می‌سازد و به قول جاحظ، «مانع رسیدن انسان به واقعیت است» رفیعی، بهروز (۱۳۹۱) و این آسیب کوچکی نیست که سد راه رشد نوباوگان ما و نسل‌های آینده می‌شود.

دانش معاصر
به صورت
اقیانوسی وسیع
به عمق یک‌بند
انگشت، نسل‌ها
را تهدید می‌کند
و انحطاط علمی و
سقوط ارزش‌های
متعالی انسانی
را در بردارد.
کودکان مادر
معرض این
خطر بزرگ قرار
دارند و این
رفتاری در
سطح بین‌المللی
مشاهده می‌شود

منابع

۱. اریکسون، اریک ایچ. (۱۳۹۶). مقدمات روان‌شناسی اریکسون. ترجمان: سهیلا خداوردیان و سعید حسن‌زاده. انتشارات پندار تابان.
۲. تاج‌زاده، نوید. (۱۳۹۷). هویت چیست و چگونه شکل می‌گیرد. سایت تحلیلی خبری هویدا.
۳. ملایری، مرضیه. (آذرماه ۱۳۹۷). هویت چیست. مجله اینترنتی دلگرم: www.delgarm.com.
۴. هیلگارد، ارنست. (۱۳۸۵). زمینه روان‌شناسی. مترجم: محمدتقی براهنی. انتشارات جوانه رشد.
۵. رفیعی، بهروز. (بهار ۱۳۹۱). دلالت‌های تربیتی در آثار جاحظ. مجله پژوهش‌نامه اخلاق. سال پنجم، شماره ۱۵.



در این مقاله برای پیشگیری از آسیب‌های وارده بر کودک در حوزه یاد شده، به صورت مختصر به مراحل آموزش نوشتن اشاره شده است. امید است مربیان عزیز با مطالعه این مقاله و سایر منابع این حوزه، دانش خود را درباره این موضوع ارتقا دهند و به دور از عجله و شتاب‌زدگی در آموزش‌های خود، به مقدمات زبان آموزی توجه کنند.

کلیدواژه‌ها: مهارت زبان آموزی، کودکان پیش دبستان، مهارت نوشتن

فرایند مهارت نوشتن در دوره پیش دبستان

اشاره

مهارت نوشتن در عرصه‌های ارتباطی و حوزه‌های گوناگون زندگی جلوه می‌کند اما فارغ از اهمیتی که در قلمروهای شخصی دارد، کاربرد آن در فرایند یاددهی - یادگیری حائز اهمیت بسیار است. دانش‌آموزان هنگام نوشتن مجبور می‌شوند به طور هماهنگ از دست و چشم و مغز استفاده کنند و این هماهنگی می‌تواند مقدمه‌ای برای نظم‌بخشی به رفتارها و کنش‌های لازم در امر یادگیری باشد.

از دیدگاه پیازه، روان‌شناس کودک، اعمال حرکتی منشأ

مهارت زبان آموزی در دوره پیش دبستان طی یک فرایند شکل می‌گیرد و بی‌توجهی به آن کودک را در کسب این مهارت با مشکل روبه‌رو می‌کند. در برخی از مراکز پیش دبستانی یا کتاب‌های آموزش زبان آموزی مختص این گروه سنی، آموزش نوشتن بدون توجه به این مراحل یا فرایند، در هفته‌های اول سال شروع می‌شود؛ غافل از اینکه نوشتن تنها ترسیم خطوط نیست.



عکس: اعظم لاریجانی



● رسم دقیق اشکال هندسی شامل دو شکل یا بیشتر، رسم کردن اشکال آشنا مثل آدم، خانه و درخت؛

● توانایی جهت‌یابی در زبان نوشتاری که به تحلیل حروف و لغات و تمایز مفاهیمی مانند چپ و راست، بالا و پایین، و زیر و رو نیاز دارد.

● بیری (۱۹۸۹) پیشنهاد می‌کند که آموزش نوشتن تا زمانی که کودک توانایی رسم شکل‌های ابتدایی را پیدا نکرده، به تعویق افتد. این شکل‌ها عبارت‌اند از:

خط عمودی، خط افقی، دایره، به علاوه، یک خط مایل به سمت راست، مربع، یک خط مایل به سمت چپ، ضربدر، مثلث.

همچنین در راهنمای برنامه درسی پیش‌دبستان، اهداف نوشتن شامل در دست گرفتن مداد به‌طور صحیح، دورکشی نوشتاری، وصل کردن خط‌چین‌ها و نقطه‌چین‌ها، ترسیم خط‌های جهت‌دار منظم از راست به چپ و خط‌های افقی و عمودی، و نیز ترسیم تفکرات در قالب خط‌های ابداعی است. به علاوه، تقویت عضلات و ماهیچه‌های کوچک که در به دست گرفتن مداد، هماهنگی چشم و دست و مغز و ترسیم خطوط نقش مهمی دارند، در قالب اهداف مرتبط با مهارت‌های جسمی و حرکتی آمده است.

در آموزش مهارت نوشتن پیش‌دبستان می‌توان به ملاحظات زیر تاکید نمود: تقویت عضلات کوچک و بزرگ، آداب نوشتن، مفاهیم مکانی و تجسم فضایی و هماهنگی چشم و دست

ساختارهای ذهنی و تفکرات کودکان است. کودک به وسیله اعمال حرکتی یا فعالیت‌ها می‌تواند به شناخت اشیاء و پدیده‌ها فائق آید. درواقع، اعمال کودک او را به سوی روش‌های تفکر پیچیده هدایت می‌کنند و اکتشافات حرکتی او، سطوح بالاتر تفکر و مشکل‌گشایی را برایش به ارمغان می‌آورند. نوشتن حرکتی است یکپارچه و مستلزم به کارگیری عضلات کوچک و هماهنگی چشم و دست و مغز، که طی زمان و با توجه به توانایی‌های کودک انجام می‌پذیرد.

رشد مهارت‌های ذهنی و حرکتی و عاطفی در کودکان با یکدیگر فرق دارد و هر کودک دارای الگوی رشد مخصوص به خود است؛ بنابراین، اگرچه می‌توان پیش‌بینی کرد که یک کودک در سن یا مرحله‌ای مشخص می‌تواند همان توانایی‌هایی را داشته باشد که دیگر همسالان او دارند، توجه مربیان و اولیا به ویژگی‌های منحصر به فرد هر کودک ضروری است.

مهارت نوشتن دارای سیر مشخص و مرحله‌ای است. تغییرات ناشی از رشد و پیشرفت در همه زمینه‌ها و به‌ویژه در نوشتن، امری است که به مرور زمان نیاز دارد. مهارت نوشتن مستلزم فعالیت منظم فراگیرنده است. تجارب مناسب موجب تقویت مهارت‌های نوشتن در کودک می‌شود و این امر در آموزش کلیه مهارت‌ها صادق است. مهارت نوشتن مانند خواندن در طول سال‌ها ایجاد می‌شود. کودکان در طول زندگی خود همواره شاهد نوشتن بزرگ‌ترها هستند و به همین دلیل، گاهی بازی‌های نوشتاری انجام می‌دهند که به تقلید از بزرگ‌ترهاست. آن‌ها در بازی‌های تقلیدی خود از جمله در معلم‌بازی، از نوشتن استفاده می‌کنند.

در آموزش پیش‌دبستانی مهارت نوشتن به‌طور رسمی هدف نیست، بلکه در این دوره، آمادگی کودکان برای نوشتن مدنظر است. برای اینکه دانش‌آموزان پایه اول بتوانند به نحو مطلوب به اهداف آموزش نوشتن در این پایه دست یابند و در خواندن و نوشتن دقت و سرعت در نوشتن بهتر عمل کنند، می‌بایست مهارت‌ها و توانایی‌هایی مانند هماهنگی چشم و دست و مغز، به کارگیری صحیح عضلات کوچک، توانایی رسم اشکال و خطوط و ... را کسب کرده باشند. این مهارت‌ها باید در دوره پیش‌دبستانی آموزش داده شوند.

مراحل آمادگی برای بیان نوشتاری

همان‌طور که گفته شد، نوشتن یک فرایند است نه حاصل کار؛ زیرا مجموعه‌ای از فعالیت‌های مختلف است.

دنکو (۱۹۷۵)، لامه (۱۹۷۹) و کلارک و آلن (۱۹۸۵) مراحل بیان نوشتاری (پیش‌نیاز نوشتن) را در حین رشد کودک چنین توصیف می‌کنند:

● رشد عضلات کوچک، هماهنگی چشم و دست، توانایی نگهداری ابزار نوشتن؛

● خط‌خطی کردن، توانایی ایجاد حرکات و اشکال اساسی به‌صورت یکنواخت و هماهنگ؛

عکس: اعظم لاریجانی



عکس: غلامرضا بهرامی



بنابراین و به‌طور کلی در آموزش مهارت نوشتن پیش‌دبستان می‌توان به ملاحظات زیر تأکید نمود: تقویت عضلات کوچک و بزرگ، آداب نوشتن، مفاهیم مکانی و تجسم فضایی، و هماهنگی چشم و دست. بی‌توجهی به هر یک از این موارد و راهکارها منجر به دشواری‌هایی در نوشتن می‌شود که تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.

□ تقویت عضلات کوچک و بزرگ

با توجه به شرایط و موقعیت، ابتدا آمادگی‌های اولیه نوشتن از طریق چنین فعالیت‌هایی در کودکان ایجاد می‌شود: خمیر بازی، باز و بسته کردن دکمه، گره زدن نخ و طناب، رد کردن نخ از مهره، بافت، دوخت، بریدن و چسباندن، نقاشی و رنگ‌آمیزی کردن با مدادرنگی، ماژیک و مدادشمعی، چیدن قطعات مختلف یک تصویر (پازل)، باز کردن در بطری، لباس پوشیدن، بستن بند کفش، تا کردن، نشانه‌گیری، گرفتن گیره لباس و بلند کردن چیزی با آن، استفاده از چنگک، چفت کردن پیچ و مهره، بازی با عروسک انگشتی، پاره کردن کاغذ، و نقاشی کردن با انگشت روی آرد و ماسه. انجام دادن نرمش‌های دست موجب تحریک عصب‌ها و ماهیچه‌های کف دست و انگشتان می‌شود که پیامد آن تقویت مهارت‌های ظریف است. علاوه

مهارت نوشتن دارای سیر مشخص و مرحله‌ای است. تغییرات ناشی از رشد و پیشرفت در همه زمینه‌ها و به‌ویژه در نوشتن، امری است که به مرور زمان نیاز دارد

بر این، هماهنگی چشم و دست، دقت و تمرکز کودکان را افزایش می‌دهد.

□ آداب نوشتن

مهم‌ترین و ضروری‌ترین این آداب عبارت‌اند از:
 * **شناخت دست برتر:** بسیار اشتباه است که از ابتدا به کودکان بگوئید مداد را به کدام دست بگیرند؛ زیرا به‌طور طبیعی در حدود ۳ تا ۵ سالگی خود این را انتخاب می‌کنند. نباید کودکان را برای گرفتن مداد در دست راست یا چپ تحت فشار قرار داد؛ چنان‌که تشویق آن‌ها به انتخاب نیز کار درستی نیست. آنچه اهمیت دارد، درست در دست گرفتن مداد است.
 * **صحیح به دست گرفتن مداد:** مداد به‌طور صحیح در دست برتر بین انگشت‌های شست و اشاره و میانه قرار داده شود؛ به عبارتی، انگشت میانه در زیر و انگشت‌های شست و اشاره در اطراف مداد باشد.
 انگشت‌ها باید در حدود ۱/۵ سانتی‌متری نوک مداد، یعنی بالای تراشیدگی آن، قرار گیرند؛ بنابراین، نباید آن‌ها را زیاد به نوک مداد نزدیک یا بیش از حد از آن دور نگه داشت. موقع استفاده، نباید مداد را با دست برتر مشت یا بغل کرد.
 مداد نباید خیلی کوچک یا خیلی بزرگ، خیلی کلفت و یا خیلی زیاد نازک باشد.
 مشکلاتی مانند کج‌نویسی، پرفشارنویسی، و کم‌رنگ‌نویسی خطاهای ناشی از بد به دست گرفتن مدادند و با تمرین رفع می‌شوند؛ به شرط اینکه مربیان به آن‌ها توجه نشان دهند.
 * **صحیح نشستن پشت میز:** هنگام نوشتن پشت میز،



دادن مازهای مختلف، نقاشی آزاد و باموضوع، با استفاده از مدادشمعی، مدادرنگی، آب‌رنگ، گواش و رنگ انگشتی، کامل کردن تصاویر ناقص، دورکشی شکل‌ها، کپی کردن، و وصل کردن خط‌چین‌ها و نقطه‌چین‌ها به‌صورت شکل‌ها و خطوط مختلف در جهات گوناگون از آسان به مشکل، باعث هماهنگی چشم و دست کودکان می‌شود و آن‌ها را برای نوشتن حروف الفبا در پایه اول آماده می‌کند. مربیان می‌توانند با استفاده از راهکارهای فوق در قالب فعالیت‌های جذاب، کودکان را به نوشتن علاقه‌مند کنند. نکته حائز اهمیت این است که مربیان در طول سال تحصیلی نحوه نشستن و مداد به دست گرفتن کودکان و ... را مد نظر داشته باشند و آنان را راهنمایی کنند. در فعالیت‌های پرنرنگ کردن و وصل کردن خطوط، نحوه حرکت خطوط و جهت حرکت را ابتدا روی تخته آموزش دهند تا کودکان خطوط را با توجه به جهت، به‌صورت صحیح بکشند.

سخن آخر

توجه به نکات یاد شده در آموزش مهارت‌های نوشتن، نه تنها کودکان را آماده نوشتن برای ورود به دبستان می‌کند بلکه نقش مهمی در سلامت جسمی و روانی آن‌ها دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. خوانانویسی نه تنها در بیان افکار و ارائه پیام به دیگران نقش مهمی ایفا می‌کند بلکه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز مؤثر است.
۲. هر ورق کتاب را از گوشه سمت چپ بین انگشت اشاره و شست خود قرار دهند و کتاب را ورق بزنند.

منابع

۱. احمدی، آمنه و دیگران (۱۳۸۰). آموزش و پرورش در دوره انتقال (ویژه پایه اول دبستان). جلد اول. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
۲. زندی، بهمن (۱۳۸۷). خودآموز روش تدریس مهارت نوشتن در دوره ابتدایی - کد کتاب ۶۰۱۸ چاپ چهارم دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
۳. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۹۵). راهنمای برنامه آموزشی و پرورشی پیش‌دبستان. تهران: انتشارات برهان.
۴. صادقی، معصومه و دیگران (۱۳۹۶). پرورش مهارت‌های کلامی کودکان - چاپ اول. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی و حرفه‌ای و کارداش.
۵. صفاری‌پور، عبدالرحمان (۱۳۹۴). بازی‌های دست‌ورزی، راهکارهای عملی ویژه کودکان پیش‌دبستان و اول ابتدایی. چاپ ششم، انتشارات رشد.

در آموزش مهارت نوشتن پیش‌دبستان می‌توان به ملاحظات زیر تاکید نمود: تقویت عضلات کوچک و بزرگ، آداب نوشتن، مفاهیم مکانی و تجسم فضایی و هماهنگی چشم و دست

ستون فقرات باید صاف باشد، پاها روی زمین قرار بگیرند و فاصله سر با کاغذ با توجه به قد ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر باشد. نحوه نشستن باید تا حد امکان طوری باشد که نور از روبه‌رو به چشم نتابد. * صحیح قرار دادن کتاب و دفتر در مقابل خود: برخی از کودکان موقع نقاشی یا ترسیم خطوط، ورق کاغذ را خیلی مایل و یا برعکس جلوی خود قرار می‌دهند. ورق کاغذ باید به‌صورت عمودی در جلوی آن‌ها قرار گیرد.

□ مفاهیم مکانی و تجسم فضایی

مفاهیم مکانی مثل بالا، پایین، راست و چپ، جلو و عقب را از طریق بازی‌های مختلف به کودکان آموزش دهید. به آن‌ها کمک کنید تا موقعیت اشیاء را با دستورالعمل‌های ساده بیان کنند. زمانی که برای آن‌ها کتاب می‌خوانید، نکاتی چون ورق زدن^۲ و خواندن تصاویر کتاب از راست به چپ و از بالا به پایین را آموزش دهید. با در اختیار قرار دادن اشیای مختلف مانند مکعب‌های خانه‌سازی و دکمه، کودکان را به طبقه‌بندی براساس رنگ، اندازه و شکل تشویق کنید. آن‌ها را ترغیب کنید تا اشیاء را توصیف کنند. با بردن کودکان به یک محل خیالی، مثل باغ وحش، پارک، اسباب‌بازی‌فروشی، از آن‌ها بخواهید فضای آنجا را برای شما توصیف کنند. همچنین، با توجه به تصاویر قصه بگویند و شما این قصه‌ها را بنویسید.

□ هماهنگی چشم و دست با استفاده از فعالیت‌های مداد و کاغذی

کشیدن اشکال هندسی گرد، سه‌گوش و چهارگوش، انجام



محیط و کاوشگری کودک

محیط یادگیری در الگوی رجیو امیلیا

اشاره

سازندگان بهترین مدارس نوین دریافته‌اند که آموزش باید معماری را به سمت توسعه راهنمایی کند؛ چرا که بسیاری از نمونه‌های معماری اخیر، تفسیری روشن از آخرین نظریه‌های آموزشی و اغلب همانند یک برنامه آموزشی سب‌بندی‌اند. در حال حاضر، بر شیوه‌های نوآورانه آموزش که منعکس‌کننده مفاهیم شخصی‌تری از یادگیری است و در طول قرن بیستم رواج یافته، به شدت تأکید می‌شود. این گونه نظریه‌ها و بسیاری دیگر از ایده‌های نوین را معمار به هر طریق ممکن باید در طرحش بگنجانند. اساساً معمار به دریافتی واضح از نظریه آموزشی نیاز دارد که پشتوانه کارش باشد (دادک، ۱۳۹۴: ۱۱). آموزش و معماری بیشتر به ارتباطی دوجانبه وارد می‌شوند یعنی یک رویکرد یادگیری دو سویه توأمان (آموزش و معماری)، در چارچوبی قانونمند برای خلق محیطی کودک‌محور، کودکان را قادر می‌سازد بیاموزند و این به جامعه امکان رشد می‌دهد.

رویکرد رجیو امیلیا در دهه ۱۹۴۰ میلادی در ایتالیا توسط لوریس مالاکازی بنیان‌گذاری شد. این رویکرد سعی دارد با بهره‌گیری از فعالیت‌های هنری، انجام پروژه و فعالیت‌های آزاد، در کودکان میل و علاقه به یادگیری به وجود آورد و با ایجاد محیط انگیزشی و پرسشگری و همچنین ثبت تمامی رخدادهای کودکان، مسیر پریچ وخم تا رسیدن به پاسخ را با تفکر طی کنند. رویکرد رجیو بر تشویق و توانمندسازی کودکان در کاوشگری، درک اهمیت جامعه و خود ابرازی تأکید دارد. امروزه در بسیاری از پیش‌دبستانی‌های جهان از این



رویکرد استقبال می‌شود. فضای آموزشی و محیط یادگیری کودکان در رویکرد رجیو بسیار اهمیت دارد و به آن به عنوان معلم سوم نگاه شده است، که در آن فضاهایی از جمله پیازا - آتلیه‌ها و ... طراحی شده که کودکان در محیط آزاد درگیر حل مسئله و تولید محصول به‌طور شناختی، عاطفی، هنری، فرهنگی و اخلاقی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: رجیو امیلیا، معلم سوم، پیازا، آتلیه، یادگیری چند حسی، محیط یادگیری، کاوشگری

محیط یادگیری در الگوی رجیو امیلیا

در این رویکرد، سازمان‌دهی محیط یادگیری به عنوان یکی از پایه‌های اساسی برنامه آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی، اهمیت بسیاری دارد (شکل ۱). تعلیم‌دهندگان رجیو به آنچه از محیط به کودکان می‌رسد، توجهی خاص دارند و همواره به این می‌اندیشند که محیط چه چیزی به کودکان یاد می‌دهد و از همین رو، اغلب از آن به عنوان «معلم سوم» یاد می‌کنند (تار، ۲۰۰۱: ۱).

محیط در این مدل، منعکس‌کننده فلسفه تربیت‌کننده جان دیوئی و نظریه یادگیری اجتماعی و یگوتسکی است و با حوزه دانش کودکان و قلمرو ارتباطات و احساسات آنان متناسب است و آن چنان که کادول^۱ می‌گوید، «همه قسمت‌های محیط مهم‌اند و هیچ فضایی حاشیه‌ای و بی‌اهمیت تلقی نمی‌شود و هیچ گوشه‌ای بی‌ارزش نیست» (همان، همان).

با ورود به مرکز رجیو، مفهوم فضای دلپذیر را که لوریس مالاکازی بر آن تأکید داشت، می‌توان دریافت (بارتلت، ۱۹۹۳: ۲۶)؛

دیوارها سخن می‌گویند و تاریخ زندگی درون هر مرکز را به صورتی مستند روایت می‌کنند و دنیایی از شور زندگی، اکتشاف و یادگیری، خلاقیت، پویایی، لیاقت و توانایی را به نمایش می‌گذارند



سالن ورودی

در مدارس رگیو محوطه‌ای عمومی به نام «پیازا» یا میدان وجود دارد (در بعضی مراکز به آن‌ها سالن بزرگ نیز گفته می‌شود)، که سالن ورودی به آن ختم می‌گردد و همه کلاس‌ها به آن باز می‌شوند. این محوطه، انعکاس و نمودی از میدان شهر است و همانند آن مکانی جهت دیدار و در کنار هم بودن کودکان سنین مختلف برای دوستی، بازی و دیگر فعالیت‌های جسمی و حرکتی آنان و اموری از این قبیل است. همچنین، می‌تواند مکانی برای دیدار و گفت‌وگوی مربیان و والدین باشد.

سایر قسمت‌های مرکز هم به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به کودکان امکان می‌دهند فعالیت‌هایی را که طی روز در اطرافشان انجام می‌شود، ببینند؛ مثلاً آشپزخانه‌ای که باز و بدون دیوار است یا با دیوارهای شیشه‌ای محصور شده‌است. به طوری که کودکان می‌توانند آشپزخانه را در هنگام کار مشاهده کنند و حتی به آشپز و سایر کارکنان آشپزخانه در تهیه وعده‌های غذایی، آماده کردن میز غذا و نظافت کردن یاری رسانند. همچنین، به کودکان اجازه داده می‌شود که به‌جز کلاس خودشان از کلاس‌های دیگر نیز دیدن کنند.

سالن غذاخوری و حتی دست‌شویی‌ها به شکلی سازمان یافته‌اند که محرکی برای تعامل همراه با بازی برای کودکان باشند. برای مثال، ظرف‌شویی‌ها برای آبدازی و کار با آبرنگ مناسب‌اند. راه‌های دستیابی کلاس‌ها و مدرسه به فضای بیرون از آن از طریق در، حیاط، پنجره‌های تمام‌قد و یا همان دیوارهای شیشه‌ای است. این امر ضمن ایجاد ارتباط بین کلاس‌ها، این احساس را به وجود می‌آورد که مدرسه بخشی از جامعه است و فضای درون و بیرون، هر دو مکان‌هایی برای یادگیری‌اند. جامعه نیز به مرکز به‌عنوان بخشی از خود می‌نگرد و نظاره‌گر کارهای کودکان و رشد آن‌هاست.

پنجره‌های بزرگ

نور در مراکز رگیو از جمله مواردی است که به‌خوبی موردتوجه قرار گرفته است. وجود پنجره‌های بزرگ سبب ورود نور طبیعی به

نور در مراکز رگیو از جمله مواردی است که به‌خوبی موردتوجه قرار گرفته است. وجود پنجره‌های بزرگ سبب ورود نور طبیعی به ساختمان می‌شود

فضایی با طراحی زیبا و هماهنگ و مملو از آرامش که تسهیل‌گر ارتباط، تعامل و اکتشاف است. فضایی آکنده از علاقه‌مندی و محبت که در آن آشفتگی و عدم تناسب وجود ندارد، به کودکان به‌عنوان موجودات کنجکاو، خلاق، خیال‌پرداز، شایسته و توانمند احترام می‌گذارد و با علاقه‌پذیری آن‌هاست. سالن ورودی هر مرکز، که مکان خوشامدگویی است، این پیام را به بزرگسالان می‌دهد که این مرکز علاوه بر کودکان، متعلق به آن‌ها نیز هست. از ویژگی‌های این بخش از مدارس رگیو، وجود نیمکت‌هایی برای نشستن والدین هنگام ورود، به منظور گفت‌وگو و تبادل اطلاعات با مربیان و سایر والدین، و وجود تابلوهایی است که اطلاعاتی درباره طرح‌های مرکز، فهرست فعالیت‌ها، اسامی مربیان و پیام‌هایی که منعکس‌کننده زندگی کودکان است، روی آن‌ها درج گردیده‌است. از آنجا که در این رویکرد، رشد اجتماعی بخش ضروری یادگیری است و یادگیری نیز - آن‌چنان که لوریس مالاگازی می‌گوید - بر اساس ارتباط و تعامل است، حتی‌المقدور کوشش می‌شود فرصت‌ها و امکانات لازم برای تعامل و ارتباط متقابل کودکان با یکدیگر، محیط، والدین، مربیان و اجتماع فراهم آید و از همین رو در طراحی فضاها، به ارتباط هر کلاس با سایر قسمت‌های مرکز و نیز مرکز با اجتماع توجه می‌شود. مدرسه و فضاهای آن و فعالیت‌هایی که روزانه در آنجا انجام می‌گیرد، در حقیقت نمونه کوچکی از یک شهر با تمام ویژگی‌های آن است؛ هرچند که در این مرکز به ایجاد فضاهایی که تداعی‌کننده فضای یک خانه باشند نیز توجه می‌شود. وجود گیاهان، گلدان‌های گل، ظروف واقعی، رومیزی‌ها و چیدمان مناسب و جذاب، و ابزار و وسایلی که فضای بصری زیبا و پرمفهومی ایجاد می‌کنند، از جمله این موارد است.

ساختمان می‌شود و ضمن ایجاد احساسی مطبوع، باعث می‌گردد که طبیعت بیرون، بخشی از درون شود. بازی نور و سایه هم از مزایای وجود پنجره‌های بزرگ است. آینه نیز که با انعکاس نور و تصاویر افراد و اشیای موجود در محیط، فضایی خلاق و شاد برای کودکان ایجاد می‌کند، از جمله وسایلی است که اغلب در مراکز رجیو به کار می‌رود. آینه‌ها در اشکال، اندازه‌ها و مکان‌های مختلف، دنیایی شیرین، رویایی و سؤال‌برانگیز برای کودکان ایجاد می‌کنند؛ به‌طوری‌که علاوه بر آینه‌های دست‌شویی‌ها و آینه‌های آویزان شده از سقف، آینه‌هایی وجود دارند که کودکان در آن‌ها بدن و صورت خود را به اشکال متفاوت و خنده‌آوری می‌بینند.

مواد طبیعی

از دیگر ویژگی‌های محیط در این مراکز، استفاده از مواد طبیعی مانند میوه‌های مخروطی کاج، صدف‌های دریایی، چوب و همچنین گیاهان سبز آپارتمانی و پیچک‌های رونده است که ضمن ایجاد زیبایی و فرح بخشی در محیط، کودکان را به اکتشاف، توصیف و یادگیری برمی‌انگیزند.

کودکان سه، چهار ساله و بالاتر از آن، کلاس‌های مستقل و مجزا از یکدیگر دارند و در هر کلاس دو مربی حضور دارد. کلاس شامل دو اتاق تو درتوست که یکی از آن‌ها مخصوص زمان‌هایی است که کودک ترجیح می‌دهد فضای خصوصی‌تری داشته باشد و یا همراه مربی نباشد. در هر کلاس، بخش‌های مختلفی نیز مانند بخش‌های هنر، بازی‌های نمایشی و ساختمان‌سازی که کودکان با توجه به علایقشان در ساعت‌های مختلف روز می‌توانند در این محل‌ها باشند. این زمان، زمانی کاملاً اختصاصی برای گروه‌های کوچک کودکان است. در این میان، ممکن است بعضی از کودکان گوشه‌ای را برای دراز کشیدن و نگاه کردن به تصاویر کتاب‌ها انتخاب کنند.

آزمایش و تجربه‌اندوزی

در هر مرکز یک آتلیه^۲ یا استودیویی به شکل یک کارگاه بزرگ وجود دارد که مکانی برای دست‌ورزی، آزمایش و تجربه‌اندوزی کودکان

در قالب گروه‌های بزرگ است. در کنار هر کلاس یک کارگاه کوچک یا مینی‌آتلیه^۴ وجود دارد که برای فعالیت کودکان در قالب گروه‌های کوچک‌تر است. هر مرکز یک مربی هنر^۵ نیز دارد که با سایر مربیان همکاری می‌کند. در آتلیه و مینی‌آتلیه و حتی قفسه‌های موجود در کلاس‌ها، وسایل مختلفی مثل انواع دکمه، کاغذهای رنگی، ظروف یک‌بار مصرف، سیم، گل‌های خشک شده و اشیای دیگری که خانواده‌ها به مرکز آورده‌اند، نگهداری می‌شوند. این وسایل طبقه‌بندی شده و به طور منظم در جای خود قرار گرفته‌اند و کودکان آزادند از آن‌ها استفاده کنند. این آزادی عمل باعث رشد خلاقیت و مهارت‌آموزی در کودکان می‌شود. مکان‌هایی نیز برای نشستن مربیان و گفت‌وگوی آن‌ها با یکدیگر در نظر گرفته شده‌است. کودکان شاهد بحث و گفت‌وگوی مربیان‌اند. آن‌ها می‌بینند که مربیان گاهی کاملاً آرام با هم سخن می‌گویند و گاهی با صدای بلندتری به بحث و گفت‌وگو می‌نشینند. دیدن چنین فضاهایی برای کودکان بسیار آموزنده است؛ زیرا آنان احساس می‌کنند که در محیطی هستند که در آنجا همه با هم گفت‌وگو می‌کنند و به یکدیگر یاری می‌رسانند (ادواردز و دیگران، ۱۹۹۸: ۴۶). دیوارها که معمولاً به رنگ روشن رنگ‌آمیزی می‌شوند و همچنین سقف‌ها، محلی برای نمایش دائمی و موقت کارهای کودکان‌اند و آنچه کودکان به صد زبان از افکار، ایده‌ها، احساسات، عواطف و علایقشان ارائه می‌دهند، روی دیوارها و تابلوها نصب و حتی از سقف آویزان می‌شود و در معرض دید سایر کودکان، مربیان، والدین و دیگران قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، دیوارها سخن می‌گویند و تاریخ زندگی درون هر مرکز را به صورتی مستند روایت می‌کنند و دنیایی از شور زندگی، اکتشاف و یادگیری، خلاقیت، پویایی، لیاقت و توانایی را به نمایش می‌گذارند.

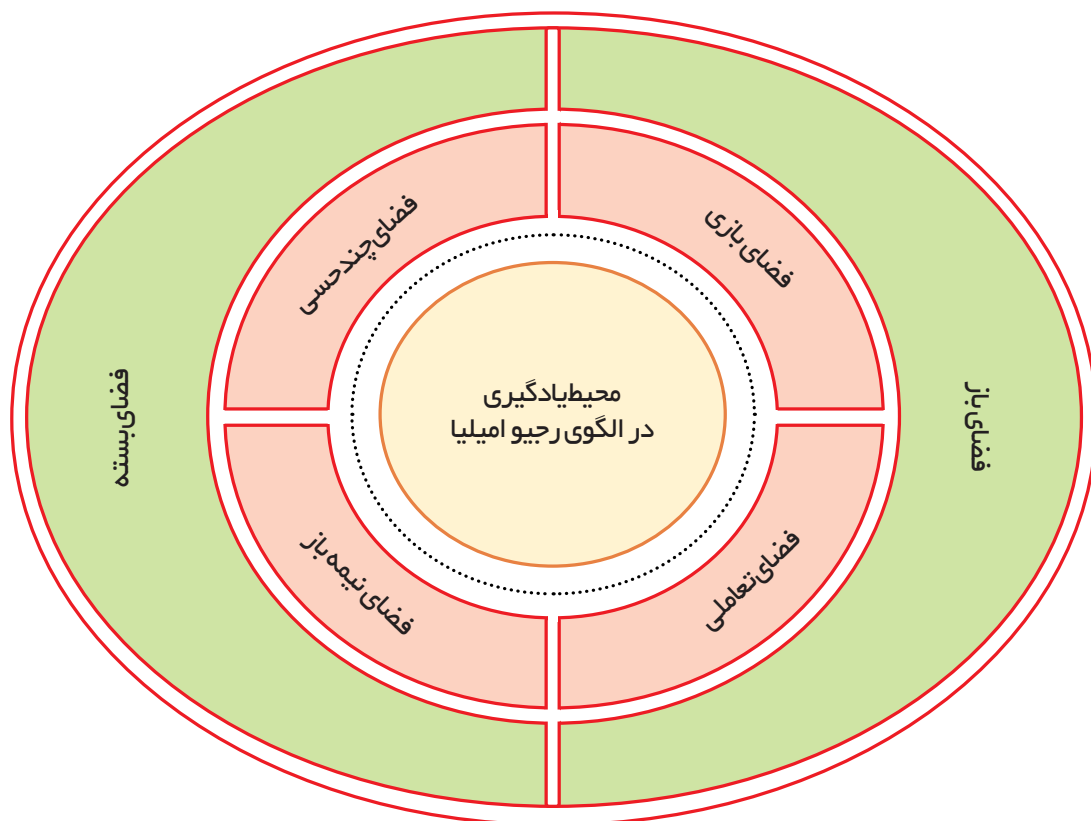
پیشنهادهای اجرایی:

۱. ایجاد محیط یا سازوکاری که والدین از برنامه‌ها و فعالیت‌های انجام شده بیش از پیش آگاه شوند و آن‌ها هم خود را در امر تربیت فرزند خویش بیشتر درگیر ببینند؛ مانند نصب تابلوی والدین، ارسال نامه برای والدین در مورد آنچه صورت خواهد گرفت، اختصاص دادن زمان‌هایی برای دیدارهای خصوصی و تعیین شده ماهانه والدین نوآموزان با مربی و مدیر مرکز پیش دبستانی؛ مثلاً روز ۱۲ دی ماه پدر و مادر محمد در ساعت ۱۶ برای جلسه خصوصی به مرکز پیش دبستانی مراجعه کنند.

۲. استفاده از عناصر بومی - محلی هر منطقه در مرکز پیش دبستانی به جای استفاده از عناصر دیگر مانند تصویر مناطقی از استان یا شهر، استفاده از مجسمه شاعران، بزرگان منطقه، پرورش گیاهان بومی - محلی در فضاهای سبز مشخص شده یا گل‌دان‌ها در مرکز پیش دبستانی.

۳. آشنایی با مناطق تاریخی و جغرافیایی محل زندگی خود

آزادی عمل
باعث رشد
خلاقیت و
مهارت‌آموزی
در کودکان
می‌شود



شکل ۱. مدل رجیو امیلیا، محیط‌های یادگیری - قطب‌های مؤثر در رشد و ارتقای رشد شناختی

از طریق گردش‌های علمی یا هدایت والدین برای رفتن به این مناطق.

۴. برنامه‌ریزی برای ایجاد یک فعالیت با عنوان بین و بگو در برنامه آموزشی ماهانه، مثلاً در کلاس از پشت پنجره آنچه را صورت می‌گیرد، مشاهده کنند. بعد، در مورد آنچه دیده‌اند حرف بزنند، یا در پارک رفتار افراد را از دور مشاهده کنند و ...

۵. استفاده از فعالیت‌هایی که جهت آماده شدن برای آن‌ها به تعامل و همکاری نوآموزان با یکدیگر نیاز است؛ مثلاً بازی‌های دونفره.

۶. استفاده از آینه‌های نشکن با ویژگی‌های متفاوت (بزرگ، کوچک، مقعر، محدب و ...) در جاهای مختلف مرکز پیش‌دبستانی و عوض کردن جای آن‌ها هر چند مدت یکبار.

۷. استفاده از مواد حس‌یافتنی (مواد طبیعی) و واقعی قابل استفاده در فعالیت‌ها به جای وسایل آماده؛ مثلاً می‌توان از انواع سنگ‌ها، صدف‌ها و ... یا از برگ خرد شده به جای مدام رنگی استفاده کرد.

۸. استفاده از رنگ‌های روشن و آرامش‌بخش، ترکیب‌بندی و بازی با رنگ‌ها به جای شکل‌های کارتونی و ...

۹. ایجاد فعالیتی به نام اتاق تاریک و بازی با سایه در فعالیت‌های ماهانه.

پی‌نوشت‌ها

1. Cadwell
2. Piazza
3. Atelier
4. Mini-atelier
5. Atelierista

منابع

۱. اسکات، س. (۱۳۹۵). معماری برای کودکان، مترجمان: منوچهر تمیزی، ساناز آباد. تهران: انتشارات مارلیک.
۲. حبیبی، پ، و احمدی قراچه، ع. (۱۳۹۰). *الگوهای جهانی آموزش پیش از دبستان*. تهران: انتشارات سروش.
3. Bartlett, S. (1993). *Amiable Space In The Schools Of Reggio Emilia: An Interview With Lelia Gandini*, School of Education the University of Massachusetts Amherst USA.
4. Bannet, T., (2001). Reactions To Visiting Infant-Toddler And preschool Centers In Reggio Emilia, University of Illinois At Urbana-Campaign, ECRR, Vol.3.
5. Edwards, C., & Gandini, L., & Forman, G., (1998). *The hundred languages Of Children: The Reggio Emilia Approach, Advanced Reflections^{2nd}*, Greenwich, Ct: Ablex. ED 425855.

مربیان‌گاهی
کاملاً آرام
با هم سخن
می‌گویند و
گاهی با صدای
بلندتری
به بحث و
گفت‌وگو
می‌نشینند
دیدن چنین
فضاهایی برای
کودکان بسیار
آموزنده است



برای جایزه دادن و تشویق کودکان، به آن‌ها قول خرید فست‌فود می‌دهند و به جای منع کودک موجب تشویق وی به خوردن غذاهای ناسالم فوری بیرون می‌شوند. طبق تحقیقات، مصرف فست‌فود و نوشابه‌ها و تنقلات مضر دیگر موجب اعتیاد به خوردن مجدد آن‌ها در فواصل زمانی کم می‌شود. البته اگر در مدت طولانی از این غذاها استفاده نشود، رغبت برای مصرف آن‌ها کاهش می‌یابد و چه بسا از بین می‌رود.

شیوع گسترده مصرف فست‌فود در جامعه می‌تواند به دلایلی چون ارزان بودن این غذاهای فوری، شاغل بودن والدین و در پی آن نبود وقت کافی برای آماده کردن غذاهای خانگی، ناآگاهی افراد از مضرات آن‌ها و نبود فرهنگ استفاده درست از انواع فست‌فود باشد.

اگرچه خوردن دو سه ماه یک بار فست‌فود مشکلی ندارد، تا می‌توانیم باید مصرف آن را محدود کنیم.»

اکنون برخی آمار و مضرات ثابت شده فست‌فود را که از مجلات داخلی و خارجی استخراج کرده‌ایم، شرح می‌دهیم.

- میانگین مصرف سوسیس و کالباس برای هر شهروند ایرانی حدود ۴ کیلوگرم در سال است.

- قائم مقام وزیر بهداشت و درمان: «۲۵ درصد دانش آموزان دچار چاقی یا اضافه وزن هستند، مسواک نمی‌زنند و میان وعده ناسالم مصرف می‌کنند.»

- کودکانی که فست‌فود مصرف می‌کنند در مقایسه با بقیه کودکان احساس نارضایتی یا غمگینی بیشتری دارند.

- کودکانی که بیش از سه بار در هفته از فست‌فود استفاده

لقمه خانگی

فست‌فود یا غذای خانگی؟

اشاره

«فست‌فود به شکل امروزی دقیقاً در هفتم ژوئیه ۱۹۱۲ در آمریکا متولد شد. در این روز، رستورانی با نام «اتومات» در نیویورک افتتاح شد که در واقع نوعی کافه تریا بود. در این رستوران، غذاهای از پیش آماده را در گرم‌کن‌های شیشه‌ای قرار می‌دادند. در سال ۱۹۴۰، سروکله مک دونالد پیدا شد که امروز نامش مترادف با صنعت فست‌فود است.»

از سال ۱۳۳۲ در سراسر تهران ساندویچ‌فروشی‌ها گشایش یافتند. حدوداً در سال ۱۳۳۵ ساندویچ در شهرستان‌ها نیز رونق گرفت. در اوایل دهه ۱۳۴۰ همبرگر وارد بازار غذای ایران شد. خانم دکتر سهیلا شهشهانی، متخصص اطفال و استاد دانشگاه، طی مصاحبه‌ای در این باره اظهار داشتند:

«به دلیل ناآگاهی والدین از مضرات فست‌فود، استفاده از آن به طرز چشمگیری افزایش یافته است؛ طوری که خانواده‌ها



عکس: هاتف همایی



به خوردن مواد ناسالمی چون فست‌فود عادت کرد، تغییر دادن عادات غذایی او بسیار دشوار یا غیرممکن خواهد بود.

۲. وقتی با اصرار کودک برای خرید فست‌فود مواجه می‌شوید، تا حد امکان این نوع غذاها (مثل برگر، پیتزا، سمبوسه، سیب‌زمینی سرخ کرده و...) را خودتان در خانه تهیه کنید و در مواد اولیه آن‌ها به جای سوسیس و کالباس، از گوشت و مرغ و سبزیجات استفاده کنید.

۳. چگونگی تغذیه سالم و عوارض سوءتغذیه از طریق رسانه‌های گروهی آموزش داده شود.

۴. فیلم‌های آموزشی درباره استفاده از تغذیه سالم در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

۵. پایگاه تغذیه سالم در مدارس ایجاد شود.
۶. بوفه‌های تمامی مدارس از خوراکی‌های مضر پاک‌سازی شوند و به جای خوراکی‌های مضر و انواع فست‌فود، غذاهای سالم و مفیدی مانند لقمه و عدسی و... در اختیار آن‌ها بگذارند.

۷. مقالات و نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه تغذیه سالم، در مجلات و سایر منابع مطالعاتی بیشتر منتشر شود.

منابع

۱. قاسمیان، فرحناز (۱۳۹۴). اثرات مصرف فست‌فود در نوجوانان. فصلنامه رشد آموزش تربیت‌بدنی، شماره ۴، تابستان، صص ۴۹-۴۰.
۲. براتی، مجید، و دیگران (۱۳۹۳). بررسی رابطه نگرش و باورهای تأثیرگذار در مصرف غذای آماده در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان. مجله تحقیقات نظام سلامت، شماره ۳، پاییز، صص ۵۰۸-۵۰۰.
۳. بیست نکته برای علاقه‌مندان به فست‌فود. ماهنامه جاده‌های سبز به نقل از هفته‌نامه سلامت، شماره ۶۸، فروردین. نامه
۴. سالاری، الهام (۱۳۹۷). چگونه توانستم تناسب اندام و بهبود ساختار قامتی را با انجام فعالیت‌های ورزشی روزانه و تغذیه مناسب برای دانش‌آموز، حدیث، به ارمغان بیاورم. چهارمین همایش علمی پژوهشی استانی از نگاه معلم، میناب، آموزش و پرورش شهرستان میناب.
- Anette Christ, Patrick Günther, Mario A.R. Lauterbach, Peter Duewelle, Debjani Biswas, Karin Pelka, Claus J. Scholz, Marije Oosting, Kristian Haendler, Kevin Baßler, Kathrin Klee, Jonas Schulte-Schrepping, Thomas Ulas, Simone J.C.F.M. Moorlag, Vinod Kumar, Min Hi Park, Leo A.B. Joosten, Laszlo

وقتی با اصرار کودک برای خرید فست‌فود مواجه می‌شوید، تا حد امکان این نوع غذاها را خودتان در خانه تهیه کنید و از موارد سالم و مغذی استفاده کنید

می‌کنند، در معرض آسم شدید، آگزما و انواع آلرژی‌ها هستند.
• نتایج ۱۵ سال تحقیق نشان داده است که مصرف فست‌فود با چاقی، دیابت و مقاومت در برابر انسولین رابطه‌ای قوی دارد.
• کودکانی که از فست‌فود استفاده می‌کنند نسبت به همسالان خود هوش کمتری دارند.

• نیترات سدیم موجود در سوسیس و کالباس در بدن انسان به نیتروزآمین تبدیل می‌شود و سرطان‌زا است.

• مصرف‌کنندگان فست‌فود در مقایسه با افرادی که این نوع غذا را کمتر می‌خورند یا به هیچ وجه نمی‌خورند، تقریباً بیش از ۵۱ درصد به افسردگی دچار می‌شوند.

• طبق تحقیقات جدید دانشمندان دانشگاه بن که در مجله cell چاپ شده، هنگامی که بدن غذاهای خیلی چرب مانند انواع فست‌فود دریافت می‌کند، سیستم ایمنی آن نسبت به این مواد، همانند یک عفونت باکتریایی واکنش نشان می‌دهد؛ پس تغییراتی در این سیستم ایجاد می‌شود که برخی از آن‌ها حتی پس از تغییر رژیم غذایی به مواد سالم، باقی می‌مانند و پس از فرایندهایی، در نهایت سبب بروز بیماری‌های قلبی و دیابت نوع ۲ می‌شوند.

این همه عوارض برای فست‌فود ... آیا لذت چشیدن چند دقیقه‌ای این مواد ارزش بیمار شدن را دارد؟

طبق تحقیقاتی که در آمریکا صورت گرفته است، ممنوعیت تبلیغات فست‌فودها در تلویزیون می‌تواند روند چاقی کودکان را تا ۱۸ درصد کاهش دهد.

در آبان‌ماه سال ۱۳۹۷ فهرست ۳۶ قلم کالای آسیب‌رسان به سلامت عمومی منتشر و تبلیغات آن‌ها در تمام رسانه‌ها ممنوع شد. این اقدام در ۳ دسته اولویت‌بندی شده بودند. مواد اولیه فست‌فودها (مثل سوسیس و کالباس و فلافل، روغن‌های سرخ کردنی)، نوشیدنی‌های مضر و چیپس و ... در صدر فهرست قرار داشتند ولی «متأسفانه، همان‌طور که مشاهده می‌کنید، به سبب قدرتمند بودن برخی کارخانه‌هایی که محصولات نهایی آن‌ها جزء این فهرست است، آن‌ها هنوز هم به تبلیغ در تلویزیون و یکه‌تازی در میدان ادامه می‌دهند.»

دانشمندان دریافتند انتخاب غذایی که کودک مصرف می‌کند، تحت تأثیر مستقیم تبلیغات رسانه‌ها و نفوذ والدین است. پس کلیه سازمان‌ها، مؤسسات، افراد جامعه و خانواده باید برای بهبود عادات غذایی کودکان تلاش کنند.

در ادامه به برخی اقدامات جهت کاهش مصرف فست‌فود در کودکان اشاره می‌کنیم.

۱. در ابتدا به این نکته مهم می‌پردازیم که بهتر است از همان روزهای آغاز مصرف غذاهای کمکی، در رژیم غذایی کودکان میوه‌ها و سبزیجات نقش پررنگی داشته باشند و آن‌ها به جای خوردن خوراکی‌های مضر از خوراکی‌های مفید خانگی مثل لقمه و میوه و آجیل استفاده کنند؛ چون وقتی ذائقه کودک



کودک آزاری با ماهیت کودک ابزاری!

کودک و تبلیغات بازرگانی

استفاده از رسانه‌ها به اشکال متعدد با زندگی روزمره انسان عجین شده است. این مسئله به‌ویژه درباره تلویزیون که ملازم همیشگی زندگی خانوادگی است، مصداق دارد. طبق آمار منتشرشده، بیش از ۸۰ درصد مردم ایران روزانه بیش از ۲۰۰ دقیقه از وقت خود را به تماشای شبکه‌های تلویزیونی اختصاص می‌دهند.

رسانه‌های جمعی همه وجوه زندگی انسان را در دنیای معاصر در برگرفته‌اند و ابعاد پیدا و پنهان آن، اعم از حیات فرهنگی، شیوه زندگی، مبانی معرفتی، چارچوب نگرشی و هنجارهای اجتماعی، را تحت تأثیر قرار می‌دهند. امروزه رسانه‌ها به ما می‌گویند که دنیا در چه وضعی است، واقعیت از چه قرار است و چه موضوعاتی اولویت روز می‌باشد. در این میان، آگهی‌های تجاری به‌عنوان یکی از برنامه‌ها و متون رسانه‌ای به دلیل نمایش برخی از ویژگی‌های فرهنگی، سهمی قابل توجه دارد.

اگر تبلیغات تجاری را فرایندی ارتباطی بدانیم که با معرفی کالاها و خدمات تجاری تلاش می‌کند مخاطبان خود را برای انتخاب و خرید آن‌ها مجاب نماید، آگاهی‌بخشی و ترغیب را می‌توان مهم‌ترین کارکردهای تبلیغات تجاری محسوب کرد. از سوی دیگر، آگاهی‌بخشیدن و ترغیب در خلأ اتفاق نمی‌افتند بلکه تبلیغ تجاری نیازمند بازسازی فضای اجتماعی مرتبط با کالای مورد تبلیغ است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند تبلیغات اجناس و کالاهای مصرفی تا حدودی کند شد



عکس: اعظم لاریجانی

اما در دهه ۱۳۷۰ پای آگهی‌های تلویزیونی دوباره به صداوسیما باز شد؛ آگهی‌هایی که مدت‌زمانی کوتاه بین برنامه‌های تلویزیونی یا سریال‌های شبانه‌گاهی شبکه‌های یک و دو و بعدها شبکه سه پخش می‌شدند.

باکمی توجه به ظرافت و رنگ و لعاب پیام‌های تبلیغاتی، به راحتی می‌توان درک کرد که پشت صحنه هر کدام، خلاقیت و ایده‌های نوین موج می‌زند.

در این میان، کودکانی را می‌بینیم که زیبایی جسمانی و ظاهری‌شان ذوق ما را برمی‌انگیزد و این امر تماماً نشان‌دهنده تمرین زیاد و بیان دیالوگ‌ها و اجرای نمایش‌هایی است که سعی در جذب مخاطبان دارند.

به راستی، در پشت صحنه این جذاب‌های دوست‌داشتنی چه می‌گذرد؟

استرس و فشار روانی‌ای که کودکان برای حفظ کردن گفت‌وگوهای سخت و غیرقابل درک و نمایش‌های ساختگی تحمل می‌کنند و ما اسمشان را شیرین‌بانی می‌گذاریم، طاقت‌فرسا و عجیب است.

از طرفی، فشار والدین که گاه با ناز و نوازش و گاهی با خشم و غضب با اجرای نقش‌های تحمیلی همراه می‌شود، کودکان را دچار سردرگمی عاطفی و روانی می‌کند.

در این بین، مؤسساتی با مقاصد تبلیغاتی و تجاری راه‌اندازی شده‌اند که هر سال برای کودکان در سنین مختلف، مسابقات مدلینگ برگزار می‌کنند. والدین با ارسال عکس تمام‌قد کودکان‌شان برای این مؤسسات، خواسته یا ناخواسته وارد عرصه‌ای می‌شوند که خود هم از عواقب آن بی‌خبرند.

یکی از آثار سوء فعالیت کودکان مدل، در عرصه تبلیغات تلویزیونی، تشویق و ترویج رقابت‌جویی منفی در بین آنان است که بسیاری از مهارت‌ها و ارزش‌های زندگی را که امروزه روان‌شناسان، معلمان و مروجان تربیتی سعی در آموزش آن‌ها در حیطه‌ها و موقعیت‌های مختلف دارند، خنثی می‌کند.

در حالی که مهم‌ترین ملاک برای حس ارزشمندی در این کودکان (دختر یا پسر خوب بودن) میزان توجهی است که دریافت می‌کنند، در سنین بالاتر، از آن‌ها که دائماً در محیطی پرتنش ناشی از انتخاب یا عدم انتخاب زندگی کرده‌اند، چه انتظاری می‌توان داشت؟

نکته مهم این است که تمامی ارزش‌گذاری‌ها در این حوزه، صرفاً برحسب ویژگی‌های ظاهری کودک صورت می‌گیرد. این به نوبه خود باعث ایجاد نگرش تک‌بعدی در کودک و خانواده او می‌شود و به نادیده انگاشتن سایر ویژگی‌ها و قابلیت‌های کودکان و محرومیت آن‌ها از فرصت‌هایی برای بروز و ظهور استعدادها و توانایی‌هایشان می‌انجامد.

حقیقتاً توجه خانواده‌ها برای انتخاب نشدن کودکان به عنوان مدل تیزرهای تبلیغاتی چیست؟ شاید می‌گویند: مادر جان! خوشگل نبودن یا لیاقت انتخاب را نداشتی!

از پس پرده این کلمات چه برمی‌آید؟ کودکی که کودکی نکرده، مفهوم بازی را نچشیده و زندگی‌اش در پشت دوربین در حال بیان جملات قصار و رسمی گذشته‌است ... شاید هم در فروشگاه‌های گران‌قیمت برای انتخاب بهترین لباس‌ها از معروف‌ترین برندها یا روبه‌رو شدن با اصرار پدر و مادری که مدام در گوش او می‌گویند: بگو ... یک‌بار دیگر بگو ... اگر بگویی فلان جایزه را برایت می‌گیریم!

به عبارتی، این حس رقابت تا حدودی در ذات و ماهیت هر انسانی وجود دارد و اگر واقع‌بینانه به قضیه نگاه کنیم، در پس آن این واقعیت وجود دارد که اگر فرزند من در سنین کودکی به داشتن و استفاده از وسایل لوکس و گران‌عادت کند، در بزرگسالی این عادت به یک «باید» در بین علائق وی تبدیل می‌شود که نبودش او را از نظر روحی و روانی آزار خواهد داد.

کافی است از این به بعد کمی بیشتر دقت کنیم و ببینیم چه کودکانی در این میدان هستند؛ کودکانی که از فیلترهای سخت و طاقت‌فرسای ظاهری عبور کرده و اکنون به جایگاهی رسیده‌اند که شایستگی خود را در زیبایی رنگ چشم، حالت مو، قد مناسب، وزن مطلوب و ... می‌دانند و چه پدران و مادرانی ... پدران و مادرانی که ورود کودکان‌شان به تبلیغات را ضامن خوشبختی و سعادت آن‌ها می‌دانند و برای این هدف تلاش کرده، دویده و جنگیده‌اند؛ غافل از اینکه فرزند دل‌بندشان خواهان چیزهای دیگری است که در میان این دویدن‌ها و نرسیدن‌ها گم‌شده است.

والدین به غلط تصور می‌کنند که چون کودک ضعیف است و قدرت تصمیم‌گیری ندارد، کمک به او برای ورود به این حوزه بهترین انتخاب است؛ غافل از اینکه کودکان حق دارند مسیر زندگی خودشان را انتخاب کنند. به‌خصوص در سنین اولیه کودکی که کار و وظیفه اصلی کودک چیزی جز بازی نیست، اما برخی والدین آنان را به مسیری سوق می‌دهند که در آینده‌شان حق انتخابی وجود ندارد و باید به اجبار به زندگی از قبل تعیین‌شده، تن دردهند.

ناهید نور شرق، وکیل پایه یک دادگستری، در مصاحبه‌ای در این زمینه می‌گوید:

امروزه رسانه‌ها به مامی‌گویند که دنیا در چه وضعی است، واقعیت از چه قرار است و چه موضوعاتی اولویت روز می‌باشد

«استفاده ابزاری از کودکان در شبکه‌های مختلف، از جمله شبکه‌های مجازی، نوعی بهره‌کشی و سوءاستفاده است و مصداق بارز کودک‌آزاری به شمار می‌آید.»

وی در ادامه در خصوص مواد مندرج در قوانین بین‌المللی و قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید:

«کودک‌آزاری از دو کلمه کودک (child) و آزاری یا آزدن (abuse) تشکیل شده است. در قوانین بین‌المللی، همچون پیمان‌نامه حقوق کودک، به بچه کمتر از ۱۸ سال، و در فقه به کسی که به بلوغ شرعی نرسیده باشد، کودک اطلاق می‌شود.»

در اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب ۱۹۵۹) در قسمت ابتدایی اصل ۹ آمده است: «کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود.» همچنین، در ابتدای اصل ۶ مقرر می‌دارد: «کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی‌الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضایی پرمحبت، در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد.»

ماده دوم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) در تعریف کودک‌آزاری می‌گوید: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است.»

گفتنی است که ایران در اسفندماه ۱۳۷۲ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفته است. یکی از شرایط اساسی اجرای درست این پیمان‌نامه، آشنایی همه افراد جامعه، به‌ویژه مقامات مرتبط با امور کودکان، والدین، سرپرستان و البته خود او با این پیمان‌نامه است.

بر اساس ماده ۱۹ پیمان‌نامه حقوق کودک، کشورهای عضو جهت حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی و هرگونه آزار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند.

بعضی از اقدامات و توصیه‌های پیشنهادی برای والدین:

(۱) تربیت ما به‌عنوان والدین باید متناسب با نیازهای واقعی کودکان باشد. کودکی که در ۵ سالگی به محیطی امن مانند خانه و آغوشی گرم مانند پدر نیاز دارد، نیازهایش در خودنمایی‌های تلویزیونی برطرف نخواهد شد.

(۲) نیازهای خودمان را به کودکانمان تحمیل نکنیم. اگر والدی از کودکی آرزوی خلبان شدن در سر داشته و به آن نرسیده است، دلیلی ندارد که این آرزوی خود را به کودکش تحمیل کند.

(۳) نیازهای کودک را به روش‌های سازگارانه برطرف کنیم. بسیاری از کودکانی که به حوزه‌های هنری، نمایش و داستان‌سرایی علاقه دارند. بهتر است والدین پس از شناسایی نیازها و علایق فرزندان، مسیریابی هموارتر مانند شرکت در کلاس‌های نمایش، قرار گرفتن در گروه‌های دوستی جهت اجرای تئاتر، سرود، نمایش و ... را برای کودکان دلبندشان فراهم کنند.

(۴) هیچ نهادی نمی‌تواند کمبود خانواده را جبران کند. نه تنها صداوسیما بلکه هیچ ارگانی کمبودهای عاطفی، اجتماعی، روانی و ... کودک را جبران نخواهد کرد. اگر خانواده‌ای با این تصور که کودک در خانه تنهاست یا روابط اجتماعی ضعیفی دارد او را در این مسیر قرار دهد، علاوه بر اینکه کمبودهای خانه و خانواده جبران نخواهد شد، بر مشکلات او نیز افزوده می‌شود. (۵) ارزش انسان‌ها به چیزی است که به دست می‌آورند نه چیزی که ذاتاً دارند. بر همین اساس، بهتر است از ظرفیت وجودی کودک در مسیر صحیح و آموزش مفاهیم ارزشمند بهره ببریم تا در یک فضای تجاری.

(۶) از وظایف مهم متولیان حمایت از حقوق کودکان، آگاهی‌بخشی به عموم جامعه بالأخص والدین در خصوص قوانین محکم و جدی در برخورد با استفاده ابزاری از کودکان است.

فراموش نکنیم که ما در قبال رشد و پرورش کودکانمان مسئولیت پذیرفته‌ایم. کودکان در سنین کودکی وظیفه‌ای جز بازی ندارند. لذت دوران کودکی را از فرزندانمان دریغ نکنیم.

یکی از آثار سو، فعالیت کودکان مدل، در عرصه تبلیغات تلویزیونی، تشویق و ترویج رقابت‌جویی منفی در بین آنان است

منابع

۱. ایسنا، <https://www.isna.ir/news/92111409701>.
۲. حاتمی، امیر. (۱۳۹۴). بررسی نقش آگهی‌های بازرگانی تلویزیون در ترویج سبک زندگی، مجله رسانه و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۴۶-۲۳.
۳. خبرگزاری مهر، <https://www.mehrnews.com/news/2243583/>.
۴. گودرزی، نسیم. (۱۳۹۱). آگهی‌های بازرگانی، ترویج پنهان هنجارها- سبک زندگی در چند آگهی بازرگانی بانک، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱، پاییز، صص ۸۵-۵۵.
۵. مککوئیل، دنیس. (۱۳۸۰). نظریه‌های ارتباط جمعی. مترجم: پرویز اجلائی. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۶. نیازی کومه، اعظم. (۱۳۹۰). نقش رسانه‌ها در سبک زندگی شهروندان. سمینار رسانه و آموزش شهروندی. صص ۲۶۹-۲۴۵.
7. Solomon, Michael. R, Consumer behavior: buying 1994 2edition Boston: Allyn & Bacon having and being.



استان ایلام

کارگاه آموزشی مدرسان پیش‌دبستان



امروزه به سبب اهمیت آموزش و پرورش در زندگی اقتصادی - اجتماعی افراد و جوامع، از هزینه‌های آموزشی و تربیتی به عنوان سرمایه‌گذاری بنیادی یاد می‌شود. در عین حال، دانایی رکن اصلی توسعه جوامع، و نظام آموزش و تربیت بستر نیل به آن تلقی می‌گردد. در این میان، تحقق یافتن توسعه - با هر تعبیری که از آن داشته باشیم - مستلزم وجود انسان‌هایی است که باید بار این قافله را به سر منزل مقصود برسانند. در دنیای معاصر، نهاد آموزش و پرورش مسئولیت تربیت نیروی انسانی در جامعه را بر عهده دارد و از همین رو، مهم‌ترین بستر تولید و تربیت نیروی انسانی به شمار می‌آید.

سنگ بنای این فرایند در دوران کودکی گذاشته می‌شود؛ چرا که تربیت در کودکی همانند نقش بر سنگ، دارای ثبات و پایداری است. در این دوران می‌توان یک زندگی سالم و سعادتمندانه را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است. آموزش و پرورش دوره پیش از دبستان به عنوان دوره‌ای مؤثر هم از نظر رشد کلی فرد و هم از نظر تأثیری که در پذیرش و نگهداری کودکان در دوره ابتدایی دارد، در سطح کلان مورد تأکید فراوان است.

تحقق این امر مهم در گرو تربیت مربیانی توانمند و باانگیزه است که بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند. در این راستا، معاونت آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام با هدف توانمندسازی حرفه‌ای نیروی انسانی خود در دوره پیش‌دبستانی و آشنا کردن آنان با رویکرد، اهداف، فعالیت‌ها و شیوه‌های مناسب آموزش در این دوره، با دعوت از سرکار خانم قنبری، کارشناس دفتر تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، در پاییز ۹۸ کارگاه آموزشی یک‌روزه‌ای برای مدرسان میانی آموزش و پرورش پیش‌دبستانی برگزار کرد. در این کارگاه، مدرسان با مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر در حوزه علوم تربیتی و همچنین با سابقه مدرسی، حضور یافتند.

کارگاه در سه بخش دو ساعته برگزار گردید. در بخش اول، رویکرد، اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی تشریح شد و موضوعات با بحث‌های دوطرفه و تعاملی تبیین گردید. در بخش دوم، آموزش محتوا به نوآموزان پیش‌دبستانی

به شیوه عملی انجام شد. در این بخش، بسته آموزشی «خدای مهربانم» (شامل یک جلد کتاب راهنمای مربی و چهار جلد کتاب کار کودک با عناوین من و توانایی‌هایم، من و خدای مهربان، من و طبیعت، و من و اطرافیانم) که مورد تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است، به عنوان محتوای انتخابی استان برای نوآموزان پیش‌دبستانی بررسی شد و شیوه‌های مناسب آموزش آن‌ها بیان گردید. در بخش سوم، با تشکیل گروه‌های ۵ نفره شیوه‌های آموزش به‌طور عملی و کارگاهی توسط حاضران ارائه گردید. در پایان کارگاه، مدرسان میانی ضمن ابراز رضایت از شیوه برگزاری این دوره آموزشی، آمادگی خود را جهت برگزاری کارگاه‌های شهرستانی برای همه مدیران و مربیان پیش‌دبستانی اعلام کردند.

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

۲۵ اردیبهشت
روز بزرگداشت فردوسی و
پاسداشت زبان پارسی
گرامی باد



تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ

سوره مائده، آیه ۲

در کارهای خوب و رعایت حقوق دیگران به همدیگر کمک کنید.

